

ما بی نظیریم

مفتخریم که سال گذشته سال حیات تو برای تشریه «مهرآفرین» و تولد تشریه جدیدی به تام «همراز» بود و باز مفتخریم که علیرغم مشکلات جهانی اقتصادی که به کشور ما تیز سایه افکند، موفق به انتشار هر دو تشریه شدیم؛ کاری که شاید از تظر بسیاری کارشناسان با وضعیت معلم اقتصادی آن روز توجیه نداشت. اما اعتقاد راسخ مؤسسه به اضطرار کار فرهنگی در هر شرایطی، موجب شد که ته فقط تشریه مهرآفرین را بهبود دهد بلکه تشریه ای دیگر برای مهرجویان بدان یافراشد.

زمانی که روزنامه نگار اقتصادی بودم، هر روز تشریه های داخلی وزارت خانه ها و سازمان های مختلف کشور روی میز تحریریه تلبیس می شد. مستحضر هستید که وضع مالی وزارت خانه های اقتصادی تسبیت به وزارت خانه های اجتماعی معمولاً بهتر است؛ این موجب می شود که هر وزارت خانه ای که وضع مالی بهتری دارد بالطبع تشریه داخلی بهتری داشته باشد، چه از لحاظ کیفیت کاغذ و چاپ و ... و چه از لحاظ محتوا حقیقته ارگان هایی که این تشریه ها را طبع می کنند با هر بودجه ای که به آن تخصیص می دهند، معمولاً بیش از یک تشریه طبع تمی کنند در میان بخش خصوصی تیز به یاد تدارم که مؤسسه یا شرکتی دو تشریه داخلی طبع کند. با این توضیح، شاکریم و مفتخریم که شاید تنها مؤسسه ای باشیم که دو تشریه داخلی با دو محتوای کاملاً متفاوت برای دو مخاطب کاملاً متفاوت آن هم در بخش خصوصی طبع می کیم و این اختصار شاید در کشور بی تظیر باشد.

وقتی تعداد اخبار و گزارش های تشریفات ارگان ها به خاطرم می آید از این همه اخبار و گزارشی که مهرآفرین در یک بازه زمانی فصلی تولید می کند دچار شعف می شوم که این هم در نوع خود کم تظیر است و تشنگر فعالیت خستگی تا پذیر مؤسسه است که موجب بروتداد اخبار متعدد می گردد.

به واقع تشریه ای داخلی با ۲۶ صفحه تمام رنگی گلاسه، پاسخگوی گیشه مطبوعات است و توقع مخاطب گیشه را مرتفع می کند.

سعی ما بر این بوده که مطالی غیر از اخبار مهرآفرین که در تشریه طبع می شود در عین حال که خستگی تان را رفع می کند اهداف مؤسسه را تأمین کند و در واقع همه مطالب حول یک محور واحد باشد که این تیز واقعه ای کم تظیر بین تشریفات داخلی است، چرا که اغلب تشریفات برای رفع خستگی مخاطب مطالی معمولاً غیر مرتبط و صرفاً برای سرگرمی به مخاطب ارائه می دهند، اما سعی ما این بوده که غیر از احترام به سلیقه و وقت شما، از تمام امکانات تشریه مهرآفرین برای هدف تهابی مؤسسه که همانا جذب مهرآفرین بیشتر و جلب تظر مهرآفرینان پیشین است، بهره گیریم.

با این توضیح مبسوط، تعارف تیست اگر بگوییم که بی صبرانه منتظر انتقادها و پیشنهادهای شما هستیم، ما با جذب تمام طبع این دو تشریه را آغاز کرده ایم و چشم اندازی روش برای خود ترسیم کرده ایم، امیدواریم و تمنا داریم شما تیز اگر به این حرکت فرهنگی اعتقاد دارید، با طرح دیدگاه های تان ما را راهنمایی کنید در تحریریه مهرآفرین و همراز گوش به زنگ تان هستیم.



به نیکان خیر گند آفرین
خداآوند پاکان مهر آفرین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

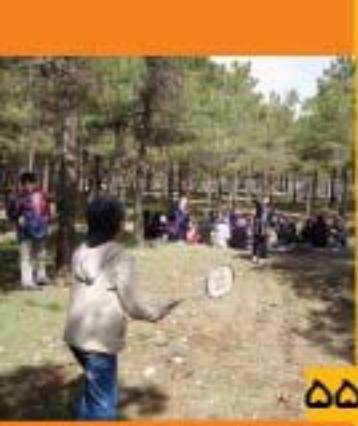
در این شماره می‌خوانید:

۵۱	حاجی تیم فوتسال مهرآقرين شوید	هر روز یک حلقه ... ۷۶	لطفا ورق نزدید
۵۲	اینجا فقر را مساوی تقسیم کرده‌اند	دعوت ۳۲	هارا زنده نگه دارید ۷
۵۳	گزارش اردوی تفریحی چیتگر ۵۵	حاجی همه ترقته ۳۳	آشنایی با مرکز مشاوره مهرآقرين ۸
۵۴	مادر سینهای ایران ... ۵۶	خبرگزاری همایش خنده در گیش ۱۳	برگزاری همایش خنده در گیش
۵۵	مسابقه سنجش اطلاعات عمومی ۵۷	مریمی که بُوی مریم نمی دهد ۳۸	برگزاری جشن گلریزان ۱۴
۵۶	اینجا خیابان قزوین ۵۸	من سرکوچه شما هستم ۳۹	آنهایی که جز خدا پناهی ندارند ۱۵
۵۷	دقت در بیت‌الفال ۵۹	آفتاب هشتمن ۴۰	لبخندی سپر غصه ها ۱۷
۵۸	گزارش عملکرد واحدها ۶۰	کمک به فقرات نیکوکاری نیست ۴۱	پله پله تا ملاقات سلامتی ۱۸
۵۹	هدیه‌ای پایدا ۶۱	مشاوره حقوقی ۴۲	بیشتراید و مهرآقرين شوید ۲
۶۰	فرم اشتراک ۶۲	فقر تعام عبار ۴۴	نگاهی به زندگی یک بازیوی نیکوکار ۲۳
۶۱	کاف هیچ چراغ قرمز در دنیا نبود ۶۴	فرصتی برای سعادت همه‌جانبه ۴۵	مهرآقرين و بانک رفاه ۲۵
۶۲	چگونه با سرطان مبارزه کنیم ۶۵	مهرآقرين و بانک رفاه ۲۵	



هر روز یک حلقه به زنجیره مهرآفرین
اضافه می‌شود

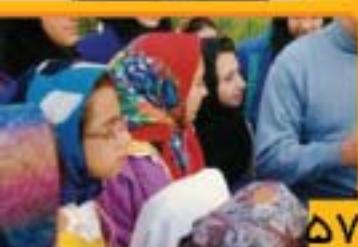
- عکس‌علي‌شیرازیان
 - شورای تحریریه: زهراموسوی، فاطمه‌لطفی، ترکیس‌احمیاری
 - سعیده پریان، فاطمه‌چوبی، سیمینه‌عزیزی، پریسا‌احمدي، هما
 - بیزدان‌پنهان، طاهره‌کشاورزیان‌محمدی، مهرداد‌گزکارانه
 - تلفن: ۰۹۷۰۵۷۸۰۸۸۲
 - مدیر حسنون: فاطمه‌هدادی‌بور
 - قائم مقام مدیر عستول و مدیر اجرایی: روح‌ا... چوبی
 - سردبیر: شرجس نوهد سرا
 - مدیر روابط عمومی: سعیده‌پریان
 - شماره پیامک: ۰۹۹۰۲۴۲۰۶۶۰
 - گروه گرافیک، طراحی و مفاهیه آزادی فاطمه‌راستی،
 - علی‌دین‌پور، فروزان‌بنگار‌حیب‌اللهی
 - مادرکریزه: مدیریت محترم و گروه‌های مجده‌خانواده
 - سین، مهندس مهرداد‌گلبریان، رضانادرستکار، احسان‌چوبی
 - وزیر اسناد و کتابخانه ملی: علی‌حسوند، فرهاد‌آب‌پیغمک
 - تلفن تحریریه: ۰۸۸۶۹۹۵۳۷
 - شماره پیامک: ۰۹۹۰۲۴۲۰۶۶۰



۵۵



۶



۵۷



۱۴

با تشکر از حفایت‌های بی‌دریغ

- * آقایان مهندس تفترشی و علی محمدی زاده مدیر محترم عامل و مدیر محترم روابط عمومی شرکت معظم پارس خودرو
- * مدیریت محترم شرکت معظم چوبسازان

جناب آقای دکتر احمد اسماعیل تیار مدیریت محترم عامل جای هنر سوزنین سبز، مهرآفرین محترم بیدن و سیله از همکاری و مساعدت حضر تعالی درخصوص چاپ و تأمین کاغذ نشریه مهرآفرین گعال تشکر را نموده و اجر فراوان از پروردگار برای کار نیک تان خواستاریم.

مدیریت مهرآفرین و مدیریت مجلات

کمک به فقرا نیکوکاری نیست وظیفه است



۱۴۲



فقر تمام عیار
و دیگر هیچ...

گزارش تکان دهنده
از مناطق محروم بندرعباس
و سیرجان

۱۴۳

جناب آقای محمد خلیل نی مهرآفرین گرامی

با تهایت تالیم و تأثیر در گذشت والده محترم‌تان
و اخددهت حضر تعالی و بازماندگان آن مرحومه
تسليت و تعزیت عرض نموده و براستان صبر
جزیل خواستاریم.

جناب آقای سید احمد حسینی مهرآفرین محترم

با تهایت تالیم و تأثیر در گذشت پدرگرامیتان را
خدمت حضر تعالی و بازماندگان آن مرحوم
تسليت و تعزیت عرض نموده و براستان صبر
جزیل خواستاریم.

«عقلانیت باز» آن عقلانیتی است که فراموش نمی‌کند که «یکی» در «جند» است و «جند» در «یکی». (ادگارمون)

لطفاً ورق نزنید اول با ما آشنا شوید

لطفاً قبل از این که ورق بزاید، اول با مجله آشنا شوید و بدانید، آنچه پیش روی شماست، چیست؟

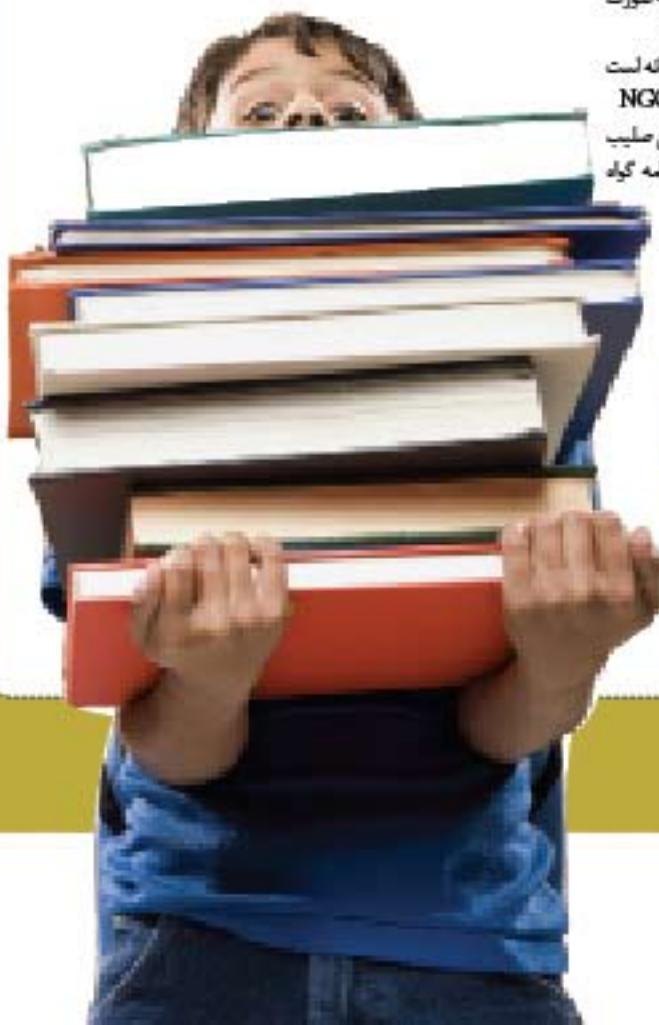
مهرجوان، در مؤسسه مهرآفرین همان کودکان بنسریرست هستند
مهرآفرینان، در مؤسسه مهرآفرین عزیزانی هستند که به کمک و حمایت
مهرجوان می‌شتابند تا مهرآفرین در این رسالت خطیر نباشد
اعتقاد راسخ به تأثیر کار فرهنگی، موجب شده تا مهرآفرین نتهاً مؤسسه
خبرنامه‌ای باشد که دو مجله منتشر می‌کند
مجله مهرآفرین، برای مهرآفرینان منتشر می‌شود : با هدف ارائه
گزارش‌های عملکرد مؤسسه، اعلام برنامه‌های آینده مؤسسه، ارائه گزارش‌های
مالی شفاف و ایجاد لذتی، برای پیوستن به مهرآفرین
با این مأموریت، مجله مهرآفرین به دست دو گروه می‌رسد: مهرآفرینانی
که به مهرآفرین پیوسته‌اند و عزیزانی که می‌توانند مهرآفرین شوند (دهکده‌های
اقتصادی بالای جسمه)

مجله همارا، برای مهرجوان منتشر می‌شود: با هدف آموزش فرهنگی،
اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی مهرجوان، آموزش مهارت‌های زندگی، ایجاد
پل ارتباطی فرهنگی با مؤسسه و رسانی فرهنگی - آموزش در خانواده‌ها
یشان با این مأموریت، همراز عضوی از خالوانه این کودکان است و به معنی خلا
والدین بنسریرست ایشان را در بیشتر جنبه‌ها پرمی‌کند

مجله مهرآفرین، ولست به مؤسسه خبرنامه مهرآفرین
پنهان خواست
مؤسسه خبرنامه مهرآفرین، پنهان کودکان بنسریرست
است و از آن حمایت مالی، فرهنگی و خدماتی می‌کند
کودکان بنسریرست، برخلاف کودکان بی سریرست
از هیچ حمایتی برخوردار نیستند چه لهجه‌های دولتی چه
مؤسسه‌های خبرنامه خصوصی
کودکان بتم و بی سریرست، کمتر از کودکان
benserirrest با خطرات اجتماعی در آینده دست به گیریان
می‌شوند
خطر سریرست بد چندین برابر قدران سریرست
است

دلسوزی، حمایت و امایل به کمک (چه مردمی چه
دولتی) درباره کودکان بنسریرست در مقایسه با کودکان
بی سریرست تاچیز است و این کودکان در جامعه ما رها
شده‌اند. مؤسسه خبرنامه مهرآفرین، با درگاه‌این مدخل بزرگ
اجتماعی با هدف حمایت از کودکان بنسریرست به صورت
کلملأ خصوصی از سال ۸۴ آغاز به کار کرده است
مهرآفرین، دومین مؤسسه خبرنامه در خاورمیانه است
که موقعی به اخذ گواهینامه **NGO Benchmarking**
شده است این گواهینامه مورد تایید سازمان صلیب
سرخ جهانی و مقر آن در زیو است این گواهینامه گواه
شقاقیت و کار سیستماییک مؤسسه است
دو دسته مخاطب، با مؤسسه مهرآفرین در
ارتباطند: مهرجوان و مهرآفرینان

مهرآفرین را بخواهید، با
مهرآفرین آشنا شوید و
مهرآفرین شوید.



ما را زنده نگه دارید

مجله مهرآفرین، در تیرماه ۲۰ هزار نسخه منتشر و توزیع می‌شود.

این مجله به صورت رایگان در بین اقشار متمکن و نرومند شهر تهران و بخش شهرستان‌ها توزیع می‌شود. توزیع مهرآفرین، در منزل شهروندان صورت می‌گیرد. همچنین با چند فروشگاه تعجیله‌ای پردازگ هم توانان شده است تا مجله مهرآفرین را در سبد خرد کالای شهروندان به صورت رایگان قرار دهد.

مؤسس، ما را در تأمین هرچه بیشتر و بهتر کودکان یاری می‌رساند. اگر دلتنان در گروه قمایت‌های فرهنگی است و به بازخورد این فمایت‌ها ایمان دارد، ما را زنده نگه دارید. شما ارجمندان به دو روش می‌توانید ما را یاری کنید:

۱. گمک‌نگی یه واحد مجلات مهرآفرین
بدین منظور می‌توانید با شماره تلفن ۸۸۶۴۹۹۲۷، واحد روابط عمومی مجلات تعاس بگیرید.

۲. درج آگهی شرکت یا خدمات تان در مجله مهرآفرین
محله مهرآفرین با تیرماه ۲۰ هزار نسخه به صورت رایگان توزیع می‌شود با این نوع کمک، هم کالا یا خدمات خود را تبلیغ می‌کنید و مطمئن هستید که تبلیغ شما به دست گروه هدف تان می‌رسد و هم کودکان مهرآفرین را یاری نادید.
در ضمن اگر گروه مخاطب ویژه‌ای دارد، ۵ نسخه را به صورت رایگان به مخاطب مورد نظرتان پست خواهیم کرد و نیز در صورت نیاز، ۱ نسخه رایگان در اختیار شما ارجمندان قرار می‌دهیم تا خودتان به گروه مخاطب تان برسانید.
همچنین، اگر تمدد آگهی‌های شما به ۶ آگهی در سال برست، به عنوان پلور مهرآفرین با مدیرعامل شرکت، درباره فمایت‌های شرکت (به صورت رپرتوار آگهی) مصاحبه خواهیم کرد.

توجه: ما تعریف آگهی‌های نداریم! و با طرح «(همت عالی)» این حرکت را غافل کرده ایم. دست ما را در این حرکت فرهنگی و خدایستاده بپشارید.

تلفن روابط عمومی: ۸۸۶۴۹۹۲۷-۸۸۸۸۱۳۹۶

با این حرکت و با توجه به هزینه بالای منتشر مجله از شما ارجمندان دعوت می‌شود، تغییر از عضویت در مؤسسه به عنوان مهرآفرین، در تأمین هزینه‌های مجله ما را یاری کنید.

■ همانطور که ذکر شد هزینه‌های مجلات مؤسسه یا هزینه شخصی مدیرعامل تأمین می‌شود و از کمک‌های مردمی فقط در تأمین نیازهای اساسی کودکان استفاده می‌شود.
■ منتشر مجله مهرآفرین نه تنها یک حرکت فرهنگی است، بلکه موجب می‌شود شهروندان بیشتری از وجود چنین مؤسسه‌ای آگاه شوند و در نهایت با افزایش تمدد مهرآفرینان، مهرجویان بیشتری از سفره مهرآفرین متنstem شوند.

■ مجله همراه نیز به عنوان اولین مجله حرفه‌ای مخصوص مهرجویان ایرانی منتشر می‌شود تا پایه کلار تقدیمه فرهنگی کودکان پسربیست و بی سربیست در کنار تقدیمه جسمی آنان باشد.
■ کمک مالی شما برای منتشر مجلات

ارزش انفاق در زمان حیات

کارهای که تمام شد پیامبر (ص) با دلکت بسیار برتری کرده‌اند تا اگر چیزی باشی مانند: هدر نرود و طبق و میث لفاقت شود، مروجی از تروشمدنان مدینه و ندیارافت. دوستان خدمت پیامبر آله و عرض کردند: يا رسول ا. (ص)
رسول خدا در گوشه ایبار، (له خدمایی پیدا کرده) که نیم خورده
پرندگان بود، خرم را برداشتند و رویه امتحاب کرده و فرمودند: اگر در
زمان حفتش همین دله‌ی نیم خورده را انفاق می‌کرد از این سبب
تمام لسوال را باید بابت بین مستعدان تخصیم کنید. پیامبر قبول کرده و
آنچه کرده
و آخر پیش از همه اینها بود که الان ایس از مرگ انفاق کرد.

آشنایی با مرکز مشاوره مهرآفرین

بخش دوم - وظایف

بالوجه به نیازها و اهداف ذکر شده مجموعه مهرآفرین در سال ۱۳۸۵ تأسیم به راهنمایی مرکز مشاوره در واحد صفا (جزای) گرفت و با همکاری سرکار خالو فاطمه تقضی (کارشناس ارشد روانشناس پایه‌نی) (فارغ التحصیل دانشگاه الزهرا، این مرکز را به منی گردید و ز آن جا که مشاوره‌های فردی و گروهی در بازاری از موقع نهایه حل نمی‌باشد لذاز سال ۱۳۸۶ همکاری مرکز مشاوره با جنبه ای دکتر شاهسیری (دکتری روپیشگی) از دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد افزایش و این همکاری در جهت درمان آن دسته از اختلالات روانی‌اشخاصی بود که احتیاج به درمان دارویی داشتند و همچنین به منظور شناخت اختلالات کودکان در زمینه‌ی رفتاری و هیجانی مهرآفرین تأسیم به راهنمایی اتفاق باری در مملی جهت تشخیص و درمان اختلالات درین گروه سنتی شد لذا اتفاق باری در سال ۱۳۸۷ شدو تاکنون به فعالیت خود ادامه داده است

- ۱- بررسی و شناخت استعدادها و علایق دانش آموزان و دانشجویان و برنامه‌ی ریزی و لاثان درجهت شکوفایی استعدادها هدایت تحصیلی و حرفه‌ای ایشان در آینده.
- ۲- برگزاری جلسات با دانش آموزان، دانشجویان و مادران و پاسخگویی به پرسش‌های آنان در مورد مسائل روانی - اجتماعی به کمک کارشناسان و افراد متخصص و صاحب‌نظر در مسائل روانی‌اشخاصی مشاوره روپیشگی.
- ۳- تحقیق درباره مسائل و مشکلات خالو و هم‌باشی شناخت عملی آسیب را راهنمایی خدمات برای حل مشکلات مربوط به تحصیل، خالو و هم‌باشی ازدواج شغل و اختلالات رفتاری روانی دانش آموزان، دانشجویان و مادران.
- ۴- برقراری ارتباط موثر با سایر واحدهای مرتبط با دانش آموزان تغییر مدرسه و خاله به منظیر کمک به حل مشکلات کودکان (رویش مداخله‌ای).
- ۵- مشاوره با دانش آموزان و دانشجویان در جهت کمک به پیشرفت تحصیلی - جمع بندی مسائل و مشکلات خالو و هم‌باشی در بین روانی - اجتماعی.
- ۶- برگزاری کارکاههای و دوره‌های آموزشی برای خالو و هم‌باشی (دانش آموزان، دانشجویان و مادران) باهدف ارتقاء پیدا شدن روانی آنها تغییر کارکاهه خودشانسی، دوست پایی، مدیریت استرس و ...
- ۷- ارائه نظرات کارشناسی درباره مسائل و مشکلات خالو و هم‌باشی.
- ۸- شناسی از اختلالات شایع در کودکان تغییر، اختلالات بیانگیری، بیش فعالی یا A.D.H.D. و لاثان در جهت رفع آن از طریق باری در مملی، کاردرمانی، گفتار در مملی و ...
- ۹- برگزاری جلسات مشاوره قبل از ازدواج برای دختران و پسران در شرف ازدواج

مقدمه

دانش برای زندگی موقتی آمیز نیازمند برخورداری از آرایش، سلامت و کارآمدی در این زیستی، روانی و اجتماعی می‌باشد تغییرات اجتماعی - فرهنگی سریع، تحول در ساختار خالیانه پیچیدگی و گسترش شبکه ارتباطات انسانی و وسعت و تنوع منابع اطلاع رسانی موجب گردیده است جوامع انسانی خصوصاً قشر جوان و نوجوان با مسائل و مشکلات متعدد مواجه شوند و از طریق توسل به روشی ایشانی که گاه از شیوه‌های منطقی برخوردار نبوده و اقدام درونی‌ای روش و امیدبخش می‌باشد به فشرلارها چالشها و احتزارات گسترش زندگی آمیز و اکتشاف شان دهدند

کودکان و زنان بذریعه است لحت حمایت مهرآفرین به دلیل زندگی در محیط‌های پر لتنش و همسویا و فضایی در حال گذار موجود در گیر جالشها و دگرگوینهای گردیده‌اند از این رو تقدیم و حمایت ذهنی روانی و اجتماعی این کودکان نیازمند آموزش فرهنگ گفتگو، انگلر لغایی و ایجاد مهارهای اوتومتدیهایی برای اصمیم گیری آنکه‌انه، مقابله با لسترهای و هیچ‌جایی‌ای ریز مرمای از ایشان خود کار آمدی، برقراری ارتباط موثر و سایر نوابیهای روانی اجتماعی می‌باشد بنابراین لازم است در کنار پیشگیری از آسیبهای اجتماعی، در جهت ارتقای سطح پیدا شدن روان فردی و اجتماعی این قشر از اجتماع گام‌های موثری برداشته شود

بخش اول - اهداف

مله ۱- اهداف مرکز مشاوره مهرآفرین بطور کلی پیشگیری از آسیبهای روانی - اجتماعی و ارتقای سطح پیدا شده و سلامت روان کودکان و خالو و هم‌باشی ایشان می‌باشد در این راستا اهداف اختصاصی عبارتند از:

- ۱- ارتقاء سطح دانش و پیش روانی‌اشخاصی خالو و هم‌باشی در زمینه مسائل مشکلات و نیازهای خالو و هم‌باشی
- ۲- راهنمایی خالو و هم‌باشی در جهت شناخت صحیح توانیها و مشکلات خود
- ۳- راهنمایی خالو و هم‌باشی در تسعیم گیری آگلله، عاقله، و حسن انتخاب
- ۴- راهنمایی کودکان در حل مشکلات رفتاری، عاطفی، شناختی، تحصیلی، خالو و هم‌باشی و مسائل مربوط به ازدواج
- ۵- افزایش سارکلری موثر با محیط تحصیل و زندگی، نویسه روابط اجتماعی و پیشرفت‌تحصیلی
- ۶- پیشگیری از بروز و شیع مسائل و مشکلات عاطفی - رفتاری و نویسه پیدا شدن روانی به قضايی عمومی و جسمی
- ۷- ایجاد زمینه‌های از هم‌بازاری از تماور و اطمینان فردی سالم در محیط خالو و هم‌باشی



مسئول مرکز مشاوره مهرآفرین:

اغلب مهرجویان مراجعه کننده از مشکلات روحی-روانی رنج می برند



– متى که پيش رو داريد، مصاحبه با سر کار خاتم قاطمه نفق (کارستاوس ارسد روانشناس بالين) فارغ التحيم داشتگاه الزهرا و مسئول مرکز مشاوره مهرآفرین پناه عصر مي باشد که در خلال آن توضیحاتي درخصوص تحوهی فعالیت آن مرکز لراله شده است:

مجموعه (دکتر شاهسیری) ارجاع مي دهيم.
3. همکاري مراجعين يا شما چگونه است؟
 با مراجعه کننده همدردي مي كنيم و به آنچه نشان مي دهيم تا زين طريق مقندر زيادي از اضطراب و راگاهش دهيم خصوصاً موافق که مراجعه کننده خود را شرمتنده گذاشکار و یا نايسيد احساس مي کند. همچنان ا诘مات درباري ساختار درمان تيز به مراجعه کننده داده مي شود. مانند تعداد جلسه هاي درمانی و طول مدت هر جلسه اگر شخصي که مراجعه نموده از همان لبتداي امر در مورد درمانش و پيامدهاي آن توجه شود. انکاليف رفتاري را دقيق و به شكل صحيح لجام مي دهد و همین مساله اگرچه ورای حضور در جلسه درمانی بيشتر مي کند.

4. عمدۀ مشکلات و اختلالاتی که مهرجویان با آن مواجه هستند چیست؟

مراجعةن اين بخش به دو دسته تقسيم مي شوند: کودکان و بزرگسالان. يك دسته از مشکلاتي که مهرجويان خيلي با آن مواجه هستند اعتياد همسرشنان است. در اين مقوله بمن از يك جلسه مشاوره حضيری و آگاهی از مدت زمان و نوع مواد مصرفی، قدر مستنده به مراکز ارک اعتياد که با ما همکاري مي نمایند، ارجاع داده مي شود.

1. روند معرفي و پذيرش مهرجویان به يخشن شما چگونه است؟

مرکز مشاوره مهرآفرین کار خود را بد از پذيرش و ارجاع مهرجويان از سوي بخش مدد کاري آغاز مي نماید. مهرجويانی که مراجعه مي کنند با مشکلات متعدد روحی-روانی از قبيل افسردگي، اضطراب، حملات حصبي، وسوس و سایر اختلالات روانی مواجه هستند.

2. مشکلات و اختلالات واچگونه شناساني مي کنند؟ سير درمان را توضيح دهيد.

مشکلات آنها طی مصاحبه در جلسه اول و اجرای تست هاي مختلف از قبيل تست هاي عيني (تابع پرستش تامه هاي خود سنجي ميلون، MMPI، اضطراب، افسردگي و...) و تست هاي فراذن (جملات نيمه تمام CAT، TAT...) مشخص مي شود.

بنتا در مورد آن مشكل و زيرتا و بالشي که ياصت ايجاد و تشديد آن شده با فرد صحبت مي شود و در مرحله بعد اورا از سير و روش درمانی آگاه مي کنيم. در صورتی که اختلال شديد باشد و درمان رفتاري-شناختي به همراه لجام تکاليف رفتاري-بيهود و رابه تمويق بيانلارز همزمان از دارودمانی نيز استفاده مي کنيم و لورا به روالپزشك





ازدیگر برنامه‌های آئی
مرکز مشاوره‌ی مهرآفرین آن
است که با همکاری بخش تحقیق
و پژوهش طرح‌های پژوهشی و
درماتی در زمینه‌های مختلف را
به انجام برساند.

در این مرکز صورت می‌پذیرد جهت ارتقا، سطح آگاهی والدین
و نو جوانان در زمینه‌های مختلف کارگاههای آموزشی برگزار
می‌کند. کارگاههای برگزار شده شامل افزایش اعتماد به نفس،
بلغ فکری و جسمی، برقراری روابط موتور با فرزندان، آشنایی
با لکوهای تربیتی صحیح اصول فرزند پروری، اصل تشویق و
تنبیه صحیح کودک، حل اختلاف و تعارض با فرزندان، پرورش
خلاقیت کودک، مهارت مدیریت خشم و هیجانات منفی، مهارت
خود آگاهی، مهارت مدیریت استرس و
ازدیگر برنامه‌های آئی مرکز مشاوره‌ی مهرآفرین آن است
که با همکاری بخش تحقیق و پژوهش طرح‌های پژوهشی و
درمانی در زمینه‌های مختلف را به انجام برساند.

6. آن گونه که شما اشاره نمودید
مهرجویان یا مشکلات و اختلالات ییشمماری
رویه رو هستند، موافق درمان به چه شکل

و لامعنه اختلاطی که مددجویان
برگسال ما با آن درگیر هستند شامل:
اختلالات-اختیار (انطراب و افسردگی، تیک‌های
عصی و اختلالات شخصیت) است.
دسته دیگر مراجعن را کودکان تشکیل
می‌دهند عمده اختلال کودکان بیش فعالی،
اختلال بلایگیری، انطراب و افسردگی کودکی و
تیک می‌باشد. البته درمان کودکان بیشتر در آلاق بازی
صورت می‌پذیرد.

5. در وظایف کاری شما آنده است
برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای
خانواده‌ها واقعا در این خصوص برنامه‌ای
اجرا شده است؟

بله، این مرکز در کنار برنامه‌های تشخیص و درمان که

گفتگویی با دکتر شاهمیری باور مهر آفرین در مرکز مشاوره



آقای دکتر شاهمیری شما فعالیت خود را از چه سالی و به چه صورت با مؤسسه مهر آفرین آغاز گردید؟ من از سال ۱۳۸۵ به درخواست آقای دکتر رفیعی، مدیریت مرکز آگاهان نیرو که پیشتر با من در رابطه با رسمیت‌های همکاری با مؤسسه مهر آفرین صحبت کرده بودند، وارد این مرصد شدم.

رونق دکاری شما در رابطه با درمان مهر جویان به چه شیوه‌ای می‌باشد؟

یک روپردازش کار خود را با وزیرت بیمار آغاز می‌کنم من در ابتدای سی می‌گذرم با توجه به مشکلات عnde ای که مهر جویان ارجاعی از مؤسسه دارندامتماد و رایبروت اویله را ایجاد کنم و بد در مورد عوارض جالبی و مزایای داروی مصرفی به آنها آگاهی بدهم، با توجه به اینکه هزینه وزیرت و داروها توسط مؤسسه مهر آفرین پرداخت می‌شود، بیماران از انگیزه بالایی برای بیبود و درمان دارند.

اکثر مشکلات و اختلالات مددجویان در چه زمینه‌ای است؟

بزرگسالان در اکثر مواقع دچار اختلالات خلقی (اضطراب و افسردگی)، تیکهای عصی و اختلالاتی شخصیتی بوده‌اند که کودکان مراجعه کننده نیز پیشتر در دچار اضطراب بیش قابل شب ادراری و افسردگی هستند.

چند درصد از مددجویان کاملاً بیبود یافته‌اند و چند درصد در وقوعیت بیبود تسبیبی به سر می‌برند؟

تفقیما ۶۰ درصد مددجویان بیبود یافته‌اند و ۴۰ درصد بقیه در وضعیت بیبود نسبی هستند این آمار با توجه پژوهش مرکز آگاهان نیرو مشخص شده است.

آیا شما از تکنیکهای وقتاری و روان درمانی هم استفاده می‌کنید؟

در مورد بعضی از اختلالات که دارو درمانی به تنهایی نتیجه بخش نیست و مشکل مددجوی به صورت حد بوده و یا از دوران کودکی با وی همراه بوده است من همزمان از مشاوره فردی و گروهی نیز انجام می‌دهم.

من باشد؟

همانطور که در قبل نیز به آن اشاره شد در کتاب دارو درمانی از درمان شناختی -

رفتاری هم استفاده می‌کنیم

در این روش مراجعین را در جریان ارزیابی قرار می‌دهیم، که این رویکرد (CBT) بیشتر براساس خود پرای استوار است که هدف کمک به شخص است تا بتواند مهارت‌های لازم را نه تنها برای حل مسائلی جاری بلکه مسائل مشابه آنها در آینده نیز رشد دهد. به نقش تکالیف خانگی تأکید می‌کنیم و خاطرنشان می‌کنیم که قسمت عnde درمان در زندگی روزمره صورت می‌گیرد، بدین معنی که بیمار هر آنچه را که در جلسه‌های درمانی مورد بحث قرار گرفته است به مرحله‌ای عمل درآورد

7. منتظر از تکالیف خانگی چیست؟

به صورت کلی در درمان رفتاری از تکالیف خانگی به منتظر خود درمانی بیمار در منزل و پیگیری بهبود از طریق خالواده بدل از درمان استفاده می‌شود به عنوان مثال در میان مهر جویان موسسه مهر آفرین، خالم مر جزء آن دسته از بیمارانی بود که دچار اختلال چند شخصیتی بود تکلیفی که به ایشان داده شد این بود که به جای صحبت کردن با شخصیت‌های خیالی (ساخته ذهن بیمار) در روز نیم ساعت جلوی آنها باخود و یا بیرون منزل با یک یا دو نفر صحبت کند

8. نحوه فعالیت شما در اتاق بازی چیست؟

در ابتدای سال ۱۳۸۷ با توجه به تأکید مدیریت مختبر مجموعه سرکار خانم داشبور به پژوهش کودکان سالم و مستعد، اتاق بازی درمانی در دفتر صفت (اجرانی) مهر آفرین تأسیس شد و با توجه به این رویکرد اکثر کودکان تحت پوشش در اتاق بازی به منتظر بررسی قدرت بیان، نحوه برقراری ارتباط، حافظه و تمرکز، اضطراب اسکرنس و یادگیری بررسی شدند بیشترین اختلال این کودکان از نوع اضطراب، استرس و خود باوری منفی است که طی چند جلسه‌ی بیانی، به صورت یکباره در هفته‌ی پرای بازی درمانی گذشته می‌شود آن دسته از بیجه‌هایی که هیچ گونه مشکلی نداشته حضور شان در اتاق بازی محدود به همان یک جلسه می‌شود که برای بررسی مجدد ۶ ماه بعد از اولین جلسه (Observe) مورد مشاهده بالینی قرار می‌گیرد.





در نقاشی زهرا سلما جانی نویسنده میرعمیر که پدرش از هر لحظه‌ای اول است ماه میان چنان بسیار وی نماد قدرت، درخشندگی و تکیه گذاشتن دارد پنهان کار است و ممکن است به این احساسات و اینگاه نقش ندازد و هم چنان می‌خواهد به خالو و اطراف این باسته باشد احساس تهدید و اضطراب می‌کند و دچار یک تناقض در رفتار و هیجان‌گذاشش شده است. مادرش را مسبب تمام مشکلات و لیازهای برآورده نشده‌اش می‌داند، هر چند که از درون احساس می‌کند که اینطور نیست لاما خلاصش را برآز می‌کند و این مساله را کلار می‌کند.



سجاد در نقاشی‌هایش از رنگهای گرم خیلی استفاده کرده است. او خیلی هیجان خواه و شاد است در عین حال که یک اضطراب پنهان دارد یا وقت خالوگی وی امکان بیوز هو گونه هیجان و لیازهای شاد را برای وی نمایند و بیهوده است. مادری که دو سال است او را از دست داده و در حال حاضر زنی دیگر جای او را برایش پر کرده است. به شدت طائفی و حساس است. اضطرابش مالع بیروز استمندشها و پرتواری روابط اجتماعی موثر و سازگاری دارد با محیط می‌شود تفاوت ناپذیر در برخورد با شرایط همیشه از یک روش و پیوسته استفاده می‌کند.



علیس از لحاظ ذهنی به شدت آشفته است. نمایل به هیجان خواهی، باز و مشخص بودن دیده شدن و در معرض توجه بودن احساس تهدید و اضطراب می‌کند با حضور مادری که مدام نقش سرزنش کننده را دارد از حضور پدر و نقش وی چیزی به خاطر ندارد اما می‌داند که اگر پدری باشد که اوبه وی تکیه کند بسیاری از مشکلاتش را می‌تواند حل کند خیلی حساس و طائفی است و هم چنان به دنبال آزمون می‌گردد.



علیرضا کودکی است با کمبود تمرکز و توجه که به شدت پرخاشگر است و احساسات طائفی اش را نمی‌تواند با کلام و ترسیم نتلان دهد. دچار دیگری درینی درینی است. اما از ابراز آن ناگفتن است. از زیبایی‌ها و قشنگی‌ها همیز در نهضش چیزی نقش نیست و می‌خواهد خلق کند اما جز نکرار چیز دیگری نیلموخته است.



باشگاه خنده همایش بزرگ در کیش

خنده سدی در برابر استرس است
خنده اکسیر جوانی است
با حضور استاد مجید پزشک

دهگاه سامانه فلایه فارس
فروشنده
به نفع کودکان و زنان نیازمند
هزینه خواهد شد.

برگزاری همایش خنده در جزیره کیش

بزرگ نگشت خندهای برخی، چنان عمیق بود که به کودن سرین این حالات ارزیدیگ مشاهده و احساس کند پس اجرای نکنیکهای خنده و قتنی از شرکت کنندگان را برای گام بدی آمده کنند برخی نیز به دلیل شدت خنده اشک در چشم اشان جمع شده بود در گام بدلی بزمی از چند تن از کوکان حاضر در سالن دعوت شد تاریخ صحنه بیانند و باهم در مسابقه ای خنده شرکت کنند خنیدن کوکان بر روی صحنه به از جمله نکنیکهای خنده که در این همایش اجرا شدمی تلوی به خنده کششی خنده بوبین گل خنده به بگویم کسی را باید آن بیود که به خندهای آلان نخند همکاری جمیعت ۴۰۰ نفره - که در میان آن، چند تن از و چگونه خنیدن را آنها بیموزد چرا که کوکان الگوی اعصاب بشگاههای خنده ای تهران نیز حضور داشتند - در خوبی برای بادگیری بدمون دلیل خنیدن هستند اجرای این نکنیکهای موجوب شد که مخفای سالن همایش باز صلحی قیقهه ای خنده آگنده شود و سوتنهای از زر در آید همه به چشم خود شاهد بودند که چگونه می بینم بدون هیچ دلیل خنده و برای خنیدن، دنبال انگیزه های

به همت مؤسسه تیکوکاری «مهرآفرین» و به منظور کمک به نیازمندان تحت پوشش این مؤسسه در تاریخ ۴ بهمن ماه همایشی تحت عنوان خنده و شادی در جزیره زیبای کیش برگزار شد که استقبال چشم گیر ساکنان و مهمانان تیکوکار این جزیره را به نسبال داشتند این جایی که همه منابعیهای سالن چهارصد نفره پر شد و شماری ناچار شدند ایستاده بر زمینه را دلیل کنند در این همایش که برگزاری آن از آغاز تا پایان، مزدیگ به حواس است طول کشید مجید پزشکی استاد اسراری یوگا خنده و ضربه هشکنده چهانی خنده، پس از این سخنرانی کوتاهی درباره فواید خنده و نیاز به افزون گروههای گیتاگن مردم به خنیدن در این دوره پر لسترس و لتش به اجرای نکنیکهای مختلف یوگا کی خنده پرداخت پیش از اجرای نکنیکهای وقتی یوگا کی خنده پرداخت پیش از اجرای نکنیکهای جسمانی و روحانی خود بپردازید تا انتی خنده را در در در گرگون

بدانید کسی را که خدا به مال سرگرم کرد به او اهانت کرده تا دیگر به سراغ معارف نناید. (امام علی^ع)



برگزاری جشن گلریزان و تجلیل از یاوران تجلی مجدد مهر جاودان در بهاران

در آستانه ورود به بهار، یاوران مهرآفرین به بهانه پخشندگی بهار دور هم جمع شدند تا بازدیگر حمامهای از منقی پسپرینتند حمامه محبت با گلریزان کردن شکوفه‌های عشق تا بر قاصله‌ها بل بزنند. اکنون موچ مهرآفرین و مهرآفرینان همه‌ی ایران را فرا گرفته و رایحه خوش آن طین‌الد از شده است.

برگزاری جشن بزرگ بهاران یادآور ایثار و قداکاری ملت‌تعالی است که هنوز در دنیا مذکون و منحثی صریح‌حضر، دیگران را باشان مهم بوده و خواهان کمک رسالی به مستوطنهایان هستند. جشن بزرگ بهاران در بیست و سوم اسفند ماه سال ۱۳۹۸ با حضور بیش از ۴۰۰ نفر از یاوران مهرآفرین برگزار شد تا بازدیگر شاهد حمامهای از مهر و مهرآفرینی باشیم.

مهر در سر زمین بزر مهر آرایی
طلیسا غفاری، مدیر فنی موسسه خیریه مهرآفرین در جمع مهرآفرینان از مهر گفت و مهروزی او «مهر» را «ازمای خاص سر زمین آرایی و منحصر به ایرانیان» دانست او در این مراسم به گوشه‌ای از قعالیت‌های جدید موسسه مهرآفرین اشاره کرد.

بهار یعنی پخشندگی، هدیه، آرامش و رایحه خوش طبیعت که زمین با سخاوت هر چه تماثر این چهار عنصر را به ساکنانش می‌بخشد. چد خوب است سخاوت و پخشندگی را از زمین و طبیعت یاد بگیریم. بی‌پخشیم بس هیچ هنی... ۱۴



دوست داشتن انسان‌ها به معنای دوست داشتن خود به‌هند ازه‌ی دیگری است. (اسکات پک)

جشن بزرگ بهاران

تجلیل از یاوران مهرآفرین

۲۳ آسفند ۸۸

ویژگیهای انسان
عقل در کلام
امام رضا(ع)

هزار نیم خیر باشد

هدیگران نیمی او غرمان

پلک

خیر اندک هدیگران را بسیار

شماره

خیر بسیار خود را الدک

شماره

هر کس حاجتی خواهند

دانستگ شود

حقوق مردم خدای خواهانی

محبوبیت

گفتمی را لز خوشبختی و

شہرت خواهان تر باشد

خواهی مر راه خداش نیز

عزت با مشتخت محبوب تر

پلک

هر طول عمر خود، بتوانش

طلیخ خته شود

هتخض مسلمان، کس را

لذکره، جو ایکه بگوید او نیز

من بخود پرستیگارتر است

این مراسم در نظر گرفته شده بود اجرای قطعاتی با گیتار به صورت
بنده نوازی بود که توسط مهدی امین لاری اجرا شد امین لاری به
حضور پیشنهاد کرد سه واژه را بگویند تا وی با آنها آهنگی بسازد
و بخواند: مهرآفرین، عشق و امید سه واژه زیبائی بودند که همگان
آن را پیشنهاد کردند.

هنوز پرچم سه رنگ با سقیدش امید من کرم عشق را
جلویانه در دلم من کارم، آری من شود با مهرآفرین دستها را گرفت «
آری من شود».

و اما گلزاران مهر

فاطمه دانشور، مدیر عامل موسسه نیکوکاری مهرآفرین پنجه
حضرت نیز باحضورش در جشن بهاران بار دیگر به گوشه‌ای از مشکلات
بزرگ جامعه پرداخت و از مشاهداتش در همزمانگان گفت: او از همه
مهرآفرینان حواس است که هستگام و همراه با مهرآفرین امیدی داشتند بر
چشمان ۷۰ کودکی که در انتظار مهران و سخاوت و مهربانی در
برنامه گلزاران بار دیگر حضور عشق را در قلب مهرآفرینان دیدند.
از محل فروش تابلوهای نقاشی ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان جمع
آوری شد.

برخی از این تابلوها هنر دستان لاله استکندری بازگذر نام آشنازی
سینما و تلویزیون و یکی از یاوران مهرآفرین بود. با جمع اوری
مبلغ ۷ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان در مراسم گلزاران بار دیگر بوسه
من زیم بر دستان سعادت مهرآفرینان که متین هم جاوداند براز
کودکان چشم التظاهر و نیازمند.

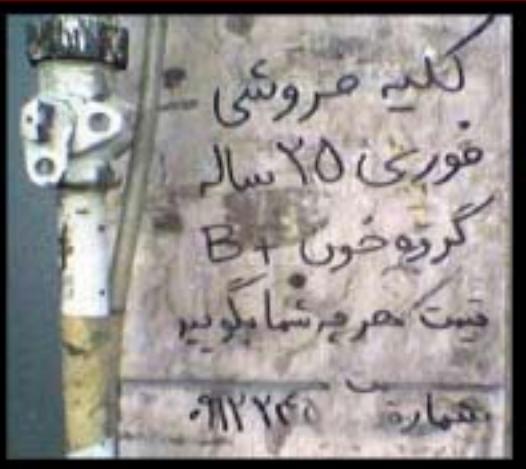
دانشور اخهای داشت: بیایند یاور ساز باشیم همانطور که خدا
یاور ماست حال به درخواست او پاسخ داده و ما نیز یاور بندگان
لو باشیم. یاور بودن یعنی قرشته بودن برای کودکانی که هر شب
از خدا می‌خواهند که فرشتایی برای آنها از انسانها بیاورد بباید
فرشته زمینی باشیم با کوله باری از همراه، محبت و امید.

غفاری با ذکر نتایج بخش بیوهش‌های موسسه که تحقیقات
گسترده‌ای بصورت میدانی درخصوص کودکان کار انجام داده بودند
به این حقیقت تلحیخ اشاره کرد که اکثر این کودکان به حق و حقوق
خود آشنا نیستند و نمی‌دانند به چه کاری مشغولند

وی در ادامه افزود: ما برای ۴ میلیون نوجوان بازمانده از تحصیل
شرایط دسترسی به تحصیل را همیا می‌کنیم که بدین ترتیب و بطور
حتم با درس خواندن آنان رویای ایران آباد تحقق خواهد یافت. وی
با اشاره به اینکه این کار به همین سادگی نیست اما همت شما ها را
 قادر به این کار می‌کند گفت: در سایت مهر آفرین کلیه هزینه‌ها و
مسیرهای امدا مشخص شده و محدود را موظف می‌کنیم شما را در
حریان مسیری که هزینه می‌کنید قرار دهیم.

حضور گر ما یعنی هنرمندان در گلزاران بار

در جشن بهاران که در سالی حجاب برگزار گردید، هنرمندان
عرصه‌های مختلف و مهرآفرینان عزیزش در صحنه با حضور خود
ترهایی خاص به مراسم پرداختند. هنری آزاد، داریوش بایانیان تهمه
کنندگان گلزارن سینما و تلویزیون، استاد سارنگ، بازیگر محبوب سینما
بیتا بادران از جمله کسانی بودند که در جشن گلزاران حضور داشتند.
همچنین هنرمندان توانایی کشورمان از خنده پور به اجرای
نمایش سایه با دست پرداخت که بسیار هوره توجه مهرآفرینان
قرار گرفت. نیز بوسقت کرمی با اجرای تقلید صدا فضای شاد به
مراسم پرداختند. در ادامه مراسم مهندس بهنام رحیمی به اجرای
موسیقی در فواصل برنامه پرداخت. یکی دیگر از بختهایی که برای



آنهايي که غير از خدا پناهی ندارند

تجویی کار کرده بود پوست دستاش ترک خورد. درآمد تاچیجی هر که بست می آورد خروج روزمرگی خوش می شمیرای کار و بول به این خاک سفر کرده بود ولی تنی داشت این سرزین، خود گرسنه ها دارد تمام سرمایه اش بنش بودند خواست خانواده اش را درمانده و تراویح بیبیند خسته شده بود تسمیم داشت به سرزین بشیرگ مدبولی چنانه دست خالی و بدون اندونخه ای برگردید؟ داشت براي همسر و بجه و خانواده اش تک شده بود بنتیل پولی من گشت تا سرینه به وردگاهش راهپار شود.

فکری به نفع خطر کرد تلاعنی به اندامش انداخت به خود گفت کدمش بفروش که قردا به مشکل نخورم؟ ستم؟ یا؟ چشم؟ کلیم؟ آرکلیما برای فروش کلیه اش چلوی بیمارستان ها پرسه می زد.

هزار شریف سی ساله دو سال است خانواده هشت نظره اش را که در دخمه ای زندگی می کند ندیده است خایله کمک کن.

۲. این سه شخص که در مکان های مختلف در این کره خاکی زندگی می کنند در محل کلر یکدیگر جمع شده اند تا مشکلی را حل کنند

مهر آفرين یاکی کاری شد که دختری کلیه دار شود و انسان هریچ کلیه و پهوند و بیمارستان را بدد و مردی باستان پر به آغوش خانواده اش برگردید

در نیاز اول، کدام یک از این افراد در حالی که کیلومترها را مصدیگر فاصله داشتهند، فکر می کردند که

مشکلشان این گونه مرتفع شود؟

شاید من هم هر یک تراپین اتخال را در خیابان من دیدم، آنها را به من شاخوی و من همیز منهم می کنم ولی خانواده به من آموخت که راجب مخلوقاتش

فکرات نکنم

مزگان دیگر آسوده گلشی می کند

کلیوی و فشار خون بفتحه ای دوست هزار تومن هر یقه

دیالیزه بدهم پر می گویند خدا را شکر.

۲. بید غلامریت های مایوس کننده ای که می رقتم و تعنی داشتم بلایه چه جوانی بدهم دین مخلوقی اول اشرف مخلوقات بسیار بیدوارم کردم در می سی و پنج ساله بر کتاب کل و اولار معاش به وظیفه اصلی آنمی که خداوند در قدرتی قرار داده، می پر طرف

کمک حال بیماران بیمارستان بود در میوری که

وظیفه و مسلوبیتی نداشتند میان این بیماران مخفی

مهدجه ساله را همراه پسرش می بیند که دیگر هر چه

دیگر را تیرچه پوشیده می آورد ولی مشکلات به

همین چا ختم نمی شود پژوهشگان تشخیص می دهند

که دختر تیار به پیوست کلیه دارد دختر براي این

سرزین نبود و قانون هم اجازه نمی داد فردی تراپین

خاک به او کلیه اعصاب کنکبلرین باشد فردی از سرزین

خوبی پیدا می کرند

همه این مشکلات تهدی انسانی مرد می و پنج ساله

را بیشتر می کرد

سید خدان، کعبای تعباویو سلفی که همراه

خداوند است

۲. لپس های کهنه به تن دارد کفش هایش تا به

حال رنگ واکس را به خود ندیده به قبری با سیمان و

۱. نقطه ای در این شهر پیرگاه خانه هایی کوتاه و

بلند در کثار هم، کوچه ای را شکل داده اند که مردمی

هرسان چشم ای رنگ خانه ای بینین می آید، داخل

کوچه را نظره می کند سمت خانه ای می روید که

چلوش مائیشی ایستاده است، صنایع را چند بر

محکم به در خانه می گویند، خیری از کسی نیست، بیواره

با انسان بیشتری هر را می گویند، هشت در نمره ای

می آید؟ کیه؟ ادختنم حالت بیم خود معلم و می رسوی

بیمارستان؟

نموده با انصبایت جواب می دهد بیو باید اگمشو در یه

بدبخت دیگر و چن

با جواب منفی مرد همراه بدهد که مائین دیگری را

در کوچه نمی بیند، رههار خیابانی می شود که سکوتش

لزمه ای دو چندان بر دل پدر فرو می کند پدر سر و

گردنی را می چرخاند به امید ائمه مائیشی را از حال

حرکت بیهی تدقیقی می گذرد، نور جوان های مائیشی

را می بیند، دیگر وسط خیابان است صنایع را

طوفی تکان می دهد که اگر پرنده ای بود حتما پروازی

کرد و لذتند و مائین می اعتماد باشند

دیگر اشک در چشم اش حقه رود، گذشت پدر باش

آمده بود که چهره ای مانند چهره مردمان این سرزین

نیستند احترامی هایی توجهی های مشکلات، تک ای

لیها از طوی چشم ای شدند

سیان بوقی روزه ای میدی در دل پدر روش کرد

مائین چلوی پای پدر ایستاده بود، رانده پهاده می شود

و با تندی مگویند: آنکه می خواهی خود کشی کنی برو

به چا دیگه مردمو بدیخت تکن پدر سرش را به آرامی

نمود رانده چرخند و گفت دخترم بیدار نمی شد، ما

و برسون بیمارستان، رانده با دین اشک های پدر

دانش به رحم آمد و آن دورا به بیمارستان بود

بعد از چند روزه ای پریش دخترش می شود

که دخترش باید فتحه ای به نفع نفره، مزگان با مشکل





لبخندی سپر غصه ها

که در این چهره براقوخته لبخندش را سپر قرار می دهد تا کسی آن هاله تم را بینند لو با سیلی صورتش را سرخ نگه داشته از پرسش می گوید که چطور برای اینکه بتواند مقداری بول تهیه کند بالاخره خردمند در کنار خیابان می فروخته که ناگفتهن چند ابیان حمله ور شده و بالهایش را بردند و لو با چهارمای بهم ریخته و دستتان تلول شده به خاله باز گشته پسر بیچه ۱ - ساله که امروز باید فعالیت کودکانه و بازیهای بچه گله داشته باشد می بود که جان پدر را برای خالوانده بر کنند.

اما به مشکلی بر می خورد اتفاقاً اینها کمک نمی کنند بلکه آن چیزی را که بایش بول داده از دست می دهد. مادر را چشمایی گیریان از زندگی خود المعرفت می کنند که بایت همین البالی به مادر شوهر کرايه می دهیم ۴۰ - نومن که کمیته اسلام می دهد هزار تومنش را به مادر شوهرم میدهم باز با همین حال منعنون مادر شوهراست که به او جا داده در منزلش زندگی کنند و خترک نگاهش را از صورت مادر بر نمی دارد و با نگاه کودکانه اش می خواهد بگوید مادر گریه نکن که اشکات برای من سیلی از دریا می باشد که احساس می کنم ترق خواهم شد اشکات این من رامی لرزند لو بخند هر چند هم دالم خندمهایا یت مخصوصی است اما شیرینترین میوهای است بر دهستانم لو بخند زیرا که خندمه لو همه چیز به من مهد.

وجود لو یعنی پدر، خنده لو می تواند احساس ما را به سوی پدر ببرد و بست میله های زنان دری طلاقی بسازد و قتی لحظه لحظه مرا برایش تعریف می کنی اگر چه نمی تواند به وقوع مراناوش کند یا باید و بیوس کند اما در خیال خود مرا حس می کند و از این خاطر پیش می کند مادر لو بخند ناندیه را بیرون بخند خوب می دانی که برادرم عیارت مردانگی دارد او دوست ندارد دیگران را نترجم به ما بتگردد او می خواهد جان پدر را برایمان پر کنند لو دستهای ظرف کودکانه اش را به کلری و امی دارد که بتوان کمک برای زندگیان باشد لو سخن باز می کند و از مشکلات مالی که برایش بیش آمده مسخر می گوید که چطور همسرش طعم کرده و زندگی را به خاطر یک مامله از دست داده و اینک نز و فرزند باید چوب آکرهای مردی را بخورند که روشنان مم خبر ندارد آنون که باید پدر کنار آنها باشد و بر گرفتاریهایش برسد حال با پیشمالی و خجالت بر پشت میله های زنان قرار گرفته امروز دختر کوچکش با یک شق و طوق کودکانه اش قدم به

سوی مدرسه بر می دارد اما سایه پدر را در کنار جسم ضمیمش نمی بینند امروز می خواهد کفش تو و رو پوشی بر لب و گیفی بر دستش داشته باشد لاما با حسرت با دستش گوشش چادر مادر را گرفته و در پاهایش دنبایی و بر لش لباسی که چند

چایش هم وصله شده و تکاهی پر از حسرت و آرزوی اندیشهای مادر قدم بر می دارد و به سوی مدرسه می برود مادر رامی بینیم که آنرا عم در چهارهای نقش بسته اما آنقدر نزن آبروی ای است

لند ک بولی که فروخته بود رایه مادر میدهد و در گوشه الیق زلولش را بغل گرفته و بر گوشاهی از زمین خیره می ماند زیرا که همه آنچه را که در ذهنش ساخته بود ابدیل به رویا شد و از خستگی به همانگونه که نشسته بود بر زمین افتاد و می خوابد دخترک با تگاه زیبا و قشنگی که مظلومیت مادر می نگردد که چگونه دست باری به سوی دیگران دراز گرده مادر را می بیند که با چشم ایش بر از گریه و لیلی لرزان مدام برای آزادی پدر التسلیم می کند دستلن لزان رایه هم می سلیاند و مرتب می گوید کاری کید شوهرم آزاد شود و بعده از خیرین یک چای بر می خیریم. خالم مدد کار کاری که این موسسه می تواند بگند را به او قول می دهد و با پرسشان و بهم ریختگی با او خناهاظنی گردد و بیرون می آیم تا اگر

بنویسم کاری برایشان لجام دهیم

در این کوه خاکی چیزی به نام محبت پیدا شد جانی را انتخاب کرد تا لو را پدیدرا باشد جانی که در آن شله عشق باشد، جانی که احسان داشته باشد و حس کند، جانی که اگر سوخت خم به ابرو نیلوورد دل نهایا جانی بود که می شد راه پیدا کرداری محبت در دل نهایان شد خداوند آنقدر محبت و مهربانی را در آن شکوفا کرد اینک در این کوه خاکی زنی با دو فرزند به انتظار محبت شما دلهای مهریان است آنها مدلهاست که در نهایی و تقریب سر می کنند شیرین توین اقصه اینها لبخند مادر و لغخ لغیش لشکشان است آنقدر که اگر از کمحبته هم باشد کافی است. امروز در این خاله را میزیم مادر با رویی گشاده به سویمان می آید و مارا با آتش باز می پذیرد گویی که به دنبال گم شده اند و اینک اورا یاد کرده آنقدر خوشحال است که نمی تاند چه کند با لو به منزل محققو و فقیرالله اش میرویم جانی نیست جز یک البالی کوچک که آنهم بالای آشیز خاله مادر شوهر یک دریچه کوچکی باز شده و نردهان آهنه را روی دیوار نگه داده اورا این البالی کوچک با دو فرزنش زندگی می کند و به قول خودش راضی نیست به رضای خلد پای صحبت او می نشینیم زنی مهریان و دوست داشتنی چهارمای خندان ولی درونش پر از عصمه ای به سخن باز می کند و از مشکلات مالی که برایش بیش آمده مسخر می گوید که چطور همسرش طعم کرده و زندگی را به خاطر یک مامله از دست داده و اینک نز و فرزند باید چوب آکرهای مردی را بخورند که روشنان مم خبر ندارد آنون که باید پدر کنار آنها باشد و بر گرفتاریهایش برسد حال با پیشمالی و خجالت بر پشت میله های زنان قرار گرفته امروز دختر کوچکش با یک شق و طوق کودکانه اش قدم به

لعنی بینند امروز می خواهد کفش تو و رو پوشی بر لب و گیفی

بر دستش داشته باشد لاما با حسرت با دستش گوشش چادر

مادر را گرفته و در پاهایش دنبایی و بر لش لباسی که چند

چایش هم وصله شده و تکاهی پر از حسرت و آرزوی اندیشهای

مادر قدم بر می دارد و به سوی مدرسه می برود مادر رامی بینیم

که آنرا عم در چهارهای نقش بسته اما آنقدر نزن آبروی ای است





مصاحبه با مهرجویان بهبود یافته مهرآفرین

پله پله تا مقالات سلامتی

خاتم الف قبل از آشنایی با مهرآفرین چه مشکلاتی داشتید؟
به دلیل اختیار همسرم به ایجاد مواد مخدر (ازیاک، حشیش، قرص) در سال ۱۳۷۶ از وی جدا شدم پس از جدایی به همراه پسرم شرایط سیار سختی را پشت سر گذاردیدم، به دلیل آن که سرینهای نداشتم در منزل یکی از دوستام سکنی گزیدم که ایشان هم به دلیل نداشت فرزند دختر در خلاص پذیرفتن مهدی اجتناب نمودند و پسرم ساکن خانه‌های دوست و همسایه شد در واقع پسرم آواره شد.

خواک و پوشک خیلی بدی داشتم به حدی که علتی اکثر روزهای ما چای شیرین و لان خالی بود نسلی این اتفاقات از ای روحی و روانی خالی رابر مهدی وارد کرد مهدی به شدت لذت‌خواه و عصی شده بود به حدی که دیگر به حرفاها نصیحتی نمی‌داد شرایط فعلی شما چگونه است؟

خدالوند کمی که مرا به مهرآفرین معرفی کرد را خیر بدهد، هیچ کس از دوست و آشنا به کنم نیامد بروش برایم سخت بود جانی یا کسی پاشد که بدون هیچ نسبتی یامن تمام مشکل‌گار راحل کند

از آوارگی بحث پیدا کردیم، خالهای برایم دست و پا کرند از ای در ربات نمود و دیگر از چای شیرین و لان خبری نبود از ارش لسبی بازگشت شامهای هنوز عصی و پرخاشگر بود وی نتابی به حضور در مهرآفرین نداشت اما با پیگیری‌های مهرآفرین در جلسات مشاوره شرکت نمود و در حال حاضر بپهد کلی باقی است

در حال حاضر او باشجوی لرم ۲ مهندسی ماشین آلات کشاورزی است و آن‌و دارد روزی خودش از یاران مهرآفرین پاشد

خاتم ثقیل اتفاقاً کمی از مهدی برایم؟

مهدی ۱۸ ساله و تحصیل بود که به این مرکز مراجعه نمود گلارالن دویان بلغ به همراه طوفان‌های ماطلقی که با فربوائی بنیان خالوهاد همزمان شده بود باعث بوجود آمدن ناسازگاری‌هایی بین او و مادرش و سردرگمی‌هایی هوتی در روی شده بود

قریباً روز که ناشی از اتفاقی سنتی بود ملاع از حضور وی در موسسه می‌شد، در لیتا به صورت لفظی با وی مشاوره شد پس از شکل گیری گزارش اولیه مهدی به درخواست خودش در جلسات مشاوره فردی حضور پیدا کرد

در این جلسات با استفاده از تکنیک‌های رفتاری و تکالیف خالگی به ای خودم برقراری ارتباط مولو و جرات آمویی آموخته شد و در کارگاه‌های آموزشی موسسه در زمینه بلوغ و اعتماد به نفس شرکت کرد و همزمان با مادر مهدی به متوجه برخورد صحیح با فرزندش مشاوره می‌شد در حال حاضر وی دانشجوست و مشکلات رفتاری او کاملاً بطرف شده است وی همچنان علاوه‌نداشت در کارگاه‌های آموزشی مرکز مشاوره حضور داشته باشد

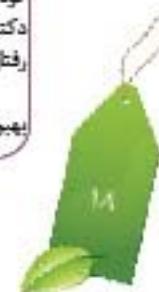


برای آشنایی هر چه بیشتر با مددجویان بهبود یافته و نحوه بهبود آنان در این شماره با ۵ مددجویی که دوره‌های درمانی خود را تحت نظر مرکز مشاوره مهرآفرین و دکتر شاهمنیری طی کرده بودند گفتگویی را ترتیب دادیم. این مددجویان هم اکنون پس از مشاوره‌های فراوان در حال طی کردن مرحله بهبود هستند.

خاتم قدش اتفاقاً شرایط دختران قبیل از مراجعت به مرکز مشاوره مهرآفرین بگویند:
ملر محدثه صحبت‌هایش را با تقدیر و شکر از خاله لفظی و باتل مهرآفرین اتفاقی نکند و می‌گویند هر دویان بزرگی محدثه، روزهای پر استرس و سختی را گذرانند، او از دو سلکی در موالی که حصی و نژادت می‌شد به شدت دستش را گاز می‌گرفت و سرش را به دیوار می‌کوبید. دیدن این صحنه‌ها برایم سخت بود و کلی جملات می‌کشید و قنی مردم دستهای زخمی و گوید محدثه را می‌دینند و علت آن را از من جویانی شدند!»
چه لوضی‌ای می‌توانستم بدهم؟ گوییم کوک کم خودزنی می‌کند؟ آخر

شرایط فعلی محدثه چگونه است؟
به لطف خدا و کم مهرآفرین در حال حاضر سدهه ۸ ساله است و در کلاس دوم ابتدایی مشغول به تحصیل است و با انسانیت‌های خاله لفظی راجع به سیر درمان محدثه میرایان بگویید?

خاتم لفظی محدثه از مراجعت به مرکز مددگاری می‌باشد
محدثه زمالی به این مرکز مراجعه کرد که اقیراً ۸ سال بالین مشکل دست به گریان بود و ملل بروز این مشکل شرایط پر استرس، مشکلات مالی و بیماری پدر خالو (اخته سکته مغزی) بود جواب ایست هوش محدثه انشاگر آن بود که محدثه از هوشی برای ای برخوردار است لفسیر لفاظی هایش نشان دهنده آن بود که بعدها هم جملات بیش از هر چیزی به بیرونی کمک می‌کند درمان در لائق بازی به همراه بازی‌های هیجانی و تمرکزی شروع شد به منظور تسهیل و خصیت درمانی کودک و جلوگیری از افت تحصیلی وی همزمان از درمان داریمی تحت نظر دکتر شاهمنیری (والپریشک)، ایز استفاده گردید و از تکنیک‌های شکل دهنی رفتار مثبت حلف سحرگ و خاموش سازی استفاده شد در حال حاضر سدهه ۸ ماه درمان، مدت ۸ ماه است که در بیرون کامل به سر می‌زند





خاتمه

روزگار پرور و سازنده،
کلک بازیگر از این‌گلی می‌از بین
سپاه و در راه تاک گیری
ابن‌شدن برای طلاق بروزین خود را گران
روز و رختن شد تا امتداد و کن شد
و من از ساسن، داد و اصل بر گیریان تک
و تنهای به طرف ملشیش می‌رکت که
از همان روزگار این را بین گردید و
سپس عالم‌گاهه از این‌گلی که پسرش به
نمود بلکه بیماری سخت شد و به
برادرت دکتر و همینه بالای پیمانه
بیست

دو پیش از تولد تا بیش از ۲۰ سالگاه تا
کنک می‌گرد و یک سپاهه را
امضا کرد و در سالی که آن را در
متت از این می‌گذراند می‌گیرد بروان
قرمز دارند ساده و زیبا نوش
لایه‌ای کنم.

یک هفته پس از این واقعه، روبرو
در پی بشکنه روسانی مشغول
سروت پهلو است که پیش از مدیران
علی‌جهانه این کنک داران به همراه
زیدک می‌شود و من گویند همه
گذشته همچنان‌که از بیرون های مسون
پارکینگ به من اطلاع ندادند که شما
در اینجا می‌باشید و از بین سالگاه با این
محضت این که این بود که در عرض
معنی پرسش کنم که آن زن یک کنک
برداشت او را تقدیر می‌کند و همچنان
مشغق به مرکز ندارد بلکه از بیرون
هو تقدیر او شما را قرب داده
است. دستور عزیز

دو پیش از این می‌گیرد مثقال‌گران این
است که این پیش از همچنان
میر باخ من دعده کند.
همانطور است

روزگار در این همه این
پیش از این که شدید

از آن جا که اختلال
شخصیت به تدریج طی
چند سال در وی مشکل
گرفته و به شخصی از
هویت فرد بیمار تبدیل
شدید بود، از جمله عواملی
که جهت درمان ایشان در
نظر گرفته شد عبارت بود
از: کاهش رنج بیمار، به
حداقل رساندن مشکلات
بین فردی، افزایش آگاهی
بیمار از رفتارش، تغییر
رفتارها و تغییر ساختار
شخصیتی بیمار.

و انتباط با مادر صحبت شد، مبنی بر
اینکه رفتارهای مشکل‌ساز جایگزین
صدی نبوده است.

(ب) مادر توجیه شد که او مسبب این
لغنجهای بیو لوزنگی نیست ولی در عوض
مسؤولیت مدیریت و کنترل آن را به مهده دارد.
ج) لکتیک‌های مدیریت رفتار آموزش داده شد
(د) با مسلم مدرسه پیرامون مشکل مینا و مصرف
ریتالین صحبت شد.

(ج) همزنان با دارو درمانی از الک بازی (بازی
درمانی) استفاده گردید

در درمان این مهر جو، همزنان با درمان رفتاری
از درمان دارویی نیز استفاده شد.
از آن جا که اختلال شخصیت به تدریج طی
چند سال در وی شکل گرفته و به بخشی از هویت
فرد بیمار ایده‌آل شده بود از جمله مولتمی که جهت
درمان ایشان در نظر گرفته شد عبارت بود از: کاهش
رنج بیمار، به حداقل رساندن مشکلات بین فردی،
ازیاض آگاهی بیمار از رفتارش، تغیر رفتارها و تغیر
ساختار شخصیتی بیمار.

از آن جا که عده مشکل این مورد در
روابط بین فردی بود در تمام مدت درمان سی
بر این‌شده که با استفاده از تکنیک‌های شناختی -
رفتاری بیمار را متوجه این مسأله کنیم که چراچه
فرد گوهای ارتباطی می‌بینی را در کودکی اش
داشته بشناسد می‌تواند در بزرگسالی نلساکارانه
خود را تغییر دهد.

با توجه به مراجعت خانم ه و پیکری‌های
مرکز مشاوره تا حدود زیادی موفق به بهبود
ایشان شدایم تا حدودی وی را به دلیل واقعی
باگزگاراندیم.

۲۸ ساله بودم پسرم شاهین هفت ساله شده
بود و مدرسه می‌رفت با وردود وی به مدرسه من نیز
کمی وارد اجتماع شدم و با قیاس خود با دیگر مادران
متوجه مشکل شدم.

قبل از آشنازی با مهرآفرین آیا اقدام به
درمان تموده بودید؟

بله، من با دو شخصیت (فائزورا و ونکورا)
زندگی می‌گردید، متوجه شده بودم مشکل دارم اما
شناسی مشکل و حل آن بسیار برایم سخت بود
شروع به خواهان کتابهای روانشناسی نمودم و به
مدت ۱۰ سال به وسیله کتاب خود درمانی را
آغاز نمودم که ایته نتیجه‌ای هم نداد پس از آن
به مراکز مشاوره مراجعه نمودم که با توجه به بالا
بین هزینه‌های درمان پیگیری بروان رها شدن از
این وضیت را رها نمودم چرا که از پس هزینه‌ها
بر نمی‌آمد اما پس از آشنازی با مهرآفرین و خاتم
تفقید بیون پرداخت هیچ گونه هزینه‌ای به نتایج
خوب رسیدم.

سرکار خاتم تلقنی چگونه موقق به درمان
خاتم مرضید؟

خاتم خ و از مشکلات دختران
یگوئید؟
می‌بینا ۸ ساله و کلاس دوم است، او از کودکی
لیکهای حسی ناشته و بیش قابل بود شوهرم
مردی ساده است که با شاگردی در سالنیون فروشی
به سختی بخشی از هزینه‌ها را للین می‌کند و اما
در توان مان درمان می‌بینا بیود گذشته از آن تا قبل
از آشنازی با مهرآفرین اصلاحی داشتم درمان دچار
اختلال است و دلما در این فکر بودم که تمام آزار
والدات‌ها بیش از روی عدد است.
در حال حاضر بیو بودی در می‌بینا حاصل شده

خاتم م و لطفاً از تجویی شکل
گیری بیماری خود را و تد آن بیگوئید؟
از ۱۲ سالگی به علت شرایط سخت
حالوایی دچار افسردگی شدید شدم و
در بین آن از دلیلی واقعی فاصله گرفت و با
ساختن یک دلیلی خیالی دچار بوهم شدم
من در دنیای خود شهری بزرگ و کلی
آدم باویگی‌های خاص و معمولی داشتم
متاسفانه به دلیل عدم آگاهی خود و خالواده
ام تا ۱۶ سال پس از شروع بیماری از مشکل
خود باخبر نبودم و این در حالی بود که من
در این مدت ازدواج کرده و صاحب فرزند
شده بودم.

از چه زمان متوجه بیماری خود
شدید؟

مهر آفرین شوید

در هر ماه مهر جویان زیادی به مهر آفرین دراجعه می‌گشته شد. برخی از این عزیزان، پس از غربالگری توسط تیم تحقیق مهر آفرین، به مهر آفرین می‌پیوندند. مهر جویان به روش‌های مختلف از جمله همین صفحه، به مهر آفرینان معرفی می‌شوند تا ایشان پذلوبنیت خودشان خواهاده را انتخاب کنند و بروش حمایت‌مالی خود قرار دهند. گزارش رسیدگی به این افراد، هر زمانی که مهر آفرین لازم بداند به ایشان ارائه می‌شود. شما عزیزان می‌توانید، خانواده مورد نظر خود را انتخاب کنید و به هر میزان مالی که استطاعت داشتید از ایشان حمایت کنید. طرح ۲۰ هزار تومانی مایه همین منظور ارائه شده است تا شماره جمندان به میزان این مبلغ و باشتر، خانواده‌ای را حمایت کنید. آنچه در ذیل می‌آید، گزارشی است از زندگی مهر جویان که توسط تیم تحقیق آن توجه داده شده و صحت دقیق آن توسط تیم تحقیق مهر آفرین تأیید شده است. خواهشمند است پس از تعیین خانواده مورد نظر یا مایه شماره تلفن‌های ۸۸۸۸۱۳۹۶ یا ۸۸۸۸۱۴۵۶ توانیم یک‌بند منظرتان هستیم.

شماره ۱۰۳

دختری ۲۵ ساله هست که در خانواده‌ای نفره زندگی می‌کنم. پدرم پس از سکته قلبی، به علت ناتوانی و سن بالا و بیسادی بیکار شد. در دوران دبیرستان جزو استعدادهای درخشان بودم، در عین حال برای گرفتن دفترچه کنکور از دوستانم پول قرض گرفتم. در دانشگاه پیام نور در رشته فناوری اطلاعات خارج از شهرستان محل اقامتم قبول شدم؛ که یکسال از آن تاریخ را یا مشکلات پسیار گذراندم. هزینه دانشگاه یک طرف و هزینه درمان فک صورتم که دو سال پیش در یک دعوای خانوادگی اسیب دید از طرف دیگر. این مساله باعث شده حرف زدن و غنا خوردن برایم ساخت شود. از شما خواهش می‌کنم، مرا مورد لطف و عنایت خود قرار دهید تا بتوانم حتی یکی از مشکلاتم را حل کنم.

شماره ۱۰۴

معلول نخاعی هستم که پانزده سال است این درد را تحمل می‌کنم. در همان زمان پدرم نیز در یک حادثه بر اثر قریب مقزی قوت کرد. به همین علت سرپرستی ندارم و مجرد هستم. در طی این مدت یک بار مورد عمل جراحی قرار گرفته ام که هنوز چهار میلیون تومانی که قرض گرفته ام را نتوانسته ام پرداخت کنم. در حال حاضر نیز با تشخیص پزشک معالجم باید عمل دیگری را انجام دهم که هزینه اش را ندارم. اگر می‌توانید لطفاً به من کمک تاییدی کاری از دستم بر نمی‌آید، حجز دعا.

شماره ۱۰۱

مادری هستم دارای سه فرزند ۱۴، ۱۳ و ۵ ساله. بر اثر حادثه‌ای از ناحیه پا دچار سوختگی شدید شدم که با تشخیص دادگاه به ۲۵ درصد معلولیت دچار شده ام. همسرم محصور می‌باشد و توانایی سرپرستی خانواده را ندارد. به دلیل عدم توانایی مالی در خانه‌ای با قرزندهای زندگی می‌کنم که از ابتدای ترین امکانات برخوردار نیست. هزینه تحصیل فرزندان و تعمیرات گاه و بیگاه منزل توانم را گرفته است. خواهشمند است دست توڑشی بر سر فرزندانم بکشید و مرای باری کنید.

شماره ۱۰۶

قرزنده اول خانواده‌ای هفت نفره هستم. ده سال پیش از شوهرم جدا شدم و تقریباً از همان زمان صیغه مردی که سی سال از خودم بزرگتر بود شدم؛ به امید اینکه از پس مخارج خودم و خانواده ام برآیم، ولی هیچ حمایتی نداشتم و به خانه پدرم بازگشتم، پدری ۶۵ ساله دارم که ۴ سال از ترک اتفاقی داشش می‌گذرد و بیوی تھم که دارد گاهی اوقات برای مردم کار می‌کند. برادر ۲۵ ساله ام که ناشتوانست با دختری ناشتناخت ازدواج کرد. هم‌هیشه نگران اجراء خانه هستم، کلم می‌خواهد ازدواج کنم ولی مستلزمات خانواده این اجازه را به من نمی‌دهد با خیاطی که می‌کنم تمنی توائم کمک دارم و امیدوارم شما فرشته نجات خانواده ام از این بی‌پناهی باشید.

شماره ۱۰۵

زی ۳۶ ساله هستم دارای دو فرزند ۱۶ و ۱۰ ساله و شوهری معتمد که حدود دو سال است که هیچ خبری از او ندارم. در حالی که هیچ سر پناهی تدارم همراه دخترم نزد پدرم و خواهر شوهرم زندگی می‌کنم و پسرم نیز به دلیل نبود پشتونه مالی ترک تحصیل کرده، در خانه برادر شوهرم زندگی می‌کند. که خود برادر شوهرم مشکلات بسیاری دارد در شرایطی هستم که خودم نیز باید عمل جراحی انجام دهم که آن هم مستلزم توانده که هزینه اش کنم. تمنا دارم، کمک کنید تا هم فرزندم را متعالجه کنم و هم بتوانند تحصیلشان را آمده دهند.

شماره ۱۰۴

مادری هستم که روزگاری سه قرزنده داشتم، همسرم چندین سال است که مارارها کرده شش سال پیش یکی از فرزنداتم طعمه محمد بیچه شد و به قتل رسید. دیگر فرزندم نیز دچار بیماری دیابت و مستلزم این است که انسولین بزنده و تحت مداوا قرار گیرد، ولی دیگر پولی برایم توانده که هزینه اش کنم. تمنا دارم، کمک کنید تا هم فرزندم را متعالجه کنم و هم بتوانند تحصیلشان را آمده دهند.

شماره ۱۰۷

دختری ۱۷ ساله هستم، همراه ۶ خواهر و دو برادر، بدر و مادر، پدر بزرگم و مادر بزرگم در خانه‌ای از روستاهای جنوب کشور زندگی می‌کنم. پدرم کار ثابتی ندارد و مادرم خانه دار است. در روستا چون مرتب دچار خشکسالی می‌شوم همچو معنی درآمدی ندارم، در مدرسه روستایی ما فقط تا پنجم ابتدایی درس می‌دهند که با اصرار من و سه خواهرم و مواقف آموزش و پرورش اول راهنمایی را در سه ماه تدریس کردند ولی برای دوم راهنمایی ماهیانه بیست هزار تومان شهریه می‌خواهند. برای ما که پول لباس هم نداریم مبلغ زیادی است، از رویه این است که با برای شما روزی بتوانم همراه ۳ خواهرم به داشتگاه بروم

شماره ۱۰۸

مادرم پسری ۱۸ ساله دارم، پسر از شش ماهگی به بیماری روده بزرگ مبتلاشد که بس از جراحیهای بسیار نه تنها بیماری پهلوی تیاقت، بلکه به مثانه و کلیه‌ها نیز بیزگش است. هم اکنون نیز سر روده اسیب رسیده است. هم اکنون نیز سر روده بزرگش بیرون است و با کیسه‌ای روی شکم زندگی می‌کند. همسر نیز دچار بیماری بروی است که هزینه‌های درمان این دو زندگی را برایم طلاق فرساکرده است. بالطف و مهربانی خود، همت و عان خود را باری کنید

شماره ۱۰۹

دختری ۲۸ ساله هستم. در خانواده‌ای هشت تنه که پدرم از یک دست و پا معلول است زندگی می‌کنم. مادرم نیز کم بیناست و پدرم قوت کرده است. لته و دندانهایم در حال خراب شدن است. حتی پول و بزم دکتر را ندارم. امیدوارم یا کمک شما و در کنار این همه فرم و اند و ملبخند تلخ خانواده ام تبدیل به لبخندی واقعی شود.

شماره ۱۱۲

زنی تنها و بی پار و پاور هستم. چند وقتی است بی کار شده ام و کرایه خانه ام را نداده ام. صاحب خانه نیز شکایت کرده و دادگاه نیز به من سه هفته قرصلت داده تا اجراء‌های عقب افتاده را بپردازم. در کنار این مشکل پرادر مریضی دارم که توانایی کار ندارد و من هم توان پرداخت هزینه دکتر را ندارم. از شما تقاضا می‌کنم به من کار و پولی به عنوان قرض الحسن پدهید تا بتوانم خانمای اجراء کنم.

شماره ۱۱۱

مادری هستم با ۲ دختر و ۱ پسر. شش سال پیش همسرم قوت کرد و ما را در خانه‌ای ۶۰ متری با هیچ‌گونه درآمدی تنها گذاشت به همین دلیل برای گرفتن دنیزگی وسائل خانه را هم فروش تا بتوانم شکم خود و بجهه‌ایم را سیر کنم. همچو ارگان یا تهادی هم را تحت حمایت خود قرار نمی‌دهد کمک کنید تا بتوانم برای فرزندالم ایندمای روش بسازم.

شماره ۱۱۵

دانشجوی ترم ۵ روانشناسی هستم. فقط واحد تا کنون گذرانده ام. شهریه ترم قبل را که قرض کردم و هنوز پس نداده ام و پدرم برای شهریه ترم جدید پولی نیز قرض گرفته است. گفتم پدرم.

پدری ۵۹ ساله که کارگر ساده‌ای بیش نیست و چندی پیش عمل روده بزرگ انجام داده و دیگر دستهای پستانه بسته اش توان کار ندارد و مادرم تنها تکیه گاهم هم اکنون دچار سرطان سینه است که بعد از عمل جراحی اول شیمی درمانی می‌کند و باید عمل دیگری نیز انجام دهد و در این میان دو بار سکته مغزی کرده که نمی‌دانم این دردها را چگونه تحمل می‌کند پرادرم نیز شاگرد اول مقطع دبیرستان است از شاخوهای می‌کنم که به من و پدر و مادرم کمک کنید تا مثل بقیه در کنار هم سلامت زندگی کنیم.

شماره ۱۱۶

در خانه‌ای اجراء‌ای زندگی می‌کنم. شوهرم بیماری هپاتیت دارد در روستای محل اقامتمن هیچ شغل و کاری نیست که بتوانم شکم خودم و دو فرزند بی پناهم را سیر کنم. با هزار جور بدیختی زمینی را تهیه کرده ام که فقط توانسته ام اجرکاری آن را به پایان برسانم. خواهشمندم به من کمک کنید تا خانه را تکمیل کنم تا سریناهی پاشد برای دو قرند و شوهر بیمارم

شماره ۱۱۰

قاره تحصیل دانشگاه سراسری لوسان هستم. که برای کارشناسی ارشد می‌خواهم درس بخوانم و کاری پیدا کنم که به علت وضع اقتصادی نامناسب حتی توان خرید کتابهای ازمون را ندارم. البته در جین تحصیل از همان ابتدا هم کتابها را قرق و یا از کتابخانه می‌گرفتم. من با خانواده ۹ نفره ام در جایی زندگی می‌کنم که ایندیابی ترین مسائل بپداشتی در آن خبری نیست. تنها امیدم این است که با کمک شما بتوانم به تحصیل ادامه دهم و هم خانواده ام را از این فلکت نجات دهم.

شماره ۱۱۳

دختری ۳۲ ساله هستم که حدود یکسالی است که عقد کرده ام در خانواده‌ای به همراه ۵ خواهر و دو برادر و پدر بیرونی که در بستر بیماری است. زندگی می‌کنم. خواهیم برازیل همین علت توان خرید جهزیه را ندارم. و هر روز تاریخ تبروی را به بهانه‌ای عقب می‌اندازم. به من کمک کنید تا عروسی کنم و نگذارم پرادر و خواههایم ترک تحصیل کنند.

شماره ۱۱۶

زنی ۳۳ ساله هستم، یا یک دختر چهارده ساله و پسری ۵ ساله. همسرم ۹ ماه پیش در اثر سکته قلبی درگذشت و من و بچه‌ها به را در این روزگار تنها گذاشت. شوهرم بیمه نبود بنابراین با تمام تلاشی که کردم نتوانستم مقری را دریافت کنم. در حال حاضر نه درآمدی دارم و نه خانه‌ای. حتی بعضی شیها محتاج لقمه نانی هستند. شما را به خدا کمک کنید تا این بدیختی تجات پیدا کنم.

شماره ۱۱۷

کوچکترین عضو خانواده‌ای هستم که مشکلات امن ۹ سال پیش زمانی که پدرم فوت کرد آغاز شد مادرم در همان روزتایی که پدرم دفن شده است، در زمانی که در خانه پدرش بوده در تنور دافی می‌افتد و صورت و دستانش می‌سوزد که بعد از عمل جراحی کمی بهبود می‌پابد. ولی باز یکی از چشمهاش بسته نمی‌شود و وضعیت دستهایش نیز بسیار وخیم است. متناسبانه به دلیل مشکلات مالی از آن پس مادرم دیگر جراحی نشد و حتی لباسشویی هم نمی‌توانیم بخریم تا لباسها را با دستانش نشود خواهر بزرگ در نوجوانی بر اثر حادثه‌ای چشمش را از دست داد و یکی دیگر از خواهرنم نیز مشکل شوابی و کم خونی شدید دارد. خودم که برای شما این نامه را نوشتم سال دوم دبیرستان هستم که به کمک خواهرم به صورت بورسیه وارد موسسه کنتور معتبری شدم که پس از دو آزمون نتوانستم حد نصاب آن موسسه را برای ادامه بورسیه بودنم بدهست بیاورم. بنابرین باید شهریه ۱۵۰ هزار تومانی می‌دادم که به هر دری زدم نشد که نشد خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم دو اتاق و ۹ متری دارد در این دو اتاق وسائل زندگی هم اضافه می‌شود حتی آشپزخانه‌ای نداریم که حداقل یک وعده غذای گرم بخوریم. تا به حال سعی کردیم با آبرو زندگی کنیم ولی نمی‌دانم اگر کمک شما نباشد باز هم می‌توانیم ادامه دهیم؟

شماره ۱۱۸

دختری ۲۲ ساله هستم که همسره ۸ خواهر و یک برادرم در خانه‌ای کوچک زندگی می‌کنم. ۵ خواهر کوچکتر از خودم ازدواج کرده‌اند. ولی من به دلیل معلولیت پا و مستولیتی که بر دوش هست ازدواج نکرده‌ام. به علت فقر مالی و بیکاری پدرم، برادرم تصمیم به ترک دانشگاه گرفته است. به دنبال سرمایه‌ای هستم برای کار، که ضمن پرداخت بدهی‌های بانکی و بازارزندگی روزمره را نیز بگرانم. منتظر الطاف شما هستم.

شماره ۱۱۹

با مردی زندگی می‌کنم که بعد از گذشت یکسال از زندگی مشترک متوجه شدم دوباره ازدواج کرده است. حال که سیزده سال از زندگی نه چندان مشترک‌کمان می‌گذرد، دو فرزند حسرت همسالان خود را می‌خورند. من فقط در قصل پاییز زمان جمع اوری گلهای زعفران می‌توانم کار کنم و دیگر منبع مالی ندارم. خرج روزانه خودم و بچه‌ها یعنی تبادل بیشتر از دویست تومان باشد زیرا بیش از این در توامان نیست. خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم در وینجرمای ندارد. با کمک شما می‌خواهم حتی ذره‌ای ناچیز از خجالت فرزندانم دریابم.

شماره ۱۲۰

مادری ۴۴ ساله هستم با ۲ دختر در خانه‌ای استیجاری زندگی می‌کنم. بول پیش یک و نیم میلیون تومان و اجاره ۱۶۰ هزار تومان است که تا به حال نتوانسته ام این مبلغ را پرداخت کنم. دختر ۱۲ ساله ام لکت زبان شدید دارد که به دلیل فقر مالی نتوانسته ام او را درمان کنم. دختر بزرگم که در حال حاضر داشتجوی داشتگاه پیام نور است به دلیل عدم پرداخت شهریه، در شرف اخراج می‌باشد خودم نیز منتهی نظافت منزل را انجام می‌دادم که به علت درد در ناحیه کتف دیگر نمی‌توانم کاری انجام دهم. همسرم به دلیل مشکلات عصبی ما را فراموش کرد است و دیگر خبری از اوندارم در بی کمکی هستم تا این زندگی سراسر فم رهابی پیدا کنم.

نگاهی به زندگی فخر الدوّله، یک بانوی نیکوکار

خواهر سید لفیسی و مخصوصه امینی (نفسی)

دختر فخر الدوّله نام برد که بر اساس قول اینی که مدیر و مدیر پاد کرده است شاهزاده خانم برای کار خود نوشته بودند به کودکان بی سر پرستی که در چهار رجوب مقررات قرار داشتند.

تاریخ از لو به متوان یک زن خلاق، اجتماعی،

صاحب یک دختر و هفت پسر شد که در تعلیم و تربیت فرزندانش نهایت کوشش را به خرج داد خدمت من کردن.

اگر چه بدخی منابع تاریخی مذکور شده‌اند سیاسی این موز و بوم ایقا کردن، یک پسرش دکتر علی امینی بود که به نخست وزیری ایران رسید و دیگری ایوالقاسم امینی که در کابینه

در میان هزاران هزار نفری که هر روز

در کلان شهر تهران از ناکسی‌ها پیاده و سوار می‌شوند شاید کسی را گمان آن نمود که بنیان گذار سیستم ناکسیرالی در پایتخت یک دن باشد زنی که به لیاقت و کارکاری در تاریخ مشهور است و او کسی نیست که جز اشرف

الملوک ملقب به فخر الدوّله دختر مظفر الدین شاه قاجار.

احشرف الملوک که در سال ۱۲۶۱ از مادری

به نام سرور السلطنه (دختر فیروز میرزا نصر الدوّله فرماقarma) متولد شد ابتدا نامزد پسر

خله خود یعنی دکتر محمد مصدق بود اما مظفر الدین شاه از «حاج میرزا علی خان امین الدوّله صدر اعظم خواست که پسرش را ولاد

دختر «شیخ محسن خان مین ملک» (مشیر الدوّله) را طلاق دهد و بالهمین دخترش الشرف الملوک (فخر الدوّله) ازدواج کرد میرزا محسن خان نیز چنین کرد همسر خود را طلاق داد و پس از برگزاری جشنی با شکوه عروسی داشت

با خانه مشترک رفند و از آن پس بین خانه

وی نجم السلطنه (بانی بیمارستان خیریه) مجده در سال ۱۳۵۰ هـ) و خالواده سرور السلطنه اختلافی عظیم ایجاد شد که هیچ گاه به مواد

لیدیل شد.

اما امین الدوّله در قبال این ازدواج که البته از سر قدرت طلبی بود در عرض از شاه تقاضا کرد

در مقابل هزار لشوقی ملک لشت نشا را که بسیار با لرزش و شامل ۴۲ ایادی بزرگ و کوچک بود به او واگذارد پس چنین بود که امین الدوّله در زمان حیات ملک لشت نشا را به وی انتقال داد

و در باره این ساله گفته شده است که اگر این اقدام رخ نی داد امکان داشت آنچه از میرزا علی خان امین الدوّله به محسن خان امین الدوّله از رث رسیده بود ازین بروز هرچند که فخر الدوّله

لوالست با پیغمه گیری از این زانه و مدیریت خود

فخر الدوّله که علاوه بر برقرار کردن سیستم ناکسیرالی در تهران احداث مسجد فخر الدوّله و چند بنا دیگر از یادگارهای اولست خیلی زود

لوالست لیاقت و کارکاری خود را بیز دهد و

اید

تها بپوشید یک گشته
شکته توسط جریان آب به
یک چیزهای موقتاً پنهان شد
او با پیغامی به هرگاه خداوند
دعا می کرد تا او را نجات
بخشد، او ساعتها به آقابوس
چشم می بخست، تا شاید
نشانی را کمک بیابد اما هیچ
چیز بچشم نمی آمد سرانجام
نالبی شد و تمیم گرفت
که کلیه ای کوچک خارج از
ساحل سفره تازه خود و مسائل
آنکش را بهتر ملاحظه نماید
نهانی پس فوتانه از جستجوی
غایا بازگشت خانه کوچکش را
در آتش یافت، دود به آسان
رفت، بود پنترین چیز ممکن
دراخ داده بود، او عصیانی و
انواعی کلینیک فریاد زد، خطا
چکونه توالتی با من چیزی
کنی؟

سبع روز بعد او با سایی یک
گشته که به چیزیه فرمود
من شایخ خوب برخاسته آن
امانه تا اور اجاجت معد مرد
برنجات معدگاش پرسید:
«چطور متوجه شدید که من
اینجا هستم؟ آنها در جواب
گفتند «عائالت مودی را که
فرستادی، بدمهم»

فرزند پسرش نسبت داده‌اند اما در کتاب لولین دکتر مصدق به پست وزارت رسید

به نوشته متون تاریخی نفوذ فخر الدوّله به حدی بود که بدون مشورت او کاری صورت نمی گرفت و همراه نقش اصلی را بر عهده داشت و حتی گفته می‌شود بسیاری از کارهای

که همسرش هم چون تأسیس کارخانه قند است

فخر الدوّله که به خلاقیت و تیغ در میان مدرسه رشدیه و تأسیس اداره پست به روش فضای مردانه آن روزگاران را مسحور خود گردید

بود که رضا خان با همه کیمیای که از خاندان نسبت داده از اشرف الملوک هم چنین با تدبیر و کارکاری، خود و خالواده‌اش را از آشناکی‌های فخر داشت درباره او گفت «فاجر یک مرد و نیم داشت مردمش فخر الدوّله بود و نیم مردم آقا

محمد خان»

اما مرگ پسرش حسن امینی، فخر الدوّله را خانه نشین کرد پس از این حادثه بیشتر وقت خود را در باغ‌هایی می‌پنداشت که از خاندان

می‌پذیرفت، فخر الدوّله که در آخرین سفر خود به عتبات عالیات سایشگاه سالماندان در اسلام

خریده بود لما بعد از مرگ پسروصیت کرد که در این بلویه و در مجازیت پسرش به خاک سپرده شود

و این ناستن زندگی زنی است از خاندان

پیر خیریه هم فروگلاری نگرد و از جمله کارهای مهمش تأسیس سایشگاه سالماندان در اسلام

میراثی اش واقع در کهیریه است که امروز چزو از کار افتادگان و سالماندان به شماری بود اواخر دیرینه فاجر و در بحیجه قنات‌سازی سردار سپه بود

قجر که در سن ۷۲ سالگی در ۱۳۴۴ ماه

در گذشت و در این بلویه در اطراف پیروزش گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

که طی این مسیر تنها بیوی و کسانی هم چون

چهاره فرمان فرمانهای فخر الدوّله فرمان فرمانهای

فرمان فرما (الحادیه)، همسر دکتر حسین علاء

قدسی عنایت دختر ظهیر الاسلام نور

لشان (پایه گذار بیمارستان مسیح

دانشوری) همدم نفسی

در گذشت و در ۱۳۴۴ ماه قرار داده شد

و به همراه عده‌ای از زنان خیر در اطراف پیروزش

گله که سدها بنگاه خیریه بالاکو کار نماید

شد از دختران و پسران نکهاری کرد هر چند

گزارشی از عملکرد واحد پژوهش و توسعه مهرآفرین فرصتی برای سعادت همه جانبه



علمی و پژوهشی در موضوعات آسیب‌های اجتماعی، فقر زیانی، توانمندی‌سازی، زنان سریرست خلوا، کارآفرینی و زمینه‌های ویسته‌اعلام نموده و از تأسیی صاحب نظران و اندیشمندان دعوت می‌نماید اینها و طرح‌های علمی تحقیقاتی خود را به این مجموعه ارسال دارند.

لیز در راستای گسترش فعالیت‌های واحد پژوهش و توسعه مهرآفرین در حوزه خدمت رسانی صومی، این واحد در حال پرورشی و اجرای فعالیت‌های گستردۀ خود در زمینه‌های علمی، آموزشی، فرهنگی و هنری در مجموعه شهریار (واقع در خیابان تجریش، میدان قدس، خیابان دریبد میدان امامزاده قاسم (ع) می‌باشد.

با وجوده به اختصاص مجموعه فرهنگی فوق به بالون، از تعلیم بالوان علاوه‌مند به شرکت و استفاده از برنامه‌های فرهنگی هنری و آموزشی آن مجموعه از برآن‌هایی است که در حوزه خدمت رسانی، اطلاعات بیشتر از زمان شروع کلاسها با شماره ۰۹-۵۷-۸۸۴-۸۷-۰۷۱ (واحد ابتدا نام مهرآفرین (الاس) حاصل فرمایند.

همچنین به عنوان «کالی لسلی» و مؤثر در جهت تحقق ارمن شهربار خارج از آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی به ویاوه برای زنان و کودکان، واحد پژوهش و توسعه از تعلیم بالوان و مهدویان دعوت می‌کند تا حمایت‌ها و مساعدت‌های مادی و معنوی خود را در زمینه انجام طرح‌های علمی و پژوهشی و از اهالی راهکارهای عملی برای رفع فقر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از آن‌هایی نمایند. پیشایش حضور شمارادر جمع حملیان دانش مؤسسه مهرآفرین (ارج می‌لهم).

شعاره حساب واحد پژوهش و توسعه مهرآفرین
جام باشک ملت ۱۳۷۲۲-۸۴۴

مؤسسه مشهی بیشتر مورد نیاز و ضرورت است «توانمندی‌سازی» آنها برای کسب مشاغل و حرفه‌های مختلف و در واقع «کارآفرینی» است به این ارتقیب و باواکاری فرصت‌های اشتغال برای مددجویان، بخش عظیمی از کمک‌ها و حمایت‌های لقى و غیرلقدی جامعه به طور علم و این مؤسسه به طور خاص، صرف برآن‌های روزمره و سیاست‌گذاری‌های کلان نوشده و از هدر رفتن ملکیت مالی و انسانی جامعه پیشگیری خواهد شد.

این یافته‌ها باعث گردید واحد پژوهش و توسعه سیاست‌های کلی ملکیت در خدمت رسانی به مددجویان را مورد بازیسی قرار داده و طراحی «برنولکل خدمت رسانی به مددجویان» را در دستور کار خود قرار دهد همچنین با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیلهای بالای علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پاره‌ای که به امر خدمت رسانی در مجموعه مهرآفرین کمک می‌کند، واحد پژوهش و توسعه طرحی را تدوین نموده که در آن قصد دارد باوران مؤسسه را در مجموعه‌های هدفمند سازانده کرده و زمینه‌ای برای بهره مندی هر چه یکشتر اقشار محروم جامعه از توانمندی‌ها و امکانات مادی و مندوی آنها مهیا شود.

همچنین در راستای روینکردن مؤسسه مهرآفرین به سمت علم محوری و حمایت و گسترش فعالیت‌های علمی و آموزشی واحد پژوهش و توسعه اقدام به برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای دانشجویان و خالقانه ها نموده است، بخشی از این دوره‌ها عبارتند از:

مهارت‌های ۱- «گله‌زنی»، مهارت‌های مطالعه و پلاگیری، اصول فرزندپروری موتور و کارگاه‌های تخصصی علمی همچون روش تحقیق SPSS، مقاله نویسی و جستجوی علمی، مبارزه با مغفول‌ستیلی به اینده‌های جدید و حمایت از دانشجویان مستعد جلسات هم اندیشی رایگان هر هفته چهارشنبه‌ها ساعت ۰۳:۰۰-۰۶:۰۰ باحضور دانشجویان و دانشگاهیان برگزار می‌گردد لیز در راستای جذب و تولید نوآوری‌های علمی در زمینه ریشه‌یابی و رفع آسیب‌های اجتماعی واحد پژوهش در نظر دارد در آینده نزدیک با راه اندازی «ستاندارد ایندیکاتورهای درخشناد و ایده‌های برتر» کالی در جهت حمایت از تخبه‌های علمی و استفاده از تجارب آنها بردازد. واحد پژوهش و توسعه آمادگی خود را جهت همکاری و انجام پژوهشی مختلف

واحد پژوهش و توسعه مهرآفرین در مهر ماه سال ۸۷ به طور رسمی و ستادی در مؤسسه نیکوکاری مهرآفرین پنهان صدر شروع به فعالیت نمود هدف از تأسیس و راهاندازی این واحد ایجاد نگرش علمی و عملیاتی به طرح‌های خدمت رسانی و نیز آموزش و فرهنگ سازی در زمینه فقر زیانی می‌باشد همچنین از اهالی کوچه‌های تدوین خدمت رسانی و مرافقی و توسعه روینکردهای جامع و یکپارچه در چه رفع محرومیت‌های اقتصادی و بهداشتی فرهنگی از اولویت‌های کاری این واحد به شمار می‌رود.

واحد پژوهش و توسعه مهرآفرین در آغاز فعالیت خود در مؤسسه مهرآفرین پیشتر بر مطالعات زمینه پایی و توصیفی پرداخته و سیم نموده است ویاگی‌های جمیعت شناختی و منحصر بر قدر مددجویان لحت پوشش مؤسسه را بازشناشد. در این راستا می‌توان به طرح‌ها و پژوهش‌های «پرونده سازی برای مددجویان لحت پوشش»، «اطلاعی نظام جامع پذیرش مددجو»، «ازایین و برسی واحدهای شهرستانی مؤسسه مهرآفرین»، «تدوین سلمانه جامع پذیرش برایان»، «نظام آموزشی خلاقیت سحور برای کودکان ۳ تا ۱۸ ساله»، «تدوین طرح توانمندی‌سازی زنان سریرست خلوا» و چند طرح دیگر اشاره کرد.

شایان ذکر است که اطلاعات بدست آمده از پژوهش‌های فوق، یافته‌های مهمی را در اختیار پژوهشگران و سیستم مدیریت مهرآفرین قرار داد و باعث گردید طرح‌های آنها با دقت نظر پیشتری طراحی و اجرا گردد برای مثال در تحقیقی پیرامون مرتب سازی دادهای مربوط به مددجویان تحت پوشش مشخص گردید که ۰-۸ درصد از مددجویان برای قرار گرفتن در شرایط کاری و فعالیت مولد اظهار تمایل کردند. از سوی دیگر بالغ بر ۶-۰ درصد مددجویان دلیل مراجمه خود را آمیخت ملائمه و مخارج مسمول زندگی اعلام کردند. با اقرار دادن این دو یافته در کنار هم، می‌توان نتیجه گرفت که آن چه برای انتلب مددجویان تحت حمایت این مؤسسه و شاید

مهرآفرین و باشکوه رفاه دست بر دست هم دهیم به مهر

اصل موضوع را
فراموش نکن
مره قوی هیکل ، مر جوب
بری استفاده شد و تصمیم
گرفت خوب کار کند .
۱۸ اول ۱۸ مرخت بود .
ریشه به او تبریک گفت و
او را به اعلان کار تشویق کرد
و در بعد با تکلیف پیشتری
کار کرد . ولی ۱۵ مرخت
بود .

۱۸ سوم بیشتر کار کرد .
ما فقط ۱۰ مرخت بود . به
نهضش آمد که تخفیف شده
است . تبریکش رفت و عذر
خواست و گفت : نمی دالم
چرا هر چه بیشتر تلاش
نم کنم ، مرخت کمتری
نم بدم . پرسیده آخرین بار کی
تبرت را تبریک کردی ؟
او گفت : برای این کار وقت
نداشت . تمام بدت مستقبل
بودند مرختان بودم .

تخاری مدیر فنی موسه مهرآفرین
نیز در این همایش ، ضمن ارائه اطلاعاتی
در ارتباط با اهداف این موسسه ، توضیحاتی را در
خصوص نحوه عضویت در این موسسه و قبول
سرپرستی یکی از کودکان که به جای پیغموند
مسیر خانه تا به زدنان ، مسیر خیابان تا به داشتگاه
را اطی کنند ، بیان نمود

از برگزارکنندگان جنین همایشی که باعث
ایجاد شور و نشاط در بین خالوادها و
بعضی از کودکان شده اند ، شکر نمود از
از حاضرین خواست تا با همدلی و یکدلی ،
قسمتی از شادیهای خود را با کسانیکه در
کوجه و خیابان می بینیم و محتاج این
شادیها و محبتها ما هستند قسمت
کنیم و همه را در شادیهای خود سهیم
بناریم .

مهرآفرین در جمع بر مهر مهر آفرینان
این مراسم فرصتی بود برای احسان و
نیکوکاری ، فرصتی برای همدلی و نوع دوستی و
فرصتی برای نکرار این بیت
بنی ادم اضعی ایکدیگرند
که در افرینش زیک گوهرند
جو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نیاشد قرار

دکتر نظری مجری برنامه ضم
سری موسسه خیریه مهرآفرین توجه
حضر را به دیدن کلیینی از موسسه
مهرآفرین جلب نمود در ادامه اولین
سفر مهرآفرین ، فاطمه متعدد آرما
به روی سن رفت و سخنان خود را
با سلام بر تماشی کودکان حاضر در
سالن به عنوان شور و نشاط زندگی
همه خالوادهای ایرانی آغاز کرد و



در میان همه کاروانیان و سوار بر امواج
دلتنگی هجران از وادی عشق ، کاروان به خم رسید
و ندایی بر قلب پیلیم ، تغیر مهدی شد میان من
و تو و چرا تی بر دست اسلام تا روشنگر راهمن شود
در میان انبیه ظلمت و ناریکی .

هرمان با ۱۲ آذرماه سالروز ولادت با
سادات حضرت امام علی النقی (ع) و در استانه
عبد بزرگ مسلمانان جهان ، عبد تکریر و ولایت ،
چشم پاکشکوهی به میزانی اداره امور شب جنوب
تهران پانک رفاه در سالن همایشها وزارت کار و
امور اجتماعی برگزار گردید .

این جشن که دومین گردهمایی خالوادگی
کارکنان اداره امور شب جنوب تهران بود برای
دومین سال پیاپی در این فرخنده و مبارک عبد
قریان ، عبد پیمان باتبیوت و ولایت ، با هدف افزایش
روحیه همدلی و یکدلی ، با حضور کارکنان آن اداره
در کنار اصحاب خالواده خود و در یک فضای شاد و

علی ده عوش بالایی نظیر است
علی ای و آدم امیر است



نخستین مراسم
اهدای نشان تیکوکاری
و آیین تکوداشت یازان مهرآفرین



هر روز یک حلقه به زنجیره مهرآفرین افزوده می شود



» داشبور: سرور آدمیان کسی است که گمری به خدمت
بسته

مدیر علی موسسه تیکوکاری مهرآفرین سخنان خود را با ذکر
نام خداوند آغاز کرد و گفت: «چه خوش است شبی در جمی یلان و
در کنار عزیزان بودن و دل از مهرو دوستی افروختن، چه خوش است
زندگی را با سپاس از نعمات الهی زیستن و با درود به خالق مهرآفرین
بر آستان صدر جلالش دل سپردن، چه خوش است با آشنا سخن
گفتن، از آشنا گفتن و بر حلقة جسمی چنین مبارکه نگین محبت
گذشت. داشبور در ادامه سخنانش گفت: «بر دیگر گرد هم آدمیم نا
اینبار پاں بداریم و تجلیل کنیم وجود گرفاقه تیکوکاران بر جسته
کشیورمان را که به خاطر خدمات گسترده بشر دوسته و شایسته
شان، چنان نایابی از مشق، ایثار و مهر به تمثلاً گذشتگان که
فرشتنگان الهی بال و پر زبان و تسبیح گویان به درگاه باری شتافتند
و خدای را مزده دادند که هنوز در گوششان از زمین هستند کسانی
که به یاد تو به خاطر تو و برای تو، بین دنای وی باشند همه آنجه را
که در تولن دارند در طبق اخلاص گذشته و مشتاقله نیازمندان را
در می رانند.

وی ادامه داد: «پیترین صیاد نزد پروردگار، خدمت به آدمیان
است با این نلک، سرور آدمیان کسی است که گمری به خدمت خلق
بسته باشد. قهرمانان مجلس امروز مامونه‌های از اسلامیان فرشته
خوبی‌اند که نیکیختی خود را در گرفتن دست نیازمندی می‌بینند
خوشایه سعادت این قهرمانان که دلستاخان مایه سرطندی و
غیری است و خوشایه حال مندمی که این دلستاخان را می‌بینند و
با دلستاخانی نظیر آن را به صحنه عالم از زندگی خود به بادکار
می‌گذارند. این است این رسم، اینی شود در مهرآفرین لایاق‌ردانی
هر ساله از تیکوکاران بر جسته، فرهنگ مهرآفرینی و مهروردی آرزوی
پلید.

پایان بعضی حرفهای داشبور چنین بود: «خالق مهرآفرین
مهرآفرین‌الاولمان بخشاد، مستمان بگیر، باریمان کن، استواران بدارن
در راه تو قدم برداریم، خدایا صاحب این مجلس مهرآفرین تویی؛ اگر
قدمی بر می‌داریم، قبول فرمایم».



نخستین مراسم اهدای
نشان تیکوکاری و آیین
تکوداشت یاوران مهرآفرین
۱۷ مهرماه ۱۳۸۸، همزمان با روز
جهانی کودک و با حضور دکتر محمد
باقر قالیباف شهردار تهران، مدیران،
سینما گران، قره‌بختگان و تیکوکاران در
تالار وحدت تهران برگزار شد.

پس از قرائت آیاتی از قرآن کریم، پخش سرود
جمهوری اسلامی و پخش تصاویری از چند مراسم
و آئین مختلف که موسسه تیکوکاری مهرآفرین آن
را برگزار کرده بود، قرزاد حسنی مجری به روی
صحنه آمد و قسمی معرفی این آئین، از واژه‌های
یاوران، و یاور خواهان به عنوان ادبیات خود
ساخته موسسه تیکوکاری مهرآفرین یاد؛ و
از قاطمه دانشور مدیر عامل مهرآفرین
دعوت کرد تا به اینداد سخنواری بپردازد.





وی در وصف بالو لشرف بهادر زاده قندهاری گفت
این بزرگوار، بلوی است که در سال ۱۳۵۲ گروه بالوان
لیکوکل رالائسیس کرد و در سال ۱۳۵۶ ریاست اسایشگاه
کهربیزک را که توسط زلده یاد دکتر حکیم زاده لالیس
شده بود بر مهدنه گرفت و آسایشگاه کهربیزک امروز
مرهون تلاشها و فناکاری‌های بی وقته ایشان است
در حالی که تصویری از آسایشگاه کهربیزک، که
در آن بالو اشرف قندهاری درباره شکل گیری این
اسایشگاه توضیح می‌داد، مخطابان حاضر در تالار وحدت
التحاری تسبیم شد تا دست بزرگواری را به پس
همه ایثارهایش بیوسم، یعنی کسی که دریافت کننده
لولین نشان لیکوکلی است با اتفاق گفت: پروردگارها
اگر بخشش و حشت را ز راهنم بگیری، چون هدایت
خلاص و خوشیدلوقیم قریب قریب خواهد کرد
گفت: از عمر من چیزی باقی نمانده است ولی خیلی
خشحالم که عموم این گونه گذشت چون از گودکی
با اتفاق ادامه داد اینجا سرزمنی است که ماسکن
آن همه پر عشق‌اند و پس از سلاطی، خاله‌ای که
دوست داشتم لیازمندی را پیدا کنم، دستش را بگیرم
او را شاد کنم، شادی من در شاد کردن دیگران بود
هرچند مسلول و سالم‌مند پرست شده از خلوه راه‌الحیا
کرده و اول افای انساییت را ز مادر آموخت و اینکه
در خلماهی پرورش داده است که در آن، برای خدمت
به خلق همیشه باز است او راهی قدم برداشت
که مقدس این روزهای زندگی اش، ارزشمندترین
می‌خواست در اختیار قرار داد
بالو لیکوکل را بیانی شیرین تصویر کرد: به نظر
 ساعتهای عرض بود
من خدازیندهش دعوت می‌کند و است که می‌خواهد
با اتفاق ادامه داد او را می‌کرمها و شبیش را ز
من خلماهی خارج می‌کرده تا سرایجام، شکنجه را
بدن مملوکان خارج می‌کردند اگر ماصدای خداوند را گوش
دهم، خواهیم شنید و این کار سختی نیست. خداوند در
این اسایشگاه را بر روی من باز کرده همراه با
تقدير از را پس جمهور وقت در سال ۱۳۷۷ دریافت
چیزی ایشان دوستی و اقدامات پسر دوستله در سال
۱۳۸۴ از سوی سازمان جهانی مؤسسات تغیر دولتی و
اهدا تی دریافت زلزله برتر در مراسم پرورشگاهی است
که در سال ۱۳۸۱ است
که وقتی که راه راه صداقت و خدایی باشد خداوند نیز

«محمدآریا در مهرآفرین ارزی مقاعده
پیدا کردندام
پس از سخنان دلشور، مجری مراسم با دعوت از
فاطمه ممتدد آرایه عنوان سقیر لیکوکاری مهرآفرین از
او با عنوان سیمین بالوی سیتمای ایران یاد کرد و دعوت
کرد تا به روی صحنه حاضر شود و به این سخنانی
پردازد. فاطمه ممتدد آرایه بالشوق پر شور و گرم
حضور به روی صحنه رفت و ببارز هیجان از حضور
صیغی و پر لشاط مردم در سالن، گفت: در برابر شما
بزرگان و عزیزان سر تعلیم فرود من آورم، باید این همه
مهرآفرینی که طی ۲ سال گذشته به مؤسسه مهرآفرین
داشته اید. وی در ادامه از تمام کسانی که با حضورشان
زنجیری از هم را بر اطراف مؤسسه مهرآفرین کشیده‌اند
نشکر کرد و از زود هر روز یک حلقة به این زنجیره
اضله می‌شود و این بزرگترین محبتی است که در طول
زندگی ام، خداوند، مردم، هنرمندان و دستهای
پرمه‌ران همه‌ره مهرآفرین بشنید.
سقیر مهرآفرین در آخرین بخش از سخنان خود
تصویر کرد: در جایی خواهد که هر وقت حالتان خوب
لبود و چنان افسرده‌گی شدید، حتی بروید و در یک
خبریه عفو نتوانید من الیته نه افسرده بودم و نه حال
خیلی بد بود، ولی از اینکه در مهرآفرین هست، لرزی
مقاعده بینا کرده‌ام که هر اتفاق ناگواری هم که براهم
می‌افتد، خوشایند است و من گویم حتماً صلاحی در
کار بوده که چنین اتفاق اتفاه است ملا اینکه من
رعن گذاشته لتواستم از ایران خارج شوم و امروز در
مهرآفرین هستم، این بزرگترین همی است که خداوند
لصیب من کرده است و من خدارا شاکرم
که تجلیل از مهرآفرینان همیشه همراه

پس سکالسکهای از فیلم «یک و چهار آسمان»
که کارگردانی علی وزیریان که دریاه کودکان کار، مزت
نقش و مخصوصیت‌شان بود و عشق و دیدن به پکنگر را
نگاهی فرشته گونه تعبیر می‌کرد، آغازگر نخستین
بعنی از اهدای نشان‌ها و نکوشاش باوران مهرآفرین بود
سپس با حضور سینه‌های مبتی (مولوی هنری
سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران)، علیرضا
تقاری (مدیر فنی مؤسسه مهرآفرین) و قاسم قلی
بر (لهیه کننده سینما از لیکوکاری چون حبیب رضا
از اجردی، فرهاد داودی و احمد حلت) مدیر مسئول
ماهنه موقیت (که همواره از مؤسسه مهرآفرین
خدمات کرده‌اند) تجلیل شد.



دکتر قالیباف: احسان و نیکوکاری انسان ساز است.



است، جواهرمردی و راد منشی ای وجود داشته، که متناسباله چندی سرتیغ باخته است و مادیگر کمتر آن نقش معروف پهلوان بزرگ را شاهد هستیم، در زمینه هنر معمولاً گرانش‌های سیلی زیاد وجود دارد و محبوسیتی که هنرمندان میان مردم دارند می‌تواند در یک نقطه متوجه به این شود که آلان را وارد عرصه سیاست کند اما در هریش به واسطه نزدیکی عاطقی میان مردم و قهرمانان و پهلوانان موقیت متناقضی وجود دارد وی با شماره به حضور امامعلی حبیبی در مجلس شورای ملی ساقی گفت: پس از قهرمانی جان پهلوان نخست: او هم همان سال قهرمان شد اما این کار را قبول نکرد

«علی پروین» یکی از قهرمانانی بود که از دل مردم از جنوب شهر برخاست لایکی از محبوسین ستاره‌های پژوهش ایران شود خوشبختانه او هم قبل از انقلاب محبوسیت خود را حفظ کرد و یادداش زیاد بود گوئی در بخش پایانی سخنان خود با ذکر خاطره‌ای از سال‌هایی که به عنوان گزارشگر فوتبال فعالیت می‌کرده است گفت در سال ۶۳-۶۴ مشغول گزارش بازی استقلال پرسپولیس بود مردم شروع به تبلیغ «علی پروین» گردند حتی دور تا دور استادیوم گلهایی بود که برای «علی پروین» پرتاب شده بود من یکحظه برای لوگران شدم، چرا که این محبوسیت حتی در زمان نخست هم وجود نداشت: اما «علی پروین» در همه ساخته‌ها و دشواری‌ها به طور نسبی خودش را حفظ کرده و تویست این محبوسیت را کامل کند سن دست می‌آورند، در همین جمله محبوسیات این مردم به خاطر آن محبوسیت نسبی و حفظ میلارهای انسانی و

مردمی به ایشان تبریک می‌گویم، دختر «علی پروین» به لمایندگی از پدرش بالای سر رفت و دمین نشان نیکوکاری (امهراً) را از دستان کوئی، گروسوی (تماینده مجلس) و رهبری بری (کارگردان سینما) دریافت کرد

افزونی که محصولات خود را در اختیار مؤسسه مهرآفرین قرار داده بودند اختصاص داشت که یکین متفقی جواد طوسی (تماینده و منتقد سینما)، داریوش بایانیان (بهبهیه کننده سینما) و مهدی همایون‌قال (خواننده) ندیمه‌ای این بخش را گذاشتند. در این بخش خالق شاعری به نمایندگی از شرکت مهرآفرین میان‌لاری به لمایندگی از شرکت تولیدی صنمی یک و یک و محمد رضا الکری و مجید قناد لندیس‌های دریافت گردند که مجید قناد در سخنرانی کوچله گفت: من هنوز کوکم و این نتدیس برای من سرگین استا

﴿علی پروین دومن تشنان تیکوکاری را گرفت

اهدای دومن نشان نیکوکاری بانمایش فیلم درباره علی پروین لسطوره فوایال ایران آغاز شد که در آن دوستان و علاقمندان وی در رتای خصوصیات اخلاقی و مهندسی وی و همچنین علاقه‌های او به دستگیری از مردم و سفره گشاده از حرفاها زندگانی چشمگیر می‌گردید. سپس چهل‌کثیر کوئی (نقش فوایال و نهیه کننده سیتما) به روی صحنه آمد و درباره علی پروین به این راد سخنواری پرداخت. وی با ذکر این مطلب که لرزش‌های انسانی و مردمی این آینین عیر قابل توضیح است، گفت: فقط با گلشت، ایار و گلر سن این همه محبت و ملاقات‌های حضوری شکل می‌گیرد و کسانی به دنبال این آینین‌ها و مردم هستند جذاب از زشهای الهی که به هستند این تهیه کننده شاخص سیتمای ایران در ادامه گفت: به دلیل احتلاط تاریخی ای که در

جامه ورزش ما تعریف شده

یار خود را می‌فرستند وی ادامه داد: این تصویری که دیدیده واقعیت آسایشگاه کهربیزک بود و اگر آن کویر بر هویت به گلستان تبدیل شد، نتیجه حضور پر تراش‌ماردم خوب و نازلین است. آبدید و مارایلور گردید، دست مارا گرفتید و راه را

نشانم دادید این آسایشگاه از هیچ به همه چیز رسید و این الفاق فقط با خدمت و ایثار به وجود آمد و نه بول اگر هم پویی بود بدار عشق بود چون هر کسی آمد اول ملش شد، ملش خدا شد و خدا را در آنجا دید و ارزید که چگونه کمک نکنم؟ و این تا به اسرع امده داشته است سخنان بالو الشرف قندھاری مخاطبان حاضر در سالان را به شفقت و اذشت و در حالی که آلان به شدت

وی را تشویق گردند، دریافت کننده نشان نیکوکاری «فرشته مهر آین» از دستان فاطمه مستمتازرا و فاطمه دلشور بود و پخش اول مراسم به پالان رسید.

﴿تجلیل از تیکوکارانی که محصول هدیه دادند

فرزاد حسنی با ذکر این مطلب که نتدیس فرشته این مراسم، نوسط گروه اینده بردلزان و برنه ریزی چیش به کارشناسی آقای مهدی محمدزاده و طرح پیمان مطلعی طراحی شده است از مهدی همایون‌قال دعوت گرد به روی صحنه حاضر شود و فاطمانی را به صورت زنده برای حضار اجراء کنند و لیزیس از حضور به روی صحنه قطمه «آی نسیم سحری» را اجراء مود بخش دوم تجلیل از نیکوکاران به مؤسسه و

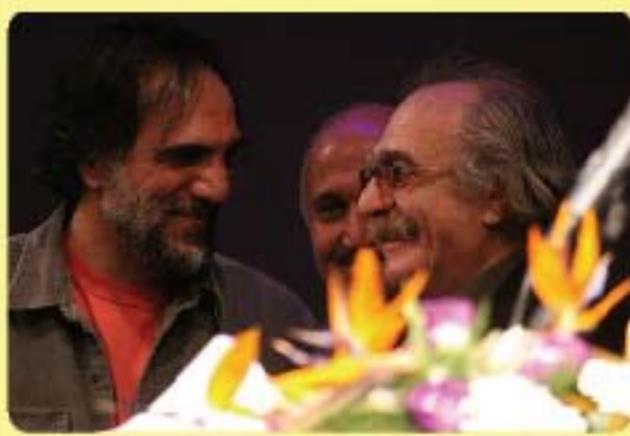
از مهمانان شاخص حاضر

در مراسم می‌توان از این افراد نام برد:

شهردار تهران (دکتر محمدباقر قالیباف) و مشاوران و مدیران ارشد شهرداری: جادی عنتی (تعاونیت فرهنگی و هنری)

: محمددهسا دی ایازی (تعاونیت اجتماعی): مجید جوزائی (مدیر عامل خانه هنرمندان ایران) و -: گروسوی (تماینده مجلس) و تعدادی از چهره‌های فرهنگی و هنری

همچون استاد عزت الله انتظامی، داود رشدیدی، فاطمه بهمند آریا، مهندس محمد علی زجلی، علی مجلمن، مجید مجیدی، مریلا زارعی، احمد رسول زاده، قربان نجفی، محمدرضا عرب، رهبر قشری، بوری بنایی، حسن فتحی، پاپک حمیدیان، داریوش بایانیان، گیتی ساختچی، همایون فآل، چهانگیر کوئی، سپاکمالی، شبنم قلی خاتی، قاسم قلی بور، لادن پروین، جواد طوسی، احمد حلت، مجید قناد و -



مجموعه‌ای از اخلاق‌های کسی است که طی -۳-

سال به چشم خودم آن را دیده ام: جامه یاوری فرهنگی جنوب خراسان را شکل داد و ما رفته رفته متوجه شدیم که ریشه ارتعاشی، پیمان هوشمند، علی فرهنگی، فاطیما نعمتی و دوستان و همراهان مهرآفرین در نشریه مسافر (از ضمایم روزنامه همشهری) که در سالن تایپ بودند نیز تشکر نمود در ادامه مراسم دکتر

اما به زودی دریافت و دریافتیم که واژه جنوب خراسان باید از این جامه یورداشته شود چرا که ایران و هر جا که محدودیت با دل شکستهای وجود دارد آنجا خانه و رسالت ما است.

پس از آن بود که جامه یاوری «یاور» پیدا کرد و افتخار داریم بگوییم که در کنار ساخت حدود ۵۰۰ مدرسه، استاد شجریان، استاد کلابی، استاد امیرخالو و استاد رسول زاده از یاوران جامه ما هستند.

پس از سخنان دکتر تواب پور، کلینی همراه با تصاویری از مرسم مجتبی کاشانی پخش شد سپس آقای احمدیان (مدیر عامل موسسه محک) و مریلا زارعی (بازیگر) به روی صحنه

دلنشین و گرم استاد احمد رسول زاده بود. مجری مراسم در ادامه از خالم اکبریان (نشریه کانون خلواده)، آقای اسماعیل تبار (نشریه خلواده سبن)، احسان علیخانی، احسان ارعائی، پیمان هوشمند، علی فرهنگی، فاطیما نعمتی و دوستان و همراهان مهرآفرین در نشریه مسافر (از ضمایم روزنامه همشهری) که در سالن تایپ بودند نیز تشکر نمود در ادامه مراسم دکتر

«مهدي تواب پور» پشت تریبون قرار گرفت نا سومین دریافت کننده نشان نیکوکاری را معرفی کرد.

وی در ابتدای سخنانش گفت: باور کنید تمام وجود من احسان است و نمی‌دانم در وصف این اقدام تحسین برانگیز چه بگویم هر چند که باید خدمت سرکار خالم مستعد آرها بگویم که شما نه دیوانه بوده‌اید و نه افسرده شما عاشق بوده‌اید مائق خدمت.

دکتر تواب پور در ادامه نیز درباره مرحوم «جنتی کاشانی» گفت: حدود سی و لندی سال پیش، جوان دانشجویی خدا جوی، وطن پرست و با ایمان؛ که این صفات تعریف نیست و

»هدای سمعین تشنان تیکوکاری
بخش سکالی شناخته شده از فیلم اعتراض (به کارگردانی مسعود کیمایی) که درباره گل ریزان برای آزادی زندانیان است: آغازگر بخش سوم و تجلیل از فرهنگیان بود.

برای اهدای تندیسهای این بخش استاد احمد رسول زاده (دوبلور) ها دی ایازی (معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران) حسن فتحی (کارگردان سینما و تلویزیون) و استاد داود رشیدی (بازیگر و رئیس انجمن بازیگران سینمای ایران) با شووق گرم و پر شور حضار برروی صحنه حاضر شدند. در این بخش از کاظم قلم چی (مدیر موسسه قلم چی) محمود ڈوالقاری (مدیر چاپخانه خجسته) سید محمد جعفر طوسی (مدیر عمل شرکت بین المللی نوین نمای سهند و از مدرسه سازان و نیکو کاران) کهنه کل (کارگردان تجلیل به عمل آمد. همچنین مهندس محمد علی بخشی (کارگردان سینما) به نیابت از علیرضا رئیسان (رئیس کانون کارگردان سینما) تندیس مهرآفرین را دریافت کرد. پایان بخش این قسمت از برنامه خواندن قریلی از حافظ با صدای



۱۹ پدر مهران: «الله حیدرها
قرمزی، علیس احمدی، احمد جلت، فرهاد
دلویت (میر علی شرکت چوب سازان)، علیرضا
صیفی (میر علی شرکت چوبی)، مجید قناد (کروز)
فیضه (شرکت دشت نشاط)، گوره توپی مهره (پیر محمد
گنجی)، گورو توپی صنعتی، بک و پک (علی)، علیرضا محمد
طها اکبری، کاظم قلم چی (میر علی شرکت چوبی)، محمود
نوفقطی (میر چایخانه شرکت)، کنون کارگردان سینما
مهدی زاده سید محمد جعفر طوسی (میر علی شرکت)
بین المللی نوین نمایش سینما (جلوی)
لور (علی رضا ریسان)، مهرداد حسینی (العا کنندۀ
ی ۴۰۰ متر و زمین خروجی در منطقه فیروز کوه
محله علی شرکت شهون نهوان خیاطون
متر زمین در منطقه شهریار (العا کنندۀ ۲۰۰۰
کنده) که متر زمین
در پیک لر پهلوان مناطق شهود تبریز
و قیمن بازگران سینما لور
(بلوک روشنی)!

امروز که ۸۵ سال از زندگی با کفايتش می‌گذرد
طبیعتاً دستاورد بزرگی دارد.
روزی به ايشان برای حضور در یك کلاس
تبليغاتي پيشنهادی اقتصادي داشتم، اما ايشان
پاسخ دادند ما که ارثی نداريم تا از خودمان به جا
يگذاريم، احتمالاً همین فيلم هاي که ياقی مانده
و هوبيتی که نزد مردم داريم، ازما باقی می‌ماند
و با اين که به اين پول احتياج دارم، بهتر است
این کار را انجام ندهم و تصویر مردم را از خود
به هم تریزم.

«علي مسام» که در فيلم «گلو خوی» نيز با
«عزت لـ انتظامی» همکاري داشته است با اشاره
به اينکه ارث باقی مانده از هنرمندان و فرهنگيان،
آثارشان مستند در يخش پياباني سخنان خود
گفت هنرمندي مثل انتظامي که در سطحي ملي
و حتى جهاني شناخته شده است: به اين درجه
رسيده که مردمی چون شما فرهیخته و اهل علم،
آن چنان او را در هر مراسمی که در حضور دارد.



تشويق می‌کنند و اين برای تمام کسائي که در
كار سينما هستند رشك برانگيز است.
اميدوار هستم استاد انتظامي عمر سراسر
هنرمندان و جلوه گري از ملي حق را سال هاي
سال آفاهه دهند و در کنار ما و مردم اين سرزمين
يگذارند.

شهردار تهران: جشمها تعکين می‌کنیم
پس از يخش صحنه هايی از اقدام هاي
ليکوكارانه استاد انتظامي در گذشته شهردار تهران
به صحنه دعوت شد تا به ايراد سخن پيرگزاري
وی با اشاره به اينکه از حضور در چنین جمسي
احسان خوبی دارد گفت: آموزه هاي مبتنی بر
السلطيت، اسلاميت، و ايرانيت اينگونه به ما ياد داد
که یتوانيم درباره کسائي که در زندگي با شکست
روزرو می‌شوند و آنهایي که در دوران زندگي مورد
لامهرباني قرار می‌گيرند، هر کجا هستيم دستشان
را يگزيريم، اينگونه ياد گرفته ايم که احسان و
ليکوكاري انسان ساز است.

چراكه احسان و ليکوكاري نمي‌لواند در سایه
فضيلت هاي مثلك محبت، گذاشت و اينار نياشد

مهرآفرين هرضا درستكاري (منتقد، فيلم‌ساز و
مدیر يخش فرهنگي مهرآفرين) به روی صحنه
آمد و در جملاتي کوبده با ابراز شفاف از حضور
هنرمندان، خبرين و ليکوكاران از دکتر قالباف،
شهردار تهران به عنوان يكى از ازگذاران
مهملان اين آفاهه دهند و از همکاران خود به
خاطر خوشحال کردن قلب و دل بجهه‌هاي کم
پضاعت تشکر کرد.

مهرآفرين هرضا درستكاري (منتقد، فيلم‌ساز و
مدیر يخش فرهنگي مهرآفرين) به روی صحنه
آمد و در جملاتي کوبده با ابراز شفاف از حضور
هنرمندان، خبرين و ليکوكاران از دکتر قالباف،
شهردار تهران به عنوان يكى از ازگذاران
مهملان اين آفاهه دهند و از همکاران خود به
خاطر خوشحال کردن قلب و دل بجهه‌هاي کم
پضاعت تشکر کرد.

پس از يخش (فرزاد حسني) « فمن
اشارة به حضور بالو «پوري بناني» (بازيگر) و خير
و ليکوكاران از کلیه همکاران موسسه مهرآفرين با
ذکر نام و مسوليت اقتدير و تشکر کرد و سپس از
مل مسلم (اهلا کنندۀ و منتقد و مدير مسئول
ماهنه سينمايي دلياي تصوير) مهرداد اکبريان
و فاطمه معمتمد آرها دعوت کرد تا با حضور بر
روي صحنه تدريس هاي و افلاقن بزرگ و کسائي
که زمعن را برای سریناه بی پنهان و درد مندان
اهدا کرده اند، اهدا کنند.

در اين يخش از مراسم همراه با تشويق گرم
حضور از مهرداد حسني (اهلا کنندۀ ۴ هزار متر
زمين در فیروز کوه) محمد على شاه مرادي (اهدا
كنندۀ ۲ هزار متر زمین در تهران) خواهران
کهنوموي (اهلا کنندۀ ۷۰۰ متر زمین در بهترین
 نقطه تبريز) و محمد رضا رجبي که در سال
حاضر نبود، تجليل و تقدير به عمل آمد
به پيشنهاد سفير ليکوكاري موسسه

مل مسلم درباره عزتـ. انتظامي «گفت: او
زنگizi اش را از طبقات پايان اجتماع آغاز کرد و





لکاتی که استاد انتظامی بیان داشتند چه اقدامات عمیق و بزرگی انجام داد ولى در همین حد بگوییم که طی ۲ سال گذشته به عنوان مثال در روزنامه‌ای نخواسته اید که بسی خالعاتی در تهران بیرون مانده وقتی گردد است.

وی که مورد تشویق حاضران قرار گرفته بود، ادامه داد شاید از دست ما برپایید که برای اشتغال این افراد و کودکان کاری کنیم ولى محل هایی با عنوان های مختلف برای ایشان ایجاد شده است ضمن این که حدود یکسال است که شهرداری طرحی با عنوان «هیه» را راهاند ازی گردد که معتقدم با پسته سازی شهرداری ولى با مدیریت انجمن های و خبریه های که مردمی اداره می شوند و همچنین حضور مولو خیرین، اجرای آن تاثیر های عمیق اجتماعی و فرهنگی خود را خواهد داشت.

مجری مراسم با اعلام اینکه بیرون از سالن علاوه بر برقراری بازار عکس و امساء گل زیارتی نیز ایجاد شده باختلافی از حضار، مراسم را پایان داد

بدین ترتیب نخستین مراسم اهدای نشان نیکوکاری و آئین تکوشا است یاواران مهرآفون با خاطرهای خوب و به ياد ماندلي به انتهای خود رسیده در حالی که مردم از در شبشهای نالار بیرون می رفتند صدای ساز دو کودک، فضای استثنای نالار وحدت را متوجه می گرد؛ سلطان

قلیم کجایی کجایی -؟

شهردار تهران می دارد که هنرمندان به خاطر قمایت های فرهنگی و هنرمندان، به ایشان ملاقه وارد دارند، از دکتر قالیباف می خواهم تا خودشان گلنگ این مدرسه را بر زمین بزنندو من هم علی رقم و ضمیت بیماری ام با کمال افتخار در این مراسم شرکت می کنم.

پس از این سخنان دکتر قالیباف دوباره پشت از پیون قرار گرفت و با این جمله که «چشم حتماً تعکین می کنیماً» ضمن اجابت خواسته استاد انتظامی، باعث شد که حاضران در نالار وحدت شهردار تهران را با گرمی خاصی شویق کنند.

دکتر قالیباف همچین در

سخنای گفت طی چهار سالی که در شهرداری انتخاب خدمت داشته ام، توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی و این نکته که شهرداری را زیک سازمان خدماتی به نهادی اجتماعی تبدیل شده استاد انتظامی نیز با بیان ایجاز شف خود از حضور در این مراسم گفتند من به اینجا آمده ام تا دو نکته را بیان کنم: نخست اینکه هنرمندان از شهرت و محبوبیت خود برای مردم ایستاده کنند و دوم اینکه نیکوکاری با نام آقای شاه مردای زمینی ۲ هزار متری در تهران به مهرآفون هدیه گردد

و بهترین و عالی ترین نکر را هم این موسسه برای آن دارد تا در آنجا مدرسه های ساخته شود برای بچه هایی که سرچهارراهها یا کل می فروشنند، اسپند دود می گذند و تغیره تا در آنجا جمع شوند تا هم تحصیل و تربیت شوند و هم سرینهایی داشته باشند.

وی در پایان گفت:

حامیان مراسم اهدای نشان نیکوکاری: شرکت سامسونگ، مجتمع فنی تهران، گروه تولیدی مهرام،

گروه صنعتی درسا هود، گروه صنعتی پارامیدا، شرکت نوین نمای سپهند، گروه ایده پردازی و برنامه ریزی چینش، شرکت چاپ فرازگ آرنا و گل سرای بهرام

اولین سفر زیارتی مشهد مقدس ویژه مهر جویان

دعوت

تعظیم پیر مسکاوه امام رضا (ع):
 گدان پشت پژوه ام مادا کر تو نی
 این فرصت کرامی کوتاه اکر تو نی
 صیاد من اضاعت دل با گناه توست
 پلکی نیز بست و لم کادا کر تو نی

(لایه: نسرین گرانی)

دیده شده بود
 از ن شب به بد هرشب میهمان یکی از گروههای بدم و پای
 صحبت هایشان می نشستم
 یکی شان می گفت چند وقت پیش لوغان خوب دیده که
 به مشهد رفته اند و او هم گفته کلی کلش من شد که واقعیت بلند
 ولی ما که بیل تذاریم نایه سفر برویم و چند وقت بعد این سفر
 چور شد
 یک شب دیگر در یکی از اتفاق ها صحبت در مورد روز نولد آقا
 امام رضا بود و ۲-۳ نفری می گفتند بالین که می داشتیم شرایط
 برائیان چور نیست لایه روز نولد آقا از ایشان خواستیم که ما را به
 مشهد طبلدوان اینجا بیم
 لایه همه این ها جالب نریک اتفاق دیگر بود سعیه یکی از
 دخترهایی که همراه ام بودیم گفت که یک روز در شهر کنی که ببرای
 کلیریزی به آنجامی بود برای فرستادن ۲۰۰ روز کارمندان به مشهد
 بین آن ها قرعه کنی می کردند و اول که خیلی دلش می خواسته
 به این سفر برود وقتی می بینیم که ایلر ز هادر لیست قرعه کشی
 نیست کلی دلتگشی شود
 از طرفی روز قبل از سفر ما برای مادرش که قرار بود جزء
 همسفرهایمان باشد مشکلی پیش می آید و هم اسم دخترش را
 به جای خودش به معلم اعلیٰ می کند و سعیه در کمال تبلیغ خیلی
 زودراز آن چه فکر ش را بگند به مشهد طلبیدم می شود
 خلاصه این که هر شب تا دیر وقت پایی صحبت همسفرها
 می نشستم و هر چه می گلشت بیشتری می بدم که ما همگی
 از بن عنده زیادی گنجین شدیم تاکث زیاره عنده زیادی باشیم که
 دلشان در این سفر باید

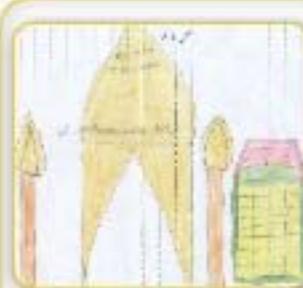
لماقلین زندگی همیشه بر این میباشد که روزهای خوش به
 سرعت سیری می شوند و به قدر چشم بر هم زدنی طول می کشند
 اصلاح نهادهاییم چطور ۴ روز سیری شد و زمان برگشت رسید
 ۴ روز خودمان بودیم و خودمان ای هیچ دقتنه و اضطرابی
 نداشتم بودیم که نمان را به سمت بزرگواری پرور دهیم که
 مشتقات مستلزم بودیم

در این برنامه که با همکاری
 مرکز هماهنگی خبرهای
 استان تهران و موسسه راهیان
 رضوی برگزار گردید تعداد ۴۰
 افسر از مددجویان تحت پوشش
 مهارآفرین که تاکنون به زارت
 امام رقیع (ع) ترقه بودند و یامد
 زمان زیادی از آخرین سفرشان
 می گذشت از تاریخ ۲۰ آذر لایات
 ۲۴ آذر میهمان زائر سرای راهیان
 رضوی در مشهد مقدس بودند

حتما برای شما هم پیش آمده که به یک میهمانی دعوت شوید
 که اخلاص انتظارش را داشته اید آقازین سفر هم برای همه ماین طور
 شروع شد اخیلی ها حتی یکباره ام به مشهد رفته بودند بمضی هم
 ۱۵-۱۶ سال از آخرین سفرشان می گذشت
 روز جمعه بیست آذر ماه ساعت ۱ قرار بود همه جلوی در
 موسسه حاضر باشند تا یک سفر به یاد ماندنی در نهضتشان به بادگار
 بسند اما خیلی ها از یکی تو ساعت جلوی آمده بودند اما خیلشان
 راحت باشند که هستم از امام رضا خواهند بود لازم باز هم تکران
 بسند که نکند خیر را شنیده باشند و سفری در کار نیاشد
 خلاصه این که با همه این دلهز و نگرانی های اینوس ساعت ۲
 جلوی موسسه حاضر شدوز ازین سوار شنیده هر چه جوابی داشتم
 بیشتر در فکر و رویاعتق می شدم اما دیگر مطمئن شده بودیم که
 میهمان ویا بزرگواری هستیم که انتظار دعوت شدن به منزلش را
 نداشتیم.

حدود ساعت ۵ صبح بود که به مشهد رسیدیم.
 بزول آن قدر هیچ چیز نزد بودیم که خستگی را رایانه رفته
 بودهیم که انانچه باین راحیوی گرفتیم و عسل زیارت گردیم به
 طرف حرم به راه قاتلیم تا نماز ظهر را در حرم و به جماعت بخوایم.
 وقتی به حرم رسیدیم و براوی اولین بار جلوی آن استسلام حال و
 های دیگر دیدیم و هر کسی با زبان خوش با اتفاقاً صحبت می کرد
 همه کنای هم بودیم و هر کسی با زبان خوش با اتفاقاً صحبت می کرد
 و در آخر هم دسته جمیع براوی برآورده شدن حلقات همه کسانی
 که در برگزاری این تور سهم داشتند دعا «من بجیب» را هم صدا
 خواندیم و وارد صحن اعلی شدیم و در آن جادیگر همه پراکنده
 شدند و هر کسی گوشانی با اصحاب خانه ای که میهمانش بود خلوت
 کرد

از همان روز گروهی ۶ نفری تشکیل دادیم که همه بتوانند
 به صورت گروهی و بدوں ارس از گم شدن به زیارت خود بروند
 مراسم زیارت شاپورا خوشنام نماز جماعت در حرم دیدن
 بازارهای شهر مشهد، زیارت امام زادگان پلر و ناصر و برگزاری مراسم
 دعا و مسابقات مختلف از جمله برگانه هایی بود که برای این نثارک



نقاشی کودکان مهارآفرین



حاجی مکه نرفته

نا چند سکایی کمک کنده اما مشکل زن با چند درهم و دینار حل نمی شد. در گرمای بیان عرق سرد بر پیشانی پیرمرد نشست. پیرمرد که بین انتخاب آزویش و کمک به زن فقیر مستأصل شده بود، چشمهاش را بست و به فکر فرو رفت. در نهش خودش را تصور می کرد که با بیان احرام در حال طواف خاله خنست، با حجاج در صفا و مروه حرکت می کند و با آنها رمی جمرات می کند. پیرمرد هر قرق در رویاهایش بود که صدای ناله زن او را به خود آورد. دستی به مجامن بلند و سفیدش کشید و تصمیمش را گرفت. در حالی که با صدای بلند ذکر احرام حاجی ها را می گفت بجهه ای که تمام داراییش در آن بود را به زن جوان داد بد لبیک گویان و او برش کشت را در پیش گرفت.

موسوم حج نام شد و حاجی ها برگشتند. تقریباً تمام ساکنان شهر به استقبال کاروان حجاج آمده بود. پیرمرد هم به استقبال آنها رفت. اما اتفاق عجیب افتاد که پیرمرد و هشتمراهیش را متوجه کرد.

پیش از آنکه پیرمرد فرست گفتن لبیک را داشته باشد کاروان حجاج به او زیارت قبول گفتند. یکی از همسفرانش گفت حاجی ما تو را فقط در زمان الحاج اعمال می دیدیم منزل مانده به بیان راه اتفاق عجیب افتاد. پیرمرد که از همسفرانش عقب افتاده بود، در راه با زنی بیرون ححال را زیارت نکرد. التمس زلوهایش را می کرد تا در

در دل پیرمرد توقایی بربا بود. پس از سال ها زحمت و نلاش بکد ک پس اندازی آن وخته بود و با آن نوش سفر آزویش را آهیه کرده بود. لام دلوایی پیرمرد همان بجهه ای بود که زیر بغل داشت. صبح زود نوش سفر را برداشت و با کاروان حجاج راهی شد شهر به شهر، متزل به منزل، اشتراق پیرمرد برای طواف خاله خدا بیشتر می شد. ساروان می گفت: "فقط چند منزل دیگر ملکها آمده احرام باشید."

پیرمرد با شنیدن سخن کاروان سالان دعا دعا می کرد بیمار نشود، از خدا می خواست لا فیض زیارت قبر رسول را از او نکیرد. التمس زلوهایش را می کرد تا در

علی سیر هشراهیش کشند. روزها به این منوال سیری می شد تا اینکه چند منزل مانده به بیان راه اتفاق عجیب افتاد. پیرمرد که از همسفرانش عقب افتاده بود، در راه با زنی بیرون ححال را زیارت نکرد. زن با حالی لزار دست به دامن پیرمرد شد و برای سیر کردن کودکان بیتمش از او کمک خواست. پیرمرد که از حال زن متقلب شده بود خواست





■ 索引 - 100% 100% 100% 100% 100%

<http://www.elsevier.com/locate/jmaa>

www.ncbi.nlm.nih.gov

www.ijerph.org

PHOTOGRAPH BY STEPHEN D. TAYLOR

Reflux and reflux associated effects of the new compound are also observed.

www.sciencedirect.com

۱۷۰ آپ

چوبسازان، اعتباری برای زندگی واقعی!



دیوارپوش، قرنیز، لیزار و کلیپوش تهدیدت



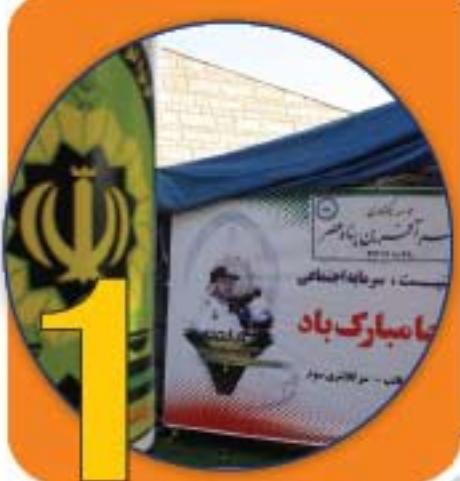
NEWS



حضور مهرآفرین در نمایشگاههای نیروی انتظامی

موسسه لیکوکاری مهرآفرین در نمایشگاههایی که به مناسب هفته نیروی انتظامی برپا شده بود در چهار پایگاه بسنانهای پایداری، گفتگو و فرهنگسرایانهای اشراق و رازی حضور فعال داشت و در آن به معرفی و شناخت هرچه بیشتر مهرآفرین و جنب پلور پرداخت.

شایان ذکر است مسئولان و افرادی چون حمله عامل اعیانده مجلس شورای اسلامی، سردار روزبهانی (رئیس پلیس امتیت تاجا) سردار رجب زاده (فرمانده انتظامی تهران بزرگ) سردار علی پور (عملون اطلاعات تهران بزرگ)، جانب سرهنگ بیگی فرمانده انتظامی تهران بزرگ، جانب سرهنگ موسی سرکلائرت سوم تهران بزرگ، شاملو رئیس آموزش و پژوهش ناحیه شش و وزنویل به تسبیندگی از شهرداری ناحیه ۶ منطقه ۴ از قدرهای مهرآفرین بازدید کردند و آن را مورد لطف خود قرار داشتند از این به ذکر لست در هر قله بستان پایداری صنایع دستی که هماید آن به تخف تیامندان موسسه لیکوکاری مهرآفرین بود به فروش می رسید و در روز اختتامیه مراسم لیز ز موسسات لیکوکاری برتر تقدیر به عمل آمد.



فاطمه دانشور کارآفرین برتر شناخته شد

در پنجینم جشنواره قهرمان صنعت که طی مراسم باشگاهی به منظور معرفی کارآفرینان برتر و واحدهای برگزیده بخش صنعت در سال ۸۸ در مرکز همایش های صنوا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، فاطمه دانشور کارآفرین برتر شناخته شد. در این جشنواره که باحضور محربان و وزیر صنایع و معاشر، بهمنی رئیس کمیسیون صنایع مجلس، مرتکزی، شیخ الاسلام وزیر کار و امور اجتماعی، ایوبیانی نایب رئیس مجلس هاشمی رئیس کمیسیون صنایع مجلس، و مدیران صنایع و بالکها و کارآفرینان برتر برگزیده بود، فاطمه دانشور به عنوان یکی از کارآفرینان برتر بخش صنعت و مدن لوح تقدیر و تندیس جشنواره را به خود اختصاص داد. فاطمه دانشور به عنوان مدیر عمل شرکت سیاحان سپهر آسیا دومن سخنران این همایش بود که با ارائه گزارشی از موقیعهای خود و همسرش در استفتالی ۱۰۰ - ۵۰ نفر به طور مستقیم و ۵۰ نفر به طور مستقیم در مناطق مدنی کشور و انتقاد راسخ به لجام کارها به صورت لیمی و موقیعهایی که در این بخش کسب کردند، به این مطلب اشاره کرد که به شکر آن این موقیعهای تصمیم به صرف یخشی از سود این شرکت در راه خیر و کمک به لیامندان گرفتیم و در لایه فعالیت‌هایمان موسسه لیکوکاری مهرآفرین را تأسیس کردیم که در آن از زبان و کودکان بی سربرست و بدسربرست حمایت می کنیم به همین بهانه دانشور از تعلیم کارآفرینان دعوت کرد که قسمتی از درآمد خود را صرف امور خیریه به مهرآفرین اختصاص دهد.



2



برگزاری کارگاه خودشناسی ویژه مددجویان

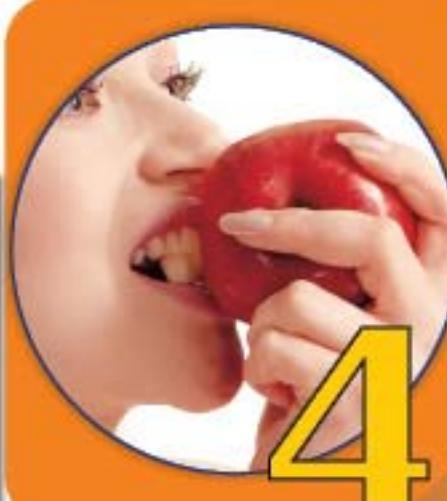
کارگاه آموزشی در زمینه خودشناسی و دوست پایی های دختران و پسران ویژه مددجویان مهرآفرین روز ۳۱ فروردین ۸۹ در دفتر عملیاتی موسسه واقع در میدان شهدادر گزارش از اراده حضور رئیسه در این کارگاه ۱۲ نفر از دختران ۱۴ - ۲۰ سال تحت پوشش موسسه بودند. دوره چتاب آفای دکتر مکی بودند که حول دمحور خودشناسی و دوست پایی به سخنرانی برداختند. اینشان در قسمت اول درباره زیر بنای فکری و شخصیتی انسان ها و ارزات دلیستگی های مختلف صحبت کردند و در قسمت دوم در مقوله دوست پایی های دختران به متنظیر آگاهی سودن و پیشگیری از هر نوع اتفاق ناکوشا، مثال های ملهم و قابل درگی را ارائه داشتند. این کارگاه آموزشی یک ساعت و نیم به طول اجتیاد و در تهائیز یک تست خودشناسی رایج بین روانشناسان ارتوپلی به همراه لواحت های آموزشی بین حضار اوزیغ شد. برگزاری این کارگاهها همچنان آنکه دارد و برای پسران نیز به صورت جداگانه برگزار می گردد.



3

NEWS

موسسه نیکو کاری مهر آفرین با همکاری یک شرکت صنایع غذایی در نمایشگاه غذا که در سال گذشته برگزار شد، شرکت کرد.



4

خدان را همچون فردی جسم کنید که هر روز بهتر از روز قبلش است. خودان را موظف کنید تا عمرینهای مخصوص بالا بدن تو و کاری را هر روز تجمل دهد. همیشه به خودان بگویند « تنها همین امروز! تکان نیاش اگر این کار پاصل پیشرفت تو خواهد شد پس آن را جام بده هر چند خیلی سخت است ». هر روز به خودان متنگر شوید که « من فقط همین امروز را با سخت این کار شروع می کنم ». از تا لیز این روش بر روی زندگیتان مطمئنا شگفت زده خواهد شد.

برگزاری سمینار آموزشی در زمینه بهداشت دهان و دندان ویژه مددجویان مهر آفرین سمینار آموزشی در زمینه بهداشت دهان و دندان ویژه مددجویان مهر آفرین روز ۷ اردیبهشت ۸۹ در دفتر عملیاتی موسسه واقع در میدان شهرداری برگزار شد. افراد حضور یافته در این کارگاه ۵۰ نفر از مددجویان تحت پوشش موسسه بودند. مدرس دوره جنب‌آفای دکتر سالاری از بواران مهر آفرین بود که درخصوص چگونگی رعایت بهداشت دهان و مراعات از دندان‌ها و زوم بوجه به این موضوع از زمان شیرخوارگی نوزاد طرز استفاده صحیح از لغزش دندان و آموزش احوجه مسواک کردن مولز، استفاده از مخلوط آب و نمک در صورت عدم درسترس بودن وسائل فوق لازم است. خود عقوتی کردن دهان به سخنرای پرداختند. ایشان همچنین درخصوص مواردی همچون عوارض معد رعایت بهداشت دهان و دندان، مشکلات گواشی، بیوی بددهان و مفونت‌های لثه و دندان که در صورت شدت گرفتن آن موجبات بیماری‌های قلیی را فراهمی آورد، هشدارهای لازم‌بهای پیشگیری را برای حاضران ارائه دادند. این سمینار آموزشی ۲ ساعت به طول انجامید. برگزاری این سمینارها همچنان ادامه دارد.

گردهمایی با اوان یاور مهر آفرین در مجموعه فرهنگی ستوان لوبن گرد همایی با اوان یاور مهر آفرین به‌هدف تشکیل اجمن با اوان نیکو کار مهر آفرین در سالن همایش‌های مجموعه فرهنگی ستوان برگزار شد. هدف از تشکیل این اجمن استفاده از تیرو و بتاکسل موجود در اوان خاله دار نیکو کار یاور موسسه مهر آفرین جهت تکمیل در رسانیدن به اهداف بزرگ موسسه می‌باشد. خالم فاطمه دلشور، مدیر عمل موسسه مهر آفرین دلایلی درخصوص چگونگی بینان لهستان موسسه مهر آفرین موالع و مشکلات موجود در رسانیدن به اهداف موسسه بیجیدگی‌های مسئل مربوط به مددجویان و مشکلات بفرنج مربوط به این قشر، بزرگ بودن جامه هدف موسسه و لیز به مشارکت یاوران و مردم جهت برداشتن این بار، صحبت نمودند. در این جلسه اتفاقاً یاوران مهر آفرین جهت شکل گیری هسته‌ای ایجاد اجمن انتخاب شدند. یاوران که تحت تأثیر سخنان مدیر عمل موسسه قرار گرفته بودند برای همکاری با موسسه مایل زیادی نشان دادند و همگی نام خود را جهت حضوری در اجمن ثبت نمودند.



5

بانوی آواز ایران بعداز ۳۰ سال برای مهر آفرین خواند

هنگامه اخوان نزدهای ۱۱ و ۱۲ لیرمه سال گذشته کنسرت ویژه‌ای را مختص با اوان در تالار وحدت به روی صحنه برده هنگامه اخوان عضو هیئت مدیره کانون خوانندگان خاله موسیقی در این کنسرت که با همکاری موسسه نیکو کاری مهر آفرین برگزار شد قطعه‌ای را در آوازهای دشته و ایمطا اجرا کرد. در بخش دشته این برنامه نصایف «موسم گل»، «آتشی در سینه دارم جاوهانی»، «ستی دام»، «تجان شب»، «خون جوانان» و «پیمان» اجرا شد. در قسمت ایمطا لیز قطعه‌ای چون «لن از مجرخ بار» و «رگس مست» برای مخاطبان به اجرا در آمد. همچنین در این کنسرت بیت‌آرضی (لواراند) مسازی و سرپرست گروه آذربایجان (الان) سرچان را ندی (عود)، سولیا (کمانچه) و نغمه فرمودند (تنبک). هنگامه اخوان را به عنوان خواننده همراهی کردند.



6

کودکی تا آرچ دست های خود را درون سطل زیاله روپرتوی خانه قان می کند. به دستان او قلم بدھید، شاید فردا او انسان موفقی شود.

من گویم آیا می داشتم چه علتی دارد؟
من خنده دارم
به آرامی سرش را به سمعت زیاله دان
می چرخاندم و برای لحظه ای در بینت و سکوت
فرمودم: سکوتی که می توان فقط در قیافه
آدم بزرگ هادید و در صورت کوچک او مثل
حسن غربی می نالند که «کودکی اش را زیر
سؤال می برد: کوکسی ای که بسوی دود و زیاله
گفت، او درست زماتی که باشد بازی می کرده
و برای عروشک هایش خانه می ساخته به دنیای
آدم بزرگ ها زرت شده است. مریم طوری در
سکوت فرمود که فکر می کنم برای باد آوری
حاطره ای از گذشت هایه سوال های خسته مفرغش
فشار می اورد یا برای کامل کردن لذت تیمه تمام
خوردن ساتردویج دعاهای راهی بندد تاطعم آن را
زیر دستان هایش حفظ کند.

از آرزو های دختری که
که سواد اش ذمین سرد بود و
چشم هایش به پطری های خالی
و آهن پاره های زنگار گرفته باز
شد، دختری که اسم گل دارد
و هیچ گاه در کمی از گل نداشته

اما او می کوبد که حاطره ای داشته و ته طعم
ساتردویج ته مائده را حس کرده بلکه رفایی
در ذهنش جرقه زده که در آن کسی به او کل
هدایه می دهد. من گویند: یادم تبادل اسمم را درم
می داشت همانطور که هادرم تبادل منو به دست
می آورد. بادم می باد و وقتی به سالم بود موشا
از سر و کلام بالام ریخت و یادم می گفت متوجه
خواب می بروندن خونه ماتریک و بیوگنون
همشه بیوی تم و آشغال عیده. فکر کنم اون موقع
هم بعنجهواری بوده.
شاید اگر برای همیشه در آن خانه تاریک و
بوگندو می ماند به بدر و هادرس ابراز تعجب کرft
که چرا اورایه دنیا اور دنده و چرا او یه جای بازی
کردن باید آشغال جمع کند. شاید اگر در همان
اطراف خانه شان آشغال بیندا می شد و مجبور
تیود بالاشهر باید اسمش را دوست داشت و
قکر می کرد زندگی همین است: زیاله و موش و
پطری های بلاستیکی. اما لوقتی برای بیندا کردن
غذا از زیاله به بالاشهر آمده فهمیده که اصلاً کودک
تبوده تا رفتارهای مثل آنها باشد. من گویند:



مریمی

که بوی مریم نمی دهد

برایش به ترس و دلهره می گذرد و در گفتزار «
دقیله از روی چهاریاه بایس می آید و بطری هارا
داخل گویی بترکی که از گنجینه به سیاهی می زند
می ریزد. گویی رایه دوش می کشد و پشت دیوار
بایس می گذارد. امی از عمق جان خسته باش
می کشد و تکه می دهد به دیوار سفید سیاهی
در حیابان ملاصدرا. گیسه سفید رنگی را او گویی بیرون می آورد
و سا حرص و ولع به ته عاتمهای ساتردویجی که
سوی زیاله گرفته، گاز می ریزد. او دهان کوچک
خود را برای خوردن ساتردویج خنان باز می کند
که گویی هفت هاست چیزی تخریه و با هر گاز
بزرگی که به آن می رسد ترس و واعده این را
دارد که ساتردویج این تمام می شود؛ ترسی که
چشماش را گرد و گرد می گند طوری که تصویر
می کنی او هرگز سیر تخلوهد شد.
من گوید اسمش مریم است ولی او ته بوی
گل می دهد و نه آن را می شناسد و همه می گویند
این دور و دراجی خوبی برای جمع کردن بیندا
می شه اما باید موافق باشم. چون هر زیاله جمع کن
محل خودش دارد و اگه صاحبین بیاد و بینند
کتک حسایی می خورم» و به همین خاطر است
که برای جمع کردن زیاله عجله می کند و سرش
را هنام داخل مخفن بزده و بیرون می اورد؛ همان
گریه ای پشت پنجه که اطراف را می باید زمان



من سر کوچه شما هستم

می‌کنم و آب دهانم را قورت می‌دهم، اما طرف رستوران نمی‌روم چون بیو خوبش عصی ام می‌کند یک بار جرات کردم و رفتم داخل؛ قیمت پیترای پرسیدم حساب کردم برای این که تولم یک پیترای بخرم باید بول هشت بار واکس زدن را بدهم. آنوقت، شب باید به جایش از بابام کتک بخورم مگر در آدم من چقدر هست که اینقدر شراب است و چون درس ندارم می‌توالم تا غروب کار کنم، بقیه سال بساز مدرسه می‌آم اینجا مشق‌ها می‌راهمین حاروی یک کارتن که کف آسفالت پهن کرده‌ام می‌لوسم، همه دفترها و کتابهای من واکس هستند لئن توام تمیز نکنم که این باید بخورم و شب هم کتک شلن دارم، با پاک کن هم نمی‌شود واکس را پاک کردم اول سی داشتم از همکلاسی‌ها یعنی مخفی کنم که واکس هستم، لاما با این دفترهایی که به جای خودکار می‌باشد با واکس سیاه می‌شد، چه انتظاری می‌توان داشت معلم‌ها هم بساز این که فهمیدند چه کاره‌ای دیگر اعتراضی برای دفتر و کتابهای کلیفعونکرند درس‌های من خوب است یعنی مادرم با حل مرضی نمی‌گذارد درس‌ها یعنی افت کند دوست درام کمی زودتر کارم را تعطیل کنم که بیو خوب شام شما را شنوم و برای مراقبت از مادرم زودتر به خانه بیایم، تقصیر خودم است، آمدۀ ام جانی بساط کرده‌ام که محله‌ای عیان‌هاست با کلی بوهای خوشمزه که نمی‌توانم بفهمم چه عقابی می‌پزند بایام اجازه ناده یا دستمزدم فقط دوامی مسلمان را بخرم و بقیه دستمزدم را باید به بابام بدهم، ولی من بعضی وقت‌ها بیاشکی برای خواهش هم خودنی می‌خرم، لو پنج سال دارد کاش اینقدر بول داشتم که بتوالم مسلمان را در درآمد حالا هر وقت بیا آن بیمارستان بسته هوس پیترای آن طرف خیابان داشتند بیترای می‌خوردند، به من هم یک لگه داشتند اینقدر خوشمزه بود که اشکم درآمد حالا هر وقت بیا آن بیزاری هوس پیترای دوز می‌افتم، هوس پیترای بیمارستان نگاه می‌کنم؛ به رستوران نگاه بخوب شود بعضی وقت‌ها پیترای بخرم



طرفای خود، دا خیلسی با اینجا فرق می‌کند، اوینجا آدمای شیک تعمی بیش، همه مثل هنر اداز و قشنی بالا شد و عدم فهمیدم آدمای اینجا به جور دیگه،

او در همان ۴ سالگی، ۲۰ ساله شد، شاید هم بیشتر ۳۰ ساله، ۴۰ ساله... غریب می‌گوید:

ما مثل بچه‌های دیگه، تیستیم، اوینجا بوانش بزرگ‌هی شن و ما بیهو، مگر آنجا چه دیدی که احساس می‌کنی بزرگ شدمای؟

خیلی جیزا، خودهای بزرگ و خاطهای بزرگ ای کل؛ مائسینهای حوش‌گل؛ بچه‌های تیستی، که مدرسه می‌رقصند.

تیستی خند تلغی می‌رتد و می‌تویند بعینی‌ها هم بمعاد؛ وقتی کیسه آشغال را باره می‌کردم سرم داده می‌زدن و می‌گفت موش تکیه...

از او می‌خواهم که بیست بگوید از زجرهای دختری که گهواره‌اش رهیں سردد بوده و چشم‌هایش به بطای‌های خالی و آمن باره‌های زنگار گرفته، بار شده، دختری که اسما کل دارد و هر چه گاه در کی از کل تداشت، اصرار می‌کنه که بگوید، بیست بگوید و او می‌گویند بارم خیلی وقتی که مرده، بعضی هنوز کماله تشدید بود تاره به سال بود که با هم زدای خدج می‌گردیده، اون بدم باد داد که از تو آشغال‌یی فردام و چی ور تدارم، من باد گرفته بودم که خلوفهای شسته‌ای بر دردم تخت خوره و بطای‌های بلاستیکی را خوب می‌خوردند، البته اون موقع گوئی ام اینقدر تبود و چند تا بطای بیشتر جانمی‌شد.

می‌گویم پدرت چگوته مرد؟ می‌گوید: تعمی دوتی، فقط دیدم یک موش.

تویی رو که تو دستش بود گاز من زد و اون هنچ تکویی تعمی خورد، رفتم به یکی از همسایه‌ها گفتتم و اون وقتی اومد گفت بایام مرد.

می‌بریم الان تهها زندگی می‌کنم؟ می‌گویند: ته یک حاتم خامیل داریم که سر چهارراه بادیادک می‌فروش، و تو خوتا می‌زندگی می‌کنم.

می‌گوییم آرزو هم داری؟ می‌گوید: آر، قدم بلند نه، و چهار باید را دور بندارم.

- چه؟ اونقدر غذا داشته باشم که سر سیر

چند تلاویزیونی آفتاب هشتادم برگزار شد

کلریزان و باری طلبی برای ساخت مدرسه بدسر برستان

این مراسم زیبا و عطر اگین در نالاز حجاب و با حضور فرشته های زمینی و جسمی از بارون مهرآفرین شهرداری تهران، محمد شهبازی منفرد شهردار تابعه ۶ منطقه ۳، مسعود حاجی محمد تقی دولابی مدیر عملی پیوگزار شده سر جلایی خودشان نشسته و منتظر کارخانجات پر شیا آبادگران تامور، حسین باریار و اعضای لیم هنرمندان مدیر شبکه جهانی جام جم، مدیر پانک ثات، میسی ملأونت منطقه ۳ شهرداری تهران و هجدهنین هتر منطقی مانند، محمد جواد اسماعیلی پلور مهرآفرین، علی انصاریان بازیگران ساق استقلال و پرسپولیس، شهram قلادی پاریزگر میسما و تلویزیون، اردشیر منظم دوبلر و مجری برنامه های تلویزیون حسین باریار و اعضای لیم هنرمندان و همچین مدیر شبکه جهانی جام جم که بخش این کلریزان را از شبکه جام جم به مهده گرفتند در این مراسم از صندوق داران نمونه مهر آفرین، فرهنگ خرمی، زینت هرف خان، زهرا زینی، میترا خوش سیما، افخار سادات زری یاف و مرجان انصاری تجلیل به عمل آمد. سپس خالق دلشور با سخنراهن خود هدف از

میلاد با سعادت امام رضا(ع) هشتادین اختر تابناک امامت باری دیگر شور شوئی را میان تمام مسلمانان ایجاد کرده بود و هر کس در طی تدارکی بود برای برگزاری این میلاد بزرگ، مهر آفرین نیز از این سعادت بی بهره نبود آنان نیز جشنی برپا کردند که در مراسم زیباترین و خوشبوترین گل عالم، گلریزانی پاکند.

السلام علیک

لَا إِلَهَ إِلَّا مُوسَى الْرَّضِيَا



سروده‌ی دکتر حسین ارجمند عقوه‌ی هیئت مدیره
الجمعن تقداپرشکان ایران و از یاوران مهرآفرین

به دنبال خدا نگرد خدا در بیان‌های خالی از انسان نیست
خدا در جاده‌های تنهایی بی انتها نیست
به دنبالش نگرد
خدا در نگاه منتظر کسی است که به دنبال خبری از
توست
خدا در قلبی است که برای قومی تیم
خدا در بخشندی است که یا نگاه مهران تو جاتی دوباره
می‌گیرد
خدا آن جاست

با انتظار نشینید
زمانی بپتر از حالا
برای شعاعمکن نمی
باشد از همان جایی
که ایستاده اید و با
همان ایزار و امکاناتی
که دارید گارتان را
شروع کنید. به مرور
زمان ایزار و امکانات
تان بپتر خواهند شد.

در جمع عزیزترین‌هاست
خدا درستی است که به باری می‌گیرد در قلبی است
که شادی می‌کنی
در بخشندی است که به بدبختی شانی
خدا در پیکده و مسجد نیست
گشتت زمان را هدر می‌هدد
خدا در عطر خوش تان است
خدا در چشم و سروردی است که به پامی کنی
خدا را در گوچه‌پس کوچه‌های درویشی و دور از
انسانها جست و جو مکن
خدا آنچه نیست

او جایی است که همه شادند
و جایی است که قلب شکسته‌ای شاند
در نگاه پر افتخار مادری است یه قریانش
در نگاه عاشقانه رزی است یه همسرش
باید از قرصهای گوشه زندگی جاورانگی را جست
زندگی چلاشی بیزرس است
مخاطره‌ای عظیم
قرصت یکه و یکلی زندگی را
تباید صرف چیزهای کم بیها کرد
چیزهای اند ک که مرگ آنها را زمامی گیرد
زندگی را باید صرف اموری کرد که مرگ تی تواند
آنها را از ما بگیرد
و سینده دهن ازان سر و تن می‌رویم
 فقط چیزهایی اهمیت دارد
چیزهایی که وقت گوچ ما از حاته یدن یاما همراه باشد

نشکل این مراسم را ساخت مدرسه‌ای برای بجهه‌های بد سرپرست اعلام کردند پس از اعلام این تصمیم یاوران شروع به اعلام بولانی‌های خود برای کمک به ساخت این مراسم کردند، مهندس حسینی هزار مترازین در کندلوس هدیه داد، ظیم زاد دو سایت کامپیوتروی اهنا کرد، شرکت فرش مصمری فرش‌های نمازخانه مدرسه را تامین کرد، پورمناف دو هزار جلد



کتاب به کتابخانه مدرسه هدیه داد، حمیدرضا زین ساخت و یجیر الشیرخانه مدرسه را مستقبل شد، مجتبی پور طالبیان کارشناس ارشد روانشناسی به مدت دو سال و فاطمه حلت کارشناس روانشناسی به مدت یک سال به بجهه‌های این مدرسه مشاوره رایگان می‌دهند با اعلام هنایی از طرف این بزرگان گلزاران سه شب مه منای واقعی خود رسید.
صلوچه براین هنایی در این مراسم تلیلوی دختر بجهه زیابی که با دستان هنرمند زهرا دانشور خلق شده بود به لفظ مهر آفرین به مزایده گذاشته شد پس از اعلام قیمت‌های متفاوت توسط حاضرین در سالن برای خرید این تابلو تا این کار در گوشی‌ای از این کار آسمانی سهیم باشند در نهایت تابلو به قیمت دو میلیون اسلام به فروش رسید. پس دکتر داروغه زاده مدیرعامل و میکاپیل زاده مدیر تولید موسسه رسالت‌های تصویری اتلیه موسسه مهرآفرین را در محصولات موسسه رسالت‌های تصویری و مطبوعی نیز بیلوبوردهای تبلیغاتی موسسه مهرآفرین را در ایوان مدرس منتقل شدند در این مراسم هنرمندانی مانند حمیدرضا عیوضی و مهدی ذکی زاده به عنوان خواننده، سیروس حسینی فرنقلید هنله گروه شبده بازی محبک به سرپرستی شاهرخ مجیک، گروه دولغه دف و نی، آقای زمانی و میمونش با هنر و برنامه‌های زیبای خودشان ما را در اجرای این مراسم همراهی کردند.

هیچ وقت به گمان اینکه وقت دارید تلقینیتی زیرا در عمل خواهید دید که همینکه وقت کم و کوتاه است. (فراتاللین)



فائزه: مدیر عامل شرکت چوپسان مرتکب رکود پنهانی نداشت

کمک به فرقه رانیکوکاری نیست؛ وظیفه است

لو با تلاش خودش سری در سرای صنعت ساختمان درآورده است. بوضیع می دهد که در دوره دانشجویی، سه روز در هفته کار می کرده و سه روز درس می خوانده تا خرج داشتگاهش را درآورد. فیروزی تأکید می کند «سیزان در آمد بالای تو مسلمان فقط بدایل لیاقت شان نیست‌لئن تو ان گفت که آن کسی که به قدر جمله لیاقت تریوت را نداشت و برای بدست آوردن تریوت تلاش نکرده است. به همین تلیل باید تو مسلمان به حقیران کمک کنندو به تصویر کم کاری و تلاش نکردن کسی او را کمک خودسریم نکنند».

مهندس فیروزی می گیرد: «ما شرایطی را که موجب شده کسی فقیر شود را می دانیم و باید پیش قضایی کنیم. وظیفه ما کمک به فقر است، نه لجسم در برایه لجه‌فقر شدن آن فرد».

گفتنی است، شرکت چوپسان تولید کننده دیوارپوش و کف پوش ساختمان است.

و کاز خوب آنقدر سریوحه کاز است که دیگر جایی برای راست راست گرفتن نگذاشته است. او پیشرفت را برای همه مجموعه اش می خواهد و تلاش می کند تا هر کسی که از لحاظ میثاقی به شرکت لوپرسته است، در رفاه پاشه و به نظر خودش در این ۵ سال که در صنعت ساختمان فعال است اینکه بوده است.

او اعتقد راسخ ندارد که کمک به فرقه کاریک کردن نیست بلکه وظیفه هر فردی است که باید به شکرانه نعمتی که دارد بخشی از آن را بخشد.

مدیر عامل شرکت چوپسان اظهار می دارد: «من نی لولم نسبت به همه مردم احسان مسؤولیت کنم و به همه کمک کنم، اما می لولم نسبت به توالی خود حیطه کمک هایم را گسترش دهم ما نسبت به همنوع اعلان مسویم، البته اول نسبت به کسلی که از لحاظ مالی و کلی به ما وابسته ام».

چنان خوش فکر و موفقی است این اولین بردگشت مازه‌هندس ساسان فیروزی است که برای مصاحبه با لو رفته ایم، شاید برای سیاری از ما رمز موقیت افراد موقع مهم باشد فیروزی رمز موقیت خود را جام کار خیرمی دارد و به این بقین زیارت‌سیده است که لجام کار خیر موقیت همه جالبه در زندگی را موجب می شود. البته اولیه اصطلاح «کاز خیر و خبر» اعتقادی ندارد و کمک به مستمندان را وظیفه هر کسی می دارد و مستمندان از اراده‌دهان هر قدری متعلق به مستمندان است و باید به دست آلن برسد. مهندس فیروزی مدیر عامل شرکت منظم ایرانی «چوپسان» و حامی مهرآفرین است و از هیچ کمک به مؤسسه درخواست نکرده است و از همان ابتدا وارد می‌باشد لواضع به خرج می دهد و فقط به خواهش مانع نگیرد. کمک پشت‌میزش می نشیند اعتقاد دارد که باید خوب فکر کرد و خوب کاز کرد و همه باید از کارش راضی باشند. چه مشتری و چه کارمندش، قدر

مشاوره حقوقی

از این شماره، زیر نظر جناب آقای مسعود مشهدی، وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی، پرسش‌های حقوقی شما را پاسخ خواهیم داد. ایشان که از وکلای بنام و مطرح کشور می‌باشند، اعلام آنلاگی کرده‌اند که با مؤسسه مهرآفرین همکاری داشته باشند. ایشان اعلام نموده‌اند که هر کدام از مهرآفرین که برای مشاوره حقوقی یا وکالت به وی مراجعت کنند حق وکالت یا مشاوره ایشان. لزد خود مراجعت کنند و هر چند بحث می‌شود مهرآفرین ریخته می‌شود مهرآفرین از ایشان که بالیت خیر به مهرآفرین پیشنهاد نموده است عذری را که می‌توانند با این علم پاچه خود به مهرآفرین کنم کنند به گرسی می‌نشاند در این شماره پرخی از پرسش‌هایی که احیاناً برای مهرآفرین محترم مطرح می‌شود پاسخ داده می‌شود.

سؤال: برای آنکه بینان طفل را به فرزند خوبی‌گی قبول کرد زن و شوهر باید درای جه شرایط و خصوصیاتی باشند؟

پاسخ: وکلای احوال به منظور سربرستی از آنها صرفه زن و شوهر مقیم ایران صورت می‌گیرد. می‌بینیم زوجین من می‌توانند این حق هم و ناصوب دادگاه طفل باطفالی را برای سربرستی در اختیار نگیرند. زوجین متفقانی سربرستی کودک باید نقاضی مشترکی تنظیم و تسلیم دادگاه نمایند و دادگاه در مورد آنها حقیقت می‌توانند که شرایط ذیل را دار باشند:

الف) پنج سال نمام از تاریخ ازدواج آنها گذشته و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند. التفاوت مدت پنج ساله در صورتی که زوجین به دلایل یزشکی نتوانند صاحب فرزند شوند لازم نیست.

ب) سن زوجین بایداقل بینی که از آنها ۳۰ - سال تمام باشد.

ج) هیچیک از زوجین دارای ساخت و سازی موقته علت از نکاح جراحت عمومی نباشد.

د) هیچیک از زوجین مسخر نمایند.

ز) زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند.

و) زوجین باید از آنها درای اسکان مالی باشند.

ز) هیچیک از زوجین مستلزم مبتلا به بیماریهای واکیر و صب الملاعج نباشد.

ح) هیچیک از زوجین مستدان به الکل یا مواد مخدر و سایر اعتیادات مضر نباشد.

سؤال: جه کسانی می‌توانند نقاضی لحصال وراتت کنند و جه مدارائی لازم است به دادگاه از آنها شود؟

پاسخ: در خواست الحصار وراتت می‌تواند بوسطه هر یک از ورثه متوفی یا شخصی دینفع مانند طلبکار از متوفی و یا موصی له و نیز وصی یا شکار نیوید. پرندگان باید کشته و مشتمل بر نام و مشخصات در خواست کنند و متوفی ورثه و لفاظن آنها و نسبت بین متوفی و وارث باشد.

مدارکی که باید بیوست این در خواست باشد عبارتند از:

- گولی فوت متوفی.

- گواهی مالیات بر ارث از اداره دارایی.

- خودکشی شناسنامه ورثه.

سؤال: قیم به جه کسی می‌گیرند و اصولاً برای جه کسانی قیم تعیین می‌کنند؟

پاسخ: قیم به شخصی اطلاق می‌شود که از طرف مقامات صالح قضایی در صورت فقدان ولی خاص (اعمار ولی قهقی) با وصی منصوب از طرف وی) برای اداره امور مسخر نماین می‌شود ممکن است دادگاه، ظرفی را از پسر به قیم منصوب کند.

بنابراین در ۳ مورد نسب قیم صورت می‌پذیرد:

۱- در مورد صغاری که ولی خاص ندارد.

۲- در مورد مجانین و شخصی تغیر رشیدی که جنون یا عدم رشد آنها متصول به زمان صفر بوده و ولی خاص نداشته باشد.

۳- برای مجلدین و شخصی تغیر رشیدی که جنون و یا عدم رشد آنها متصول به زمان صفر نباشد.

منتظر پرسش‌های شما هستیم برای طرح پرسش‌های خود می‌توانید با شماره تلفن روابط عمومی نشریات مهرآفرین: ۰۴۴۹۹۷۲۷۸۸

نگیرید.

پرسک: آنکه بندان چرا جه شرایط و خصوصیاتی باشند
ستگک بر تیر کمان کوچکش
گذشت وی آنکه بندان چهار
گنجشک کوچکی را شاه
رقت پرندگانکه بالهایش
شکست و نش خوبی شد
پرندگان می‌مالت که خواهد
مردم اما پیش از همراهی
کرده و رازی را به پرسک گفت
تا دیگر هر گز صحیح چیزی را
نیازد پرسک پرندگان را مر
ستهایش گرفته بود تا شکار
زاره خود را تملک کند اما پرندگان
شکار نیوید پرندگان بود پس
چشم عرضش پرسک را خواست
و گفت کاشن می‌دانست که
زهی پرندگان است زده‌اند، که
یک حلقه اش مرخت است و
یک حلقه اش پرندگان یک حلقه
ان اسن و یک حلقه ستگ
ریزه حلقه ای ماد و حلقه ای
خوشید و هر حلقه مرد
حلقه ای دیگر است و هر حلقه
پاره ای از زهی. و گفت که
در این حلقه نیاشد و چیزی
که غر این زهی پرندگان کشیده
وای اگر شاخه ای را بشکنی
خوشید خواهد گرست وای
اگر ستگ ریزه ای را نشیده
پکشید، ماد تب خواهد کرد
وای اگر پرندگان را پایه از
اسنان خواهد مرد زیاره
حلقه را که بشکنی از زهی را
گسته ای و تو ام زیاره زهی
خاندند پاره کردی پرندگان
این را گفت و جان ماد و
پرسک آنقدر گرست تا
عافست.



تبهای وجود ندارد که دارای سرافیبی نباشد! (ضرب المثل ولزی)



سازش تکان دهنده از مناطق محروم پندر عباس و سیرجان

فقر تمام عیار و دیگر هیچ...

در نگاه همه آنها یک چیز مشترک است: شرم... شرمی که موجب می شود تا در نگاه زن و بجه شان چشم نموزند. شرمی که مردانگی آنان را زیر سوال می برد. شرمی که سرهاشان را به زیر می افکند. شرمی که از پشت دریجه دورین مهر آفرین هم دیده می شود.

دورین مهر آفرین این بار به پندر عباس و سیرجان رفته است. به روستاهای دورافتاده سرزمین جنوب. به قلب فقر... جایی که فقر با تمام نیرویش به صورت مردمان سیلی زده است. جایی که شدت خشونت فقر، جایی برای اظهار نظر درباره هیزانش نگذاشته است.

دورین مهر آفرین خانه به خانه بین گپرشنیان جنوب می چرخد و به خانه آنانی سر می زند که مهر جوش شده‌اند. اما این خانه‌های خراب و این خانه خرابان، چند در صد همه‌اند؟!



دیوارهای تیره سیمانی؛ و تو داری بهترین دیواریوشن را برای خانه جدیدت
انتخاباب می کنی، سیم های زنگ زدهای که عنوان جاظرقی گرفته‌اند،
قابلمهه‌های کج و معوج، ظرف‌هایی که حتی حداقل آن وجود ندارند، چون
غذایی وجود ندارد، و تو داری از بین تبلیقات مجلات لوکس سرویس
چیتی و قابلمهه حرفهای و... انتخاب می کنی.

خرج آنان کنی؛ اما آیا از خودت می برسی این «رفع» عذاب و جدان تو
یعناد ازه «رفع» نیاز او هست؟!

بیخش که اینقدر بی رحمله و طلبکارانه با تو سخن می گویند؛ اما
تو آن فیلم را هنوز ندیدهای نا حاضر شوی عالم و آدم را زیر سوال ببری
که چرا؟ چرا باید در مملکت من نوزادی گرسنه بخوابد و من باقیمانده
قدایم را دور ببریم؟ و بگویند: «خبا! این ماه ۱۰ هزار تومان صدنه داده ام
الحمدله که وظیقه ام را در برای همنوع انجام دادم!»

دوربین مهرآفرین می چرخد؛ تو هم با آن بچرخ و قیاسی کن. ذنی
داخل خانه اش را نشان می دهد و با چهره‌ای تمگین می گویند «این وضع
زندگی من است».

دیوارهای تیره سیمانی؛ و تو داری بهترین دیواریوشن را برای خانه
جدیدت انتخاب می کنی، سیم های زنگ زدهای که عنوان جاظرقی
گرفته‌اند، قابلمهه‌های کج و معوج، ظرف‌هایی که حتی حداقل آن وجود
ندارند، چون عذایی وجود ندارد، و تو داری از بین تبلیقات مجلات لوکس
سرویس چیتی و قابلمهه حرفهای و... انتخاب می کنی.

یخچالی که در گرمای بندرعیس وجود ندارد (باور کنید سیاری از
آن بچال نداشتند) و ای تو داری کم کم عادت می کنی که به یخچال
بگویند «ساید» پنکه و کولری که در گرمای ۴۰ درجه بندرعیس وجود
ندارد، و تو روی مبل راحتی خالمات جلوی سرمای مطبوع کولر گازیات
نم داده‌ای.

اجاق گازی که گازی ندارد و اصلاً بود و نبودش چندان تفاوتی
نمی کند چون مگر چند وعده در هفته می شود عذای گرم خورد سفنا
که با چوب و علف پوشانده شده، و تو به ذکر گنج بری های جدید سقف
خالمات هست.

کاش شرم را در نگاه آن پدر می دیدی و قنی دختر جوانش می گفت
که برای استحمام به خانه همسایه‌ها می برد و استعمال را در نگاه پیرزنی
که مجبور بود در کثار منبع آب در حیاط بی دیوار خانه اش هر سه
هفته یک بار حمام کند و از این که بضم و قتها مردان نلحرم او را
می بینند گله می کرد و کلاهگی را در نگاه زن جوانی که با شوهر، بادر
شوهر و زن بادر شوهر و مادر شوهر بیوه اش و ۵ بچه در یک الاق سه
در چهار زندگی می کردد ۱۰ نفر در یک الاق سه در چهار آن وقت تو
برای این که از الاق خواب به آشپزخانه‌ها بروی، آنقدر باید راه بروی که
خسته شوی و گله کنی که از پس گردگیری خاله بزرگت برلمنی آیا
باید بدانی که کمیته امداد به همین خالواده ده نقره هر سه ماه ۱۰۰
هزار تومان کمک می کندا این خالواده مهرجو تحت پوشش مهرآفرین
است و تبریز از خواروبار و بوشک، دختر خالواده ماهی ۶ هزار تومان از
مهرآفرین برای هزینه سرویس مدرسه از مؤسسه می گیرد تا بتواند به
تحصیلش ادامه دهد.

فاطمه ۲ ساله عضو کوچک این خالواده است و با صدای مصمم

در نگاه همه آنها یک چیز مشترک است: شرم. شرمی که موجب
می شود تا در نگاه زن و بجه شان چشم ندوزند، شرمی که مردانگی آنان
را زیر سوال می برد شرمی که سرهانشان را به زیر می انگند شرمی که از
پشت در بچه دوربین مهرآفرین هم دیده می شود

دوربین مهرآفرین این بار به بندرعیس و سیرجان رفته است. به
روستاهای دورافتاده سرزمین جنوب به قلب فقر... جانی که شدت خشونت فقر،
جانی برای اظهار نظر درباره میزانش نگذاشته است.

دوربین مهرآفرین خاله به خاله بین کپرنشینان جنوب می چرخد و
به خاله آنانی سر می زند که مهربویش شده‌اند. اما این خانه‌های خراب
و این خانه خرابان، چند درصد هم‌هستند؟!

با دوربین مهرآفرین می توانی به خاله آنان بروی و تصمیم بگیری
برای رفع عذاب و جدان خودت هم که شده، کمی از مزاد درآمدت را

کنه قلم سردبیر

۴۵

کودکی که امروز ملتمسانه شیشه های پلاکشیده دودروی شمارا را پاک می کند. شاید فرد این تصادب دودروی تان تفعیل گردد. همین امروز او دود و جامعه مان را نجات دهیم

دارد دوچرخه داشته باشد.

حال نوزاد بی دفاع کوچولو از پنجه مادر بزرگ پایین آمده است. مادر بزرگ با قابلیتی بزرگ در دست وارد حیاط می شود. توه ۲ ساله اش نیز تابانه خودش را به لو می رساند. دو دستی گوشش قابلیم را می گیرد و پایین می کشد. هرجه قابلیم را پیشتر پایین می کشد، دورین مهرآفرین پیشتر می تواند از داخل قابلیم فیلم بگیرد، اما چیزی دیده نمی شود. دورین به نه دیگ می رسد، یک لایه تازگ شاشته چوشه شده! فقط همین این تمام غذایی است که مادر بزرگ می تواند در طول روز آن هم فقط یک وعده به نو های قد و تیم قش بدهد تا از گرسنگی نمیراند. کودک روی پنجه های کوچک کم جاشن بلند می شود تا قش را به قابلیم برساند. مادر بزرگ دارد با ما حرف می زند و باید این قوت لایمود را بین بجهها به درستی تقسیم کند بغلایین قابلیم را به کودک نمی دهد. دورین مهرآفرین روز کودک زوم می کند. او همچنان بیانه می گیرد و نقلای می کند. دستالم را در هم می فشارم و خودم را مت می کنم به خاطر همه تغذیه ای که از سر شکم سیری دور رفته ام و به خودم می گویم که باید بابت همه اسراف هایم حساب پس بدهم. دیگر نمی خواهم بگویم: «تو به جای دو نفر برای ده نفر تنبا می بزی». در

کودکانه اش می گوید که دوست دارد مامانش برایش کیف و کفش بخرد باید بدایی که پنکه این خانواده ده نفره در همان آفاق کوچک سوخته است. آن هم در گرمای بندرعباس که مقعر آدم را به جوش می آوردا

کاش می دیدی لمنا را در تگاه پدری که در ۱۰ دقیقه مصالحه اش. صد دقمه گفت به من نه، به بجه هایم کمک کنید. یک زیلو در حیاط خانه پین کرده و دو پرسش روی آن نشسته اند. یکی مملو است و توان کنار زدن مگس های روی چوشه را هم ندارد و دیگری آب مروارید دارد. پسرک مملو شنی توبی تپ می سوزد و لو می گوید که هزینه دکتر بردن او را ندارد. زنش از این وضیت به تنگ آمده و ۶ سال پیش او را با بجه اش نهان رها کرده است. می گوید که زیر زلوبایش خالی است و نمی تواند کار سنگنی بکند و بجه هایش هر شب سر گرسنه زمین می گذارد. می گوید که کارگری می کند اما یک روز کار هست یک ماه نیست و اگر شغلی داشت نمی گذاشت بجه هایش اینطور خواری بکشند.

می نالند «من می سوزم وقتی بجه هایم را می بینم». سوزش جمله لو تا مقر لستخواشم می رود و با خودم فکر می کنم که اگر شنی کودک مقصود من هم سر گرسنه زمین بگذرد، از تخصه، صبح سر از پاش برخواهم داشت جوان است ولی می گوید: «آینده من که خراب شد بجه هایم را نجات دهید». آن دیگری دختر جوانی است که با مادرش زندگی می کند. نگران مادرش



بهترین رستوران ها می ملنی که چه سفارش بدھی.

برای کودکت بهترین تغذیه ای کمکی را می خری. آنقدر عتلای می خوری که شب کاپوس می بینی و بعد می روی کلاس بادی بیلدینگ نا روی فرم بیانی. اگر دو روز عتلای تکراری بخوری زمین و آسمان را به هم می بزدی. یا...». اقما نمی خواهم بگویم؛ چون می تائیم اگر وجودان داشته باشی، حداقل کمی به این کودک گرسنه فکر می کنم.

دیگری کنار شوهرش ایستاده شوهری که

لست که بیماری قلبی دارد و هزینه عملش ۱۰ میلیون نومان است. ولی تو خیالت راحت است که اگر خار به پای دورین به نه دیگ می رسد، یک لایه تازگ عزیزانست برود می توانی در بهترین بیمارستان ها بستری شاشته چوشه شده فقط همین. این تمام غذایی است که مادر بزرگ می تواند در طول روز آن هم فقط یک وعده به توه دوین مهرآفرین روی چوشه پرزنی زوم می کند. در طول روز آن هم فقط یک وعده به توه صدایش آنقدر پیر به نظر نمی رسد، اما چوشه چروک های قد و تیم قدش بدهد تا از گرسنگی های عصیانی دارد نو شیرخوارش را بین کرده و می گوید تهیوت.

که ۵ بجه دخترش و ۲ بجه خودش را با کلقتی و کارگری در خانه های مردم سیر می کند. پدر بجه ها مستاد است و

مادر آنها هم ول کرده و رفته شوهر خودش هم فوت کرده است.

نوزاد را که مگس های روی چوشه وول می خورند نوی بفلش جایجا می کند و می گوید: «او همیشه گرسنه است و نمی توانم چیزی برای خوردن او نهیه کنم» به نو هایش که نورش را گرفته اند اشاره می کند و می گوید: «به زور یک وعده عتلای پیدا می کنم که شکم شان را سیر کنم». با ایس و نالبیدی چشم هایش را ننگ نمی کند انتکار که به نهضش فشار می آورد و ادامه می دهد «اینها هم سریوش شان مثل ما می شود». نو ۴ ساله اش کنار حیاط ایستاده است.

عروسکش را محکم به آتش می فشارد و از آزویش می گوید که دوست

لکیه گله نیست. بیمار است و نو با کارگری روی زمین کشاورزی مردم، هزینه داروی مرد را تأمین می کند. مرد با یقه ای تسمیه باز و دستانی آویزان و شله هایی فروفتاده به زمین چشم دوخته است، شله هایی که شاید زنش دوست می داشت مرحم گریه ها و تعصمه هایش باشد، اما او نویان کشیدن خودش را هم ندارد از ده متی هم می نویان شخصی داد که او بیمار است. یک پرسش هم بیمار است جلوی در اثاقی ایستاده است که بیشتر شباخت به... بگزیریم.

خانه او هم نه یخچال دارد و نه کولار. دخترش سقف خانه شان را نشان می دهد که با ایرانیت و خاشاک پوشیده شده است. می گوید که وقتی بدان





اش کردم، پخته و ملوب سخن می‌گوید: «خواهم به مهرآفرینان بگویم مثل ما در این مملکت خبیزی زیاد است. زندگی در این شرایط بیش از انتظار سخت است. از مهرآفرینان می‌خواهم نا در توان دارند به امثال ما کمک کنند. چطور می‌شود بدون آب و برق و غذا زندگی کرد. آخر یک دختر بزرگ مثل من نیاز به پیدا شست دارد و لی من فقط می‌توام هر ۳-۲ هفته یکبار در خانه همسایه‌ها به حمام بروم. مهرآفرین را این خالواده بیچال داده است، ولی چون مشکلات حادثی داشته‌اند آن را فروخته‌اند. دختر کوچکتر خالواده یک بونه را نشان می‌دهد و می‌گوید: «بیشتر این درخت یک چاه کنده‌ایم و آنچه توالت ماست!» دوربین به سمعت بونه می‌چرخد: «له دری نه دیواری افتضاح است و خجالت آور، اما اینظبور بیقوله‌ها هم وجود دارد.

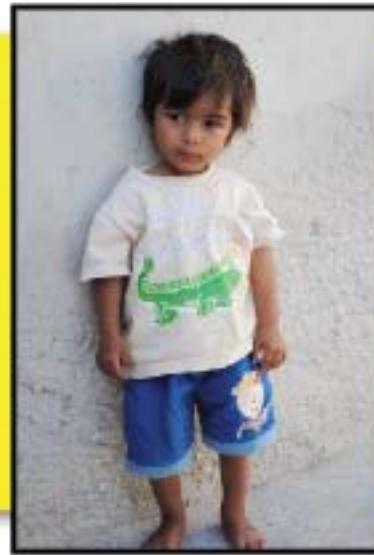
یکی از عوامل پیش دوربین که خانه به خانه ماراهراهی می‌کند، نعاینده مهرآفرین در بذریعه‌سی است. خالم سیمه اشرف هدایت زاده، که از دو سال پیش نعاینده مهرآفرین در بذریعه شده است. او می‌گوید: «ما ۲ سال پیش خودمان خیریه داشتیم ولی نداد افراد تحت پوشش ما با توجه به محرومیت منطقه خبیزی زیاد، و درآمد کم بود. دائماً در فکر و نلاش بودیم تا بتولیم بهتر خدمات بدیم. تا این که به صورت الفاقی با آقای علی شیرازیان، عکاس مهرآفرین که برای عکسی از این مناطق آمده بود، آشنا شدیم و از طریق اینشان

می‌آمد مجبور می‌شوند موقت‌های جمع کنند که باران نخورد. ۷ خواهر و برادرند که پدر کور و مادر نازاحتی قلبی دارد.

دخترش می‌گوید که مادرم با کارگری روزی ۶ هزار تومان کلسب است نا شکم ما را سیر کنند درسم خوب بود ولی مجبور شدم ترک تحصیل کنم. پدرم به برادرم هم گفته که دیگر مدرسه نمود.

دوربین مهرآفرین از کوچه‌های نیک و خاکی می‌گذرد و به خانه‌ای وارد می‌شود. دختری نوجوان در حیاط خانه ایستاده است و دختری دیگر را بغل کرده که در اولین نگاه می‌توان تشخیص داد که مبتلا به منگولیسم است. قلب دخترک سوراخ است و هزینه درمان او بیلاست و خالواده از پس آن برنسی آید. مادرشان در میدان میوه می‌فروشد. دخترک مالتی مدرسه ندارد و نیز تنابی برای خودرن.

چه می‌توان کرد وقتی پدر و مادر از عهده مسئولیت‌های خود برتنی آیند یا نمی‌خواهند برآیند؟ مادریزگ جای خالی مادر را پر کرده و پسرک بیماری را در آتشیش گرفته است. پای پسرک با چند پارچه تغیرپنهانشی بیچالند شده می‌فهمیم که پای چجه غفوونت کرده است ولی هیچ کاری برایش نکرده‌اند. پسرک ۴ سال پیشتر ندارد و روی صورتش مگس بالا و پایین می‌رود. توه‌های دیگریش هم دورش را گرفته‌اند. پیرزن شکوه می‌کند که هر ۴-۵ ماه یکبار کمیته امناد



با مهرآفرین، «وی ادامه می‌دهد: «از این طریق نوایستم خالواده‌هایی را که شناسایی کرده بودیم به مهرآفرین بپیویندیم. ما ابتدا خالواده‌ها را شناسایی می‌کردیم و سپس مدارک را تکمیل و به نهادن می‌فرستادیم. اکنون مهرآفرین ماهی ۳-۴-۵ هزار تومان به هر خالواده کمک نقدی می‌کند، البته این تغیر از کمکی است که در شرایط اضطرار به برخی خالواده‌ها می‌کند. مثلاً مخفاف بر این مبلغ برای برخی حمام و دستشویی ساخته، هزینه ایاب و ذهاب فرزندان را به مدرسه نقل کرده یا هزینه درمان را بر عهده گرفته است.»

هدایت زاده تصریح می‌کند: «مهرآفرین همچنین خواروبار، مواد بدهاشتی و پوشان آنان را تأمین می‌کند. این خالواده‌ها مشکلات اساسی مانند فقدان آب و برق و بیچال و کوله دارند و سطوح مالی خالواده‌ها سیار پایین است. بجهه‌های آنان اتفاق از تحصیل محرومند. اتفاق خالواده‌ها ماهله‌های درآمدی کمتر از ۵ هزار تومان دارند و این درحالی است که جمعیت اکثر خالواده‌ها بالاست.»

نعاینده بذریعه‌سی در پایان می‌گوید: «از مهرآفرینان می‌خواهم اگر مثل من علاقمند کمک به خالواده‌های محروم هستند، خودشان را به مهرآفرین معرفی کنند. چون مهرآفرین دلسوی و تضمیح مستمدنان است و باری آنان هم به بهترین نحو در مؤسسه مدیریت می‌شود تا به دست محرومان واقعی برسد.»

به آنها - ۱۰ هزار تومان کمک می‌کند

اینجا همه اسمی از مؤسسه مهرآفرین نمی‌برند و فقط خالم دالشور (مدیر عمل مؤسسه) را می‌شناسند. از او طوری حرف می‌زنند، انگار که فرشته نجات شان است. دختر نوجوانی در حیاط خانه جلوی دور آهنه ایستاده است که حسن می‌زیم یکی دستشویی و دیگری حمام است. دختر می‌گوید که از خالم دالشور شکر می‌کنم که بول داد تا حمام و دستشویی درست کنیم و به ما خواروبار و پوشان داد. خواهش می‌گوید خالم دالشور همه چیز به ما داده است.

دیگر عمر شده است. دوربین مهرآفرین به یک کیم وارد می‌شود. یک لامب ۴-وات و سیستم کیم سوسو می‌زند. همه چیز افتضاح است و از این بدتر نمی‌شود. دیگر نمی‌شود توصیف کرد. لاغر در یک کیم کوچک نیز هم نشسته‌اند با خودم فکر می‌کنم اینها توی این یک وجب جا چطور می‌خوابند؟ یک پنکه که سیم های آن بیرون ریخته و هیچ حفاظتی ندارد، برای خودش توی هوا می‌چرخد. خیرتگار مهرآفرین با پدر و مادر خالواده صحبت می‌کند و بعد زوم می‌کند روحی دختری محجوب که وقتی سر صحبت را باز می‌شود می‌فهمیم که در مقطع پیش دانشگاهی درس می‌خواند. هزینه تحصیل او را مهرآفرین می‌دهد تا ترک تحصیل نکند. او به انتقامی ستش و سختی روزگار که آب دیده



مو آیست، آرام و بی سر و صدا با
انگشت چند باری روی تیشه ضرب
مو گیرد تا راتنده برمی گردد و یک
نگاه سوسری به دخترک مو اندارد و
باز به تمارا ها ند از چراغ راهنمایی پل
رومی خیره می شود؛ انکار رهایی انس
را از دست التماس های مکرر دخترک
در سبز قشنگ چراغ می بیند.

۵۴-۵۵ و همین طور شماره ها کلار می دولد و
دخترک هم با آن صورت آفتاب سوخته باش برای بینکه از
سرعت بی رحمانه تابعه عقب نماد خودش را بیشتر
می چسباند به شیله و مدام التماس می کند و دسته گل
مریم را مقابل صورت راتنده می گیرد.
آن طرف از لایه لایی ماشین ها ۲ پسر بجه آکاردن
و دایره به دست زده اند زیر آواز و چهره های تمگیشان
را پشت آهنگی تمگین تو پنهان می گذند خسته مان من.
خسته مان من، مثل مرغ بال و پر شکستام من، خسته
من. از ناکسی بینده می شوم و سراغ یکی از آنها می بدم.
مرانشی می گوید بجه چهارم خلواهای ۸ لقره است که
همه خواهر و برادرهایش در همین کارهستند.
از ۷ صبح از خاله بیرون می زند و می رود زیر پل
نصر گل فروشی می کند و ظهرها و بعد از ظهر هم می آید
تجوش و شرمی دایره دستش می گیرد «آخر شب
اگر دست خالی برویم خاله روزگارمان سیاه است. تقصیر
پدرم نیست. چرخ زندگی را باید همه با هم بچرخانیم.
» درس لخواهه و به قول خودش فرصتی هم برای این
کلار نداشته و از آن وقت که توانسته روی پاپش بایستد
راهی این خیابان و آن محله شده برای بینا کردن بگ
انمه نان.

رامین هم که آکاردنون می زند صبح ها از باکدشت
می آید تهران دوره می افتد برای بینکه به قول خودش
«کلیش را از آب ببرون بکشد و در این شهر تاره دست
جلو هر کس و لاکس دراز نکند.» چراغ چند باری سبز
شده و بجه ها از کار و کاسپی شان افتاده اند دوباره چراغ
قرمز می شود و بجه ها می دولد که تابعه را از دست
ندهند. پیش خودم می گویم کلاش همه چراغ های دنیا
قرمز باشد.

فقر کودکان رایه خیابان می گشد

کودکان خیابانی از نظر کارشناسان به ۳ دسته
 تقسیم می شوند گروهی که در خیابان ها کار می کنند
 و در پایان روز به خاله برمی گردند. گروه دوم آنهای که
 خانواده را محیط تئاتری برای زندگی نمی دانند و به
 خاطر مشکلات و وضعیت میشتنی از کانون گرم خلواه
 متواری شده و شبانه روز در خیابان ها به سر می برند.

کلاش هیچ چراغ قرمزی در دنیا نبود



درس از اسلام خواهان

دایرۀ سهل، پوشیده باش
اما جویل بود گافن نا گوش
بولی شنین من یافت شنین من
که تعریف نمودن از تعلیمی هی
خوبی هر سملی و هر نیایت من
نالیه از این که کس قدر او را من
دند و متوفی پایین است
ردیز برای سلطانی به راه خان
جهه سلطانی مشغول است و کس
رامی کوکه می کند، فرمد را
منش شرمده و پیازه هر خوبی
پست و اینکه کس قدر او را من
دند و هنوز تعلیمه خوبی
وی خوبی مند و پاکد به
ایچان کل که رسید کار سلمانی
هم تمام شد.

مردی که میوش کوکه بود و
به جوان گردد و نشست
ایچان هر ملی هیگان باید
باید ایل ایلیکی گزند؟
بولن گفت (ز)
مرد کوتاه است به بولن
سیدن کشید و گفت از هر تو
قتش بیان کلش ای شد و بولن
تیکی مر عجیب ایسوسه باشان
کوچه و پراز فرقی نداری.
چون ز دودو شد چونکه
اسد سلمانی پرسید که پید که
لیچن گلشاه باش سخن
گفت؟
لند خندیده و گفت سالاری بیان
ایسلام خراسانی چون ازینه و
گفت لی حق با ایوید من بیش از
دری نوع هسته
کنیدنیکه کشیده ای ز
دریک من گردید، آنچه بسته
خواهی ایوه فراز از بعزم و زسته
نموده بوده.
ایسلام خراسانی بالین سرفه ان
چون ایوقت هر یعنی کارهای
لرزش تعارف و هنرمه بیکار و بیس
نم هم با کنای فرقی ندارد.

مهرآفرین از مردم
عزیز تقاضا دارد که
ابتدا دیدگاه خود را
نسبت به این کودکان
و خانواده‌های شان
عوض کنند و سپس
با درک نیاز اجتماعی
به یاری این کودکان،
به خانواده مهرآفرین
بپیوندند تا این
کودکان خود را آنها
و بسی یاور احساس
نکنند.

• انجام دهد. این مؤسسه، کودکان بدمیرپرست را
مورود حمایت قرار داده است که بخشی از آنها
کودکان خیابان هستند.

همانطور که مذکور است، چند تهداد دولتی از
کودکان بی سرپرست حمایت می‌کنند و در

نتیجه مساوی از گفایت این حمایت، این کودکان
ماعنی برای هواجهه دارند و حتی بیشتر مؤسسات

خصوصی تیز به حمایت از کودکان بی سرپرست
می‌بردند. در حالی که هنوز تعی توان متعی شد

که کودکان بی سرپرست به سامان و سیده‌هایند، به
این جمعیت آسیب پذیر، کودکان بدمیرپرست هم

اقبال شده‌اند که هیچ ملجاً و پناهگاهی تدارد.

مؤسسه مهرآفرین با علم به این خلا و تیاز
عیرم اجتماع به حمایت از کودکان بدمیرپرست.

حمایت از این گروه را رسالت خود قرار داده است
کودکانی که به جرم داشتن پدر و مادر (۳) هیچ

تهدادی از آنان حمایت مالی تعی کنند و این در حالی
است که گاهی داشتن پدر و مادر، خود هزینه‌ای

بر هزینه‌های زندگی این کودکان می‌گذرد! برای
مثال در خانواده مهرآفرین کودکانی به چشم

می‌خوردند که برای تأمین هزینه‌های زندگی پدر
و مادرشان بیشتر کار می‌کنند. پدر و مادرانی که

بیکارند از کار اعتمادهایند، پیرترد، بیماراند، معتادند
و... والدینی که کودکان تعی شان تان آور

خانه‌اند. والدینی که بودن شان باری بر دوش
فروزاندن شان است. والدینی که بودن شان، مانع

حمایت تهدادهای دولتی از قریاندن شان شده
است!

متأسفانه دید اجتماع هم درباره این کودکان
محمول‌بیماری و رحاحه است. بیشتر مردم (همان

مردمی که به کودکان بی سرپرست تکاه حمایت
دارند) از عویضی به حمایت از کودکان بدمیرپرست

تعی دینند و والدین آنها را مسؤول تأمین مالی
کودکان شان می‌شنند. این طرد شدگی از همه

چا، دید این کودکان را به اجتماع شان خصمانه
می‌کند و تاخود آنها بیماری از آنان به تکر انتقام

از اجتماع در آینده می‌اتند. بزه و خلاق، اولین
مولود طردشگی و تفکر خصمانه است.

مهرآفرین در حد و توان خود به عنوان یک
مؤسسه خصوصی، سعی گرده که این کمود

را جبران کند و به یاری این کودکان بستاید

کودکانی که اغلب از خانواده‌های آبرودار هستند

که از قضای روزگار والدین آنها به قتل، بیماری،

بیکاری، معلویت و... دچار شده‌اند.

دسته سوم لیز کودکان مطرودی هستند که والدین
و خانواده مشخصی ندارند و برای بقا و تأمین معاش
خود کاملاً به خیابان‌ها متنگی هستند یک بلوهشگر
مسایل اجتماعی، بدبده کودکان خیابانی را سلول فقر
و لهیستی خانواده‌ها بیان می‌کند و می‌گوید: «کودکان
خیابانی امروز، جزئی از مجرمان بالفضل آینده جامه
هستند».

محمد سیدحسینی، با بیان اینکه کودکان خیابانی
مولود ناپسالی و اختلالات فردی، خانوادگی و اجتماعی
هستند، ناکید می‌کند: «بدبده‌های اجتماعی، ناپر
مستقیمی بر خانواده‌ها داشته و مسابیل همچون فقر

زمینه‌ساز افزایش آمار کودکان خیابانی در جلسه است.
وی، با اشاره به اینکه زندگی خیابانی، زمینه‌ای برای

یادگیری بزهکاری است، بدانلوری شود: «یادگیری
رفتارهای خلاقه از بیانی در زندگی آینده این دسته

از کودکان خواهد داشت.» این پژوهشگر، ارتقای سطح
آگاهی خانواده‌ها در خصوص فرآهم آوردن محیط عاطفی
مناسب برای زندگی فرزندان و لوجه به نیازهای روحی و
روانی آن‌ها از جمله راههای پیشگیری از بروز این بدبده
زشت اجتماعی بیان می‌کند.

طرح‌هایی که به سراج حمام نمی‌رسد

در اولین نکاه، سوالی که به ذهن متبار می‌شود
این است که این کودکان از کجایی آیند و به کجا می‌روند
قطعه آغاز روزشان کجا است و مامن و پنهان‌کاهشان کجا؟
بول حاصل از رفت و آمد بین ماشین‌ها و نشستن کتاب
پیامرو را به چه کس یا کسی می‌سازند؟

پاسخ سوال اول را کسی دریمی‌پایند که اگر بر
حسب الفاق صحیح خیلی زود در خیابان تردد کنند
و انتهایی را می‌بینند که ایوه‌ی از کودکان خواب‌آلود
را روی هم مانند بسته‌های سنتی ایشاند تا به مقصد
یمنی محل کارشان برسانند و در آخرین دقایق شبانگاه
با لکر راه پیموده شده است: چهره‌های خسته، گرسنه
و خواب‌آلود کودکان. پاسخ سوال دوم بیرون گردید به
خلواده‌ها و یا سرپرستان این کودکان خیابانی.

در سال‌های گذشته، شاهد طرح جم‌آوری
متکدیان و سالمانه‌ی کودکان خیابانی بودیم که المدای
از آنها همشهری محسوب می‌شوند و برخی دیگر
میهمانان خانواده کشوه‌های همسایه متولیان این امر از
بیزیستی گرفته تا کمیته اسناد و یا سایر دستگاه‌های
اجرازی، بکنیدگر را به کم‌تجهیزی در مسولیت‌شان عدم
لخصوصی اعتبار، عدم اجرای صحیح و اصولی طرح متهم
می‌کنند و درین آن هنوز که هنوز است له طرح به شور
رسیده و له کودک خیابانی سلامن یافته است.

»»» مهرآفرین چه می‌کند؟

مهرآفرین یک مؤسسه خیریه خصوصی است
که قرای مسؤولیت‌هایی که برای تهدادهای دولتی
مربوط تعریف شده، سعی دارد وظیله اجتماعی
خود را در قیال کودکانی که از همه جارانده شده‌اند

چگونه با سرطان مبارزه کنیم؟

ب. تیر باعث می شود که بدن بخصوص در سیستم گوارش (معده و رودهها) مخاط درست کند سرطان از مخاط نفایی می کند باقطع مصرف شیر و چاشین کردن آن با تیر سویا سلولهای سرطانی در برابر بی تغذیگی قرار می گیرند

ت. رژیم با ۰۴۰۰ سبزیجات تازه و آب میوه و بیتشن، دانههای تباتی، اجیلها و مقداری میوه بدن را در محیط قلبیایی قرار می کند رعنایی بخته شده شامل بیتشن، خلود - آترصد می اواند به بدن بررس آنزیمهای زنده در آب سبزیجات لازه به آسانی جذب می شود و ظرف ۱۵ دقیقه به سطوح سلولی می رسد تا سلولهای سالم را رشد کافی دهد و تقویت کند برای بدست آوردن آنزیمهای زنده بمنظور ساختن سلولهای سالم کوشش کنید آب سبزیجات لازه (سبلایری از سبزیجات از جمله جوانه لوبیا) مصرف کنید و دو ناسه مرلبه در روز مقداری سبزیجات خام بخوردید آنزیمهای در حرارت ۱-۴ درجه فارنهایت (با ۴۰ درجه سلسیوس) از آن می روند

ب. سلولهای سرطانی در محیط اسیدی مقاوم و پایدار می شوند

رژیم مبتنی بر گوشت قرمز اسیدی می شود و بهترین آنست که ماهی چاشین گوشت قرمز شود و بجای مصرف گوشت گلو مقدار کمی گوشت چوجه بهتر است گوشت قرمز همچنین محتوی آنتی بیوتیکهای دائمی هورمون های رشد و اثکل است که بخصوص برای اشخاص مبتلا به سرطان آسیب رسان است

الف. قند تغذیه کلته سرطان است

با قطع مصرف قند یک عامل مهم نامیں اقلال برای سلولهای سرطانی قطع می شود چاشین های قند نظری NutraSweet، Aspartame، Equal، Spoonful ساخته می شود و وزن آور است یک چاشین طبیعی بهتر عمل ملوكا با ملاس ناشی از قند سازی است لیکن مقدار مصرف آن باید بسیار کم باشد لعک سفره دارای افزودنی شیمیایی است که رانک آنرا سفید کند چاشین بهتر لعک سفره نعک حاصل از آب بذریا و یا Brag>saminos است

ت. از خوردن قهوه، چای و شکلات که دارای کافئین زیاد است پرهیز کنید

چای سبز چاشنی بیتر و دارای خواص ضد سرطان است بهترین لوشیلنی آب است برای جلوگیری از ورود توکسین های معرف (مواد سمی) و فلزات سنگین در آبیهای لوله کشی به بدن مصرف آب تصفیه شده یا فیلتر شده مناسب است از خوردن آبیهای قطعی شده پرهیز کنید

ج. بعضی مکمل های Flor-IP6،

ssence، Essiac، anti-oxidants، vitamins، minerals، EFAs etc سیستم ایمنی را بهبود می بخشند و سلولهای مبارزه کننده و گشتنده خود بدن را برای از بین بردن سلول سرطانی تقویت کنند مکمل های دیگرانظیر ویتامین ای (E) لوان برلنامه ریزی گشتن سلول یمنی روش معمولی خلاصی یا گتن از سلولهای آسیب دیده، تیر ضروری و تیر لازم بدن را درازد

ج. هضم پروتلین گوشت قرمز سخت است و نیاز به مقدار زیادی آنزیم گوارشی دارد گوشت هضم نشده که در رودهها باقی بماند فالس می شود و مسمومیت ایجاد می کند

ج. دیوارهای سلول سرطانی درای پوش پروتلین خشن است با صرفنظر کردن از خوردن گوشت یا کمتر خوردن آن آنزیم بیشتری برای حمله به دیوارهای پروتلینی سلول سرطان آزاد می شود و به بدن امکان می دهد سلولهای سرطانی را از بین برد

د. سلولهای سرطانی در محیط حلوی اکسیلن لوان مادرن تدرند ورزش روزانه و تنفس صمیق باعث می شود که اکسیلن به لایههای سلولی بررسد اکسیلن در مانی روش دیگری برای از بین بردن سلولهای سرطانی است



تیم با انگیزه و پر قلاش فوتسال مهرآفرین حامی می خواهد



آفرین جاودانه باشد بینگرانی گزارش، تیم فوتسال مهرآفرین در اینجا با مشکلات فراوان از جمله نبود سالن ورزشی مواجه بود که تا حدودی مرفاق شده است.

مهرآفرین از ورزش دوستان و جامسه ورزشی ایران تقاضا دارد، لازم است تیم خوش آئیه حمایت کرده و در صورت امکان اسپاپسر این تیم شوند جذب اسپاپسر برای این تیم نه فقط کاری خبر است که نزد پروردگاری بی پاداش نخواهد ماند.

اینجا فقر را به طور مساوی تقسیم کرده اند!

است او هم مثل سعیرا شهریه بیشتری می خواهد نا واحدهای بیشتری بگذراند بین از زهرا نوبت به خواهر او من رسید. مریم قایله دانشجوی دانشگاه تهران رشته کارآفرینی است. مریم سال قبل از این که آین رشته را قبول شود در رشته مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران قبول شده بود. اما به دلیل این که کاریه سفر به تهران برای ثبت نام را نداشت. موفق به ثبت نام نمی شودنداشت ۰۰۱-۰۰۰ هزار نوبت هرینه سفر تا تهران موجب می شود که مردم یکتال از تحصیل بازماند و موقتی بزرگ قبولی او در دانشگاه تهران هدرشود و قبض مهرآفرین این قبیه را می فهمد از اول حملات می کند و بمال بعد او در همان دانشگاه و این بار در رشته کارآفرینی پذیرفته می شود او من گوید که کمکهای کمیته امداد کمتر شده است و همان میزان کم هم دیر به دیر و ازین می شود. او محتضر است که باید ۳ نا اطلس را روی کاغذ کلاسه چاپ کند که هرینه اش خیلی زیاد است و از مهرآفرین می خواهد که در این خصوص به صورت فوق العاده کمکش کند.

نشسته است من گوید که اول بینامت و پسرش هم سو، نهایه دارد. مهرآفرین ۰۰۰ هزار نوبت برای ساخت حمام به بیمرده کمک کرده است همچنین خرج تحصیل پسرش و همسرش سرویس مدرسه را هم تأمین کرده است. خانه او هموز آب اوله کشی ندارد و در نتیجه هزار حمام راه بیتفاوت است. مهرآفرین برای پسر نوجوان او به تازگی کفش و یک دورچشم زیبا خریده است. سعیرا صمدی دانشجوی فرم چهار فاسمه است که مثل همه خوارویل و پوشک دریافت می کند و مشکل برآن هرینه ایاب و ذهاب به دانشگاه و شهریه های دانشگاهش را هم از مهرآفرین می گیرد از مهرآفرین می خواهد که شهریه دانشگاهش را بیشتر بپردازد تا بتواند واحدهای بیشتری یکپرسدا لاما در عین حال می افزاید که اگر همین کمک های مهرآفرین نالا ان نبود، مجبور می شد از کتحصیل کند پدر و برادر سعیرا فوت کرده اند و سربرست لو مادرش است. دوربین مهرآفرین به سراغ زهرا قایله می رود او دانشجوی فرم ۴ رشته حقوق دانشگاه شازند

هندودرا شاید بسیاری تام آن را نشنیده باشند هندودر کجاست؟ نمی دلم. احلاً جه فرقی می کند. همین که ندایی کجاست خوب است. چون آنوقت به خاطر خواهی سپرد که مثل هندودر، مناطق زیاد دیگری وجود دارد که در آنجا فقر به طور مساوی بین اهالی آش تقسیم شده است. امروز همه در مهرآفرین جمیعت نمایندگی هندودر. هم برای گرفتن خوارویل و هم برای مصاچه با خبرنگار مهرآفرین نماینده مهرآفرین در هندودر توضیح می دهد که مهرآفرین از رسته های اطراف ۹۰ نفر بذیرش داشته است و ملسمه تأمین خوارویل، مستمری و هزینه تحصیل بجهه ها را به عهده گرفته و اکرلیاز باشد در موارد اختصار تأمین سایر هزینه های مالند درمان و تعمیرات ساختمان را هم عهده می گیرد. وی تأکید می کند که همه این حمایت ها برای این است که والدین مجبور نلوبند فرزندان شان را از تحصیل منع نکنند. چون تحصیل بجهه ها در مهرآفرین اولویت اول است. او به بیمردمی اشاره می کند که گوشه انان



دورین مهرآفرین چهره زنی را می‌گیرد. از قیافه او می‌توان حدس زد که خبلی شاکی است. می‌گوید که شوهرش ولش کرده و زنی دیگر گرفته است. دو دختر و دو پسر دارد که پسرانش درس نمی‌خوانند و در تهران کار می‌کنند. با همان لحن شاکی تقاضا دارد که مهرآفرین براپیش یک خاله هرچند خبلی کوچک قراهم کند تا بتوان مستقل با دخترانش زندگی کند. چون هر روز بین تن با هویش دعاست. می‌گوید که او هر روز زندگی من را به هم می‌ریزد و هر روز با هم دعوا داریم. هر کدام از اینها مانند ما یک قصه زندگی دارند. دریچه دورین به سمت زنی لاکرانام و نگیده می‌چرخد. او خودش را قبل آتش زده ولی زنده مانده است. مهرآفرین ۲۰۰ هزار تومان بایت درمان او پرداخت کرده است. شوهرش کارگر است و دو پسره دارد که هر دو هوش شان خوب ولی درس شان ضمیف است. او علت درس ضمیف بجهه هارا پدرشان می‌داند که در همان اتفاق کوچکی که دارند دائمًا تلویزیون روشن می‌کنند و نمی‌گذرد بجهه ها تمرکز کنند.

زنی دیگر اظهار رضایت کامل می‌کند و می‌گوید: «قیافه از خواروبار و پوشک و تأیین سایر موارد ضروری، ماهی ۵۰ هزار تومان به ما کمک می‌کنند. من این دو سال که تحت پوشش بوده ام هیچ مشکلی نداشته ام».

دیگری شوهرش کارگر گچگار است که یک چشمش را از داده او هم می‌گوید که همه جور کمکی به ما کرده اند. پول و خواروباری که به ما می‌دهند، کافی است. دو نابجه دارد یکی شش ساله و دیگری یک ساله. مستاجر است و آرزو دارد خانه ای از خودش داشته باشد که دیگر مجبور به اجراء دادن نیاشد.

دورین در میان مردان، چهره مردی میانسال را می‌گیرد که کشلوز است. بجهه اش امور مغزی داشته و تاینست. یک میلیون تومان هزینه کرده ولی پرسش خوب نشده است.

زنی دیگر ۳ نابجه دارد. پسرش نراحتی قلبی دارد و دخترش نراحتی ریه و خودش هم رمالیسم. خرج درمان هر سه نفر را مهرآفرین نقیل کرده و نیز هزینه تحصیل و سرویس مدرسه پسر و هزینه تحصیل دختر را. او هم راضی است و کمک های مهرآفرین را کافی می‌داند.



هزار پلاستیک
نگاره شاگردی
راهنمایی همراه خود خواست
که پیش به درس به یاد
می‌مندم بدنه
راهنمایی از اینها خواست
که بعده نمک رو بپاره بشیش
یعنی به متخته اینها نمک رو
داخل لیوان نمی‌بریم ریخت
و پلک خواست این اب رو سر
پنکه.
شاگرد فقط توتست به جرمه
کوچک از اب داخل لیوان رو
پخوه، اینم پیشست.
لستگری بسید: هزار چطور
بود؟

شاگرد پلکی داد:
به جوی شود و کند، اسلا
نمیشه خودمش
بهم خواهش از اینها خواست
به متخت اینک برداهه و اینو
نمی‌خواهی که، رفته تاریسین
کنل هر چیزه، استاد چیزه
خواست تائمه که را داخل
هزارچه ببریم، بعد به لیوان اب
از هر چیزه ببریم، اینکه به لیوان اب
شاگرد و اینها خواست و داد مت
چوشه، شاگرد نراحتی تمام
اب داخل لیوان رو سر کشید.
لستگر اینها همراه خود از اب
داخل لیوان رو بسید شاگرد
پلکی داد: کلام معمولی بوده.

پس همین گفت:
زمجه و سختیه که اسل
در طول زندگی با آنها داشته
میشه عجیبن به متخت نمکه
و اسلام این روح و قدرت پیش
الله که هر چه بزرگتر و
ویسیتر شه، میتوانه باز این
حمه روح و اندوه رو را راحتی
تحمل کنه، بظایین سی کن
یه هر یا بشی نایه لیوان اب

صدیقه و پدرش نتوانسته اند در دفتر تعاونیتگی مهرآفرین حضور پیدا کنند؛ چون صدیقه عقب مانده ذهنی - جسمی و لشنجی است. او زیر نظر دکتر است و اتکل هزینه درمان او را مهرآفرین تأمین می کند. پدرش گله می کند که بهزیستی هیچ کمکی به او نکرده است. مؤسسه همچنین برای شان آنکرمنک و یخجال خریده و پوشک صدیقه را هم می فرستد. این بار که مؤسسه از صدیقه سرزده، برایش لباس نو خریده و به تن او می کند دوربین مهرآفرین به خانه دیگری می رود خانه جالیازی که آرایشگر است. خانه او شباهتی به خانه ندارد آب از سقف چکه می کند و می گوید که نمی تواند کار سنگین انجام دهد. کار و کلاسی شن هم خوب نیست و از هیچ اگلی به او کمک نمی کند. شکایت می کند که پرسش مطلع است و در ماء باید چند آبول بزند ولی فقط دو تا می زند. مرد موافق و عزممندی است و می گوید به دلیل درآمد پایین دچار اختلاف خانوادگی شده و همسرش او را ترک کرده است. به همسرش حق می دهد که ثاب و تحمل این وضیعت را نداشته باشد. جالیاز شیعیانی ارش است و دو قدم که راه می رود به قدم سوم نمی رسد که حالش بد می شود دوربین مهرآفرین با چندین نفر دیگر هم مصاحبه کرد که مجال شرح حال آنها نیست. اینان هم وطنان ما هستند که از بد روزگار دچار قصر و فلاکت شده اند و وظیفه ماست که نام توالتیم به ایشان کمک کنیم تا همه در کنار هم زندگی خوبی داشته باشیم چرا که زندگی خوب حق همه ماست.



وازخوشی‌خانی

روزگاری مردم
ملطف و شکری می کرد او
مشتمل تمام متن بود راه
خواسته را بین او روز و شبگان
چنان شد و همان کرد نادرنی
بایگانی از اولیان خداویا مردمی
اشتاد

یک روز همچنان که دعا می کرد
تلخی به او گفت بدجلانی بوده
آن جا مردمی را میخواست کرد که راه
ستیت و خداوند را شناس خواهد
داند مرد وقتی این تلا را شنید
ایشان را مسیر را شد و به چاله که
به او گفته شده بود رفت مران
چنان میدن مردم سکه متوالی و
قیمت با پالرمهای متبرس و بالغی
شک اویه، متوجه شد

مرد آن طرف را کهلا نکند کرد
ما کس دیگری را نمیخواست
به مرد فتیه رو کرد و گفت
روز شما به غیر مرد فتیه به

لاری پالخ داد چیزی روز
دری کنایت شدایپیں مرد فلامل
گفت خواهشند او را خواهدست
کنده مرد فتیه پالخ داد
فرج گله بیخت بوده‌ام»
لهم مرد فلامل پیشتر شد
حصیت سویش بالایش»
مرد فتیه پالخ داد فرج گله
حکم کشیده مرد فلامل

گفت فرج سر منی اور
خواش من کنم پیشتر زیره من
وطیح تهدیده مرد فتیه گفت
با غوشتمانی لین کلاره امن کنم

تو رویی خس را بوله ایز کردی
مرحال که من هرگز روز شری
شکام زیرا بر همچنان خدا را
ستایش کنم اگر باز بپندیم
ظرف اگر خوب بپندیم

من همچنان خدارم برسه اگر
اعضو شو و هم انسان نوسم
نبلند باز خدا را استیلی من کنم
واز او بیلی می خواهم بپلنی

هر گله روز شری شکام
تو بوله خوشیتی لز کرسی
در حال که من همچوی بچشت
شکام زیرا همیشه هر گله
شکام میخیل بوله و من نمک
هر گله که خدا میزی بر من
تازل کشان پیشین ایت و
با غوشتمانی هر آن چه را بوله
بیش بیله می بدم ساختایا
بیلای ساختایا اذنه، خوش
بایگانی، صد هدیه بیله ایز سوی
خداوند هست توبوله خوشتمانی
از زکری، در حال که من هم گله
حشکن توبوله را عصیتین
(اندی قلی من زندگی کردن با
بر خوش و راضی
خداوند است)



گز ارش ازدواجی تفریحی پارک جنگلی چیتگر

مسابقات توزیع هدیه بین تعاملی شرکت کنندگان و بذریابی (ناهار) از جمله بخش هایی بود که در این برنامه به اجرا درآمد از جمله اهدافی که مهرآفرین در برگزاری ازدواجی گروهی داشته است تقویت روحیه مشارکت جسمی و نیز ایجاد شور و نشاط بین مددجویان بوده است. تقسیم کار و نادن مستولیت های کوچک به نوجوانان و جوانان و در این ازدواجی فرصتی است تا بتوانیم به شناسایی مشکلات فردی بین مددجویان پرداخته و زمینه لازم جهت حل این مشکلات را با کمک کارشناسان بخش های مختلف فراهم آوریم.

جمعه، چهاردهم اسفند ماه ۸۸ فرست دویارهای بود تا مهرآفرین با برگزاری یک ازدواجی خلواطگی، لیختن دویارهای بر لبه های مددجویان خود پنشاند در این برنامه که با همکاری خاله قره هنگ قرانگان برگزار گردید تعداد ۴۰ نفر از زنان و کوکان نحت پوشش مهرآفرین به پارک جنگلی چیتگر رفتهند تا یک روز شاد و به یادماندنی را در ذهن خود به بادگار بسپارند. برگزاری مسابقات تفریحی، آموزشی بین گروه های سنی مختلف و اهدای جایزه به برگزیدگان این



مسابقه سنجش اطلاعات عمومی برای مهرجویان

مهرآفرین در ۱۱ اسفند سال گذشته مسابقه‌ای با عنوان «ترجمة للملائكة» به مناسبت ایام ولادت پاسداشت ختمی مرتبت حضرت رسول اکرم صلوات‌الله‌علیه و آماده صافی علیه السلام و هفته وحدت به همت واحد فرهنگی - عملیاتی در نالار مطالمه فرهنگسرای سالمند برگزار کرد. این مسابقه که سراسر شور و هیجان بود، برای خالواده‌های مهرجویی تحت پوشش مهرآفرین برگزار شد. در این مسابقه از هر خالواده دو نفر حضور داشتند که در یک رقابت تنگائانگ، موره سنجش اطلاعات عمومی قرار گرفتند.

از آنجایی که معمولاً خانم‌ها از مسابقات سنجش اطلاعات عمومی استقبال می‌کنند، همه شرکت کنندگان در مسابقه مادران و دختران شان بودند. لبیه کنندگان سوالات مسابقه، سعی کرده بودند از هر رشته و علمی مانند ادبیات فارسی، علوم تجربی، فنی، تجوب، دینی و - سوالات مناسی طرح کنند. این مسابقه با موسیقی شاد و ملزمه همراهی می‌شد که هیجان و تشویق حاضران را دوچندان کرده بود. این مسابقه بهانه‌ای بود برای جمع شدن خالواده‌های مهرجوی دور هم، شاد شدن آنها، رقابت کردن، دور شدن از فضای استرس و تهم، لذتیزه یافتن برای بالا بردن اطلاعات عمومی و گذران لوقات فراغت در یک محیط پرور و علمی.

در این مسابقه از بین شرکت کنندگان، ۳ گروه به مرحله نهایی راه یافت و از این ۳ گروه، یک گروه به عنوان گروه برتر شناخته شد.

محرومی تولای این برنامه، ضمن تشویق گرفتن از حاضرین، در چند نوبت مسابقه‌ای بین تشویق کنندگان برگزار کرد تا جو شادی و پویایی بین همه حاضران حفظ شود.

در پایان به ۳ گروه برگزیده جوایزی اهدا شد و جایزه ویژه به گروه اول رسید.



آغازشی مژی اینها خیابان فروزن

نه بخت ارجایش بسته شد و آنکه ماهه نظرش تحریره می‌آمدند، باز بالای خود به مسلمان کرد فرنگیس با هجات ممی گوید: «بیخندید که وسیله پذیرایی نداشتم».
«بایخندید پاسخ دادم، نه عزیزم خواهش می‌کنم اشکالی نداره، ولی باز این بود، چهره متوجه ما باز دیدن این زندگی فرنگیس را متوجه حال مکارد».
الاق شیش ستری که همه اسباب و ایام اش قریونه و از این رفتہ بود در یک کوهنه ای بیچال کمده و نزد گوشواری دیگر روی گرسنگی شکسته چند دست رختخواب کهنه را جا نماده بود. تلویزیون قدیمی را روی یک پویه شکسته جا نداشته بود اما گلبهای خود را ایندر لامه‌هایش سوگرم کنند. در گوشواری دیگر روی چند آجر جیده شده گلزار میزی سه شله ای فراز داشت و زمین را به جای فرش با خاک پوشانده باره و گلیم کهنه پوشانده بود که از لایه لایی پارکی پوشانه من شد. میراییک های شکسته را دید.

کم فرنگیس شروع به درد دل کرد، او می‌گوید: «هشت سال هست که شورهای مارازک کرده و من به سختی از مهددهای مخارج زندگی بر من آمده‌اند. اینکه در زندگی هیچ چیزی ندارم ولی باز خدا را شکر می‌کنم که همانم هست چون اکنون چیزی نمختصر و سابل کهنه را هم ندانستم».

او می‌برسم «از همسرت خیر با ادرسی نداری، شاید بتولیم برایت کاری حمام دهیم؟ فرنگیس می‌گوید: «ایشیدم به اصفهان رفته و کلی چیزی اختصار کرده‌ام است از احوالش هم که می‌برسم پاسخ درستی نمی‌داند در اینمه سخنانش را با آهنی ازمه داد. ما در این الاق چهل سال است که با رفع سختی زندگی می‌کیم ولی شورهای در آسایش نوبه ازدواج کرده، حال من هیچ و حتی سواقی از دختر کوچکش هم نمی‌گیرم. ما در تایستان از گوا و در زمستان از سرما گزیزیم و این فعل‌های رساناخوند برای ماجراجم و قصه چیزی ندارد من و دخترم در اینجا سبل نمی‌شویم».

حسن دخترک به مائده دو ستاره آرام و در خشتمان که از اشک خسنانش لین درخشندگی به وجود آمده بود ما را نظاره می‌کرد. کوئی من خاسته باشاندش نهایی تقصیه‌هایش را به مالشان بدهد. فرنگیس ادامه داد: «شماره خدای ایوان ما کاری انجام ندادهند من موسمه شماره از طریق المیز بیون شناختم، وقتی سخنان و عده‌های ایمنی کردند شدم رایی کمک به مستعدان و کسانی که بعد از اخدا چشم امیدشان به افرادی همانند شناسالت شنیدم سپلر خوشحال شدم و احسان کردم روزنه میدید. هر زادگیمان سو سومین زندگی.

از اوسوال می‌کنیم که این بحیطه اینجا چگونه است؟ کسی برای اینها اینجا مراحت ایجاد نمی‌کند؟! پلیس می‌دهد که «له خدا را شکر اکر کسی از خدای خودم بالا من می‌بستم به حایش لین حاج خالم مثل شیر از ما مر قستم می‌کند و در این چهار سال همیشه حامی ما بوده است بسته بدر و مادر بیزی هم دارم که در یکی از رستوران‌های مازندران زندگی می‌کند و لی بخارهای تهیوت من و نداری تولایی نگهداری از ما را ندارد. دختر کوچلولو که تکل مادرش نشسته بود و به حریق‌هایش کوش می‌دان گویی که نهانی حریف‌های از دعشن دیده که اکنون در آینده چراخ روشنی را برای دلایلی تغییرهایی مادر پاشد این از اینکه مادر این‌گونه انسان و طلاق کمک می‌کند و شدید نیز این از این‌که مادر این‌گونه انسان و طلاق کمک می‌کند که در این روح من بدن امام داد که تمام این مشقتها را بخاطر اولویت‌حمل می‌کند لی دخترک نشانش بر چشم‌مان مادر خیره شده و با تکاهی آرام می‌گوید: «مادر قیمه نخیز، رویی به تمام آرزوهای خودی رسید و من بیزی تو را رسی خوشبخت خدایم دید. ساختی امیرزاست جمالی است در بیشگاه خداوند نایابیم از دستان خناسره‌ی قبولی در براکت کنیم معلمین باش که «له» جیز درست خواهد شد به شرطی که نامن باشد».

مادر بدان، که وجود نوادگی‌های از اینکه مراوشن کرده و به من امید زیستن و زده بودند را داده، من به خود من با اینکه مادری مهربان و فناکار دارم بروت من تو هست من.

خیبلان‌های یکی پس از دیگری طی می‌کنیم. کم کم به همان خلمه می‌رسیم که باید از آنجا بازدید کنیم، در خانه را می‌زیبیم، بد از مدلی صدای پیر تن به گوش می‌رسد که با صدای بلند می‌گوید: «کیه؟»

در که باز می‌شود پیر زانی با گمر خمیده و عصا در رست متوجه و حیران مارا تکاه می‌کند از لو می‌برسم: «لیخندید فرنگیس خالم هستند؟! پیر تن می‌گوید گلست: با دخترش به مدرسه رفته است رفته مدرسه بد از ظهر میان خالم مدد کل می‌گوید: مادر جان میله کسی از فرنگیس برایمان گویی؟ پیرزن بر صما لکیه داده و با کسی مکث جواب داد «لو ن خوب و بی ازایست، چند سالی هست که در این خاله زندگی می‌کنند».

از لو شکر کرده و به سمت بازدید بیدی راهی می‌شویم بسی از ظهره با فرنگیس نسل می‌گیرم و به سمت خیبلان فروزن حرکت می‌کنیم. در راهی زایم این مرتبه خود فرنگیس با چهارهای خندان و روی گشاده از ما استقبال می‌کند ما را به الاش راهنمایی می‌کند و با شتیاق فریان با همراهان می‌شوم در گوشه حیاط قایمی زیر پله‌ها، دستشویی گلیف قدیمی دیده می‌شد که دیوارهایش ریخته شده بود در گوشه دیگر حیاط بالای آشپزخانه ای پیر تن، الک فرنگیس دخترش قرل داشت در حالی که از پله‌ها بالا می‌ویم بالکن که با حسیری کهنه و پاره پوشانده شده ناز بیرون داخل الاق مشخص پاشد دیده می‌شود بجالی پرده برای ینجه از ملحجه سفیدی استفاده کرده بود که با میخ آن را به دیوار انصب کرده بود پرده را کنار زده وارد الاق شدید، دختر فرنگیس که تازه از مدرسه آمده بود و خسته گوشی‌ای از الاق کوچکشان دراز کشیده بود با دیدن ما

دقت در بیت المال

ابراهیم گویند من در حصر خلافت ملی (علیہ السلام) باز طرف آن حضرت، منشی و حسابدار بیت المال بودم. در ماجراجی بصره، گردن بندی از مرور عده آورده بودند که جزو بیت المال بود. ایام عید قربان، یکی از دختران علی (علیہ السلام) بیام فرستاد که آن گردن بند را به عنوان عاریه مضمونه (یعنی اگر ازین رفت موضع آن راضی نیست) سه روزه او بسیار من به این عنوان، گردن بند را به دختر علی (علیہ السلام) دادم و او نیز به عنوان عاریه مضمونه پذیرفت که بعد از سه روز برگرداند علی (علیہ السلام) آن گردن بند را در گردن دخترش دید و شناخت و از او سوال کرد که این گردن بند را کجا آمد؟

او در جواب گفت: (از) ابو راقع، حسابدار بیت المال عاریه گرفتم تا در روز صید قربان زل استفاده کنم و سپس برگردانم. علی (علیہ السلام) شخصی را به سوی من فرستاد و من به حضور شتاقم فرمود: «ایا به بیت المال مسلمین خیانت کردی؟» عرض کرد: «بینه می برم به خدا که به مسلمانان خیانت کنم» امیر مؤمنان (علیہ السلام) فرمود: پس چرا گردن بند را به دختر عاریه ندادی؟ بی آنکه از من اجازه بگیری و رضایت مسلمین را به دست آوری عرض کرد: ای امیر مؤمنان! اول دختر تو است، از من خواست که گردن بند را به او عاریه بدهم تا در عید قربان استفاده کند و سپس برگرداند. با توجه به اینکه آن را عاریه دادم که دوباره برگرداند و در صورت فقدان آن خانم عوض آن باشد. والکهی از مال خودم خلبان آن شدم و بر من واجب است که آن را به محل خود برگردانم. حضرت فرمود: فوراً گردن بند را به بیت المال برگردان و حتماً پر همیز که اگر مثل این کار را انکار کنی، آنکه سزاوار گیر من خواهی شد سپس فرمود: «اگر دخترم آن را بدون عاریه یا خسانم می برد (و عاریش با خسالت نیود) نخستین زن‌ها شمشی بود که دستش قطع می شد. خبر گفتش امام (علیہ السلام) به دختر تو و پسره ای تو هستم، چه کسی سزاوار تو از من است که از آن استفاده کند.»

حضرت علی (علیہ السلام) به او فرمود: «ای دختر علی! این ایطالیب در وجود خود از حريم حق یافرای منه، آیا همه زنان مهاجر در روز عید، خود را به مثل این گردن بند می ازینند؟ آن را ز دخترش گرفت و به بیت المال برگرداند.»

- علت
- بروز مشکلات
- نادانی افراد
- تیپسته
- بلکه بیشتر
- دانسته‌هایی
- است که
- حقیقت
- ندارد

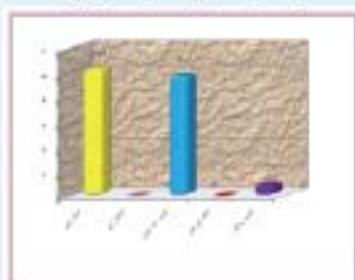


گزارش عملکرد واحدها بر حسب آمار
همه اطلاعات مهر آفرین شفاف در مقابل شماست

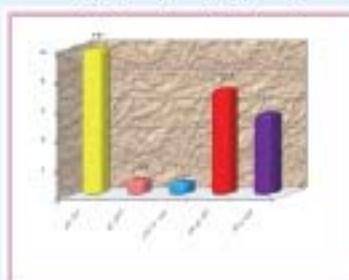
برای تمام عزیزانی که می خواهند به جمع مهرآفرینان بپوستند یا پیش از این به ما ملحق شده اند، مهم است که از توجه عملکرد واحدهای مختلف مؤسسه آگاه باشند تا بدانند کمک هایشان کجا هزینه می شود. این اطلاع، اعتماد بین ما را افزایش می دهد و شما عزیزان می توانید با خیال راحت به ما اطمینان کنید. گزارش عملکرد واحدهای مختلف مهرآفرین، در ابتدای هر سال برای سال گذشته آمده می شود و به شما ارجمندان ارائه می گردد. این گزارش که توانید با دفتر تشریه تعاض بگیرید.

جدول آماری واحد مددکاری

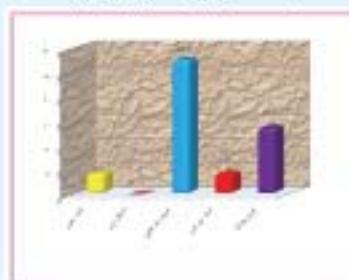
د. علی‌محمد حسینی، مترجم



د. حدائق حسب شهوان، برناوه

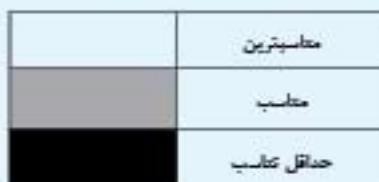


د. حد مخاطب م حسب شیوه بر تابه



جدول ۴-۱ نسبت وسائل وسگری ها با گروه های سنتی مختلف

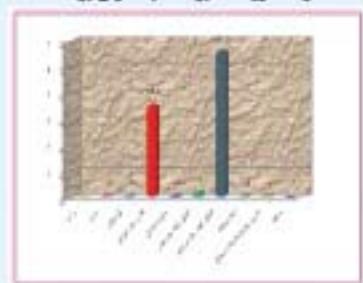
الختال	مرصد ابتكاد	مرصد بجهود ادن	مرصد ابتكاد
الختال	مرصد ابتكاد	مرصد بجهود ادن	مرصد ابتكاد
الختالات فراگيرشد	٢	٢	٣
الختالات يادگیری	٢٢	٢٢	١٥
الختالات بیش قابل	٢٣	٢٣	٢٥
الختالات سلوك	—	—	—
الختالات خورمن	—	—	—
الختالات تیک	١	١	١
الختالات دفعی	١٥	١٥	٥
الختالات احطرابی	١٠	١٠	٢



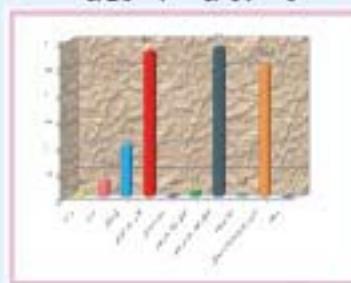
**جدول عملکرد آماری واحد آموزش بر حسب قالب برنامه
از اول فروردین ۹۸ یا بیان دی ماه ۱۳۸۸**

ردیف	عنوان برنامه	ردیف هزینه اسیرا	هزینه اسیرا برنامه (به ریال)	ردیف اسیرا	تعداد اسیرا	ردیف نمایه مخاطبان	تعداد نمایه مخاطبان	تعداد کل مخاطبان	تعداد مخاطبان		ردیف
									سر	دفتر	
۱/۹	مراسم	۱	۱۰۰۰۰۰۰۰	۰/۲	۲	۱	۲۰	۲۱	۱۰	۱۰	
۰/۴	نشست	۲	۲۲۰۰۰۰۰	۱/۱	۱۱	۳/۵	۵۸	-	۵۸	۵۸	
۱۵/۳	گردشگری	۳	۸۰۲۹۷۰۰۰	۰/۷	۷	۱۰/۲	۱۹۹	۵۳	۱۳۶	۱۳۶	
۴۲/۸	کلاس های آموزشی	۴	۳۲۰۰۰۵۷۰۰	۳۵۰/۸	۳۵۸	۲۸۰/۲	۵۵۰	۳۹۰	۱۶۰	۱۶۰	
*	مشاوره تحصیلی	۵	-	۰/۸	۸	۰/۴	۸	۱	۷	۷	
۷۸/۹	اعطای کمک های تقدی	۶	۲۰۰۰۰۰۰۰	۲/۷	۲۷	۱/۴	۲۷	۹	۱۸	۱۸	
*	اعطای کمک های غیرتقدی	۷	-	۰/۰	۰	۰/۰	۵۶۶	۳۱۲	۲۵۴	۲۵۴	
*	ارائه تسهیلات	۸	-	۰/۹	۹	۰/۵	۹	۳	۶	۶	
*	تامین و توزیع محصولات فرهنگی	۹	-	۱	۱۰	۲۵/۵	۵۰۰	۲۴۵	۲۵۵	۲۵۵	
۰/۷	مسابقه	۱۰	۳۵۵۰۰۰	۰/۳	۳	۰/۳	۶	۶	-	۶	
۱۰۰	جمع کل		۵۳۰۰۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰۱	۱۰۰	۱۹۵۳	۱۰۳۹	۹۱۴	۹۱۴	

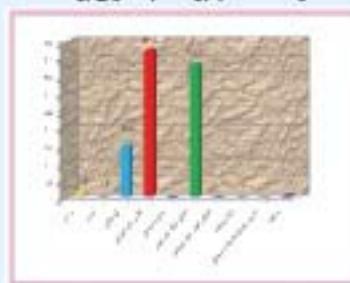
درصد هزینه های بر حسب عنوان برنامه



درصد اجرا بر حسب عنوان برنامه

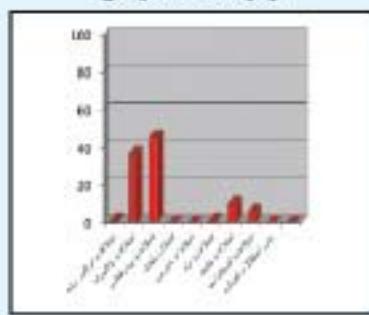


درصد مخاطب بر حسب عنوان برنامه



گزارش عملکرد واحد روانشناسی

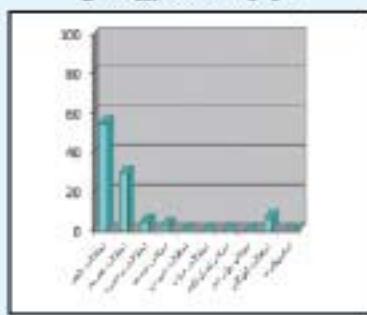
نمودار ۱ اختلالات کودکان



اختلالات بزرگسالان و درصد پیغامدهای بالاتر

نوع اختلال	تعداد	درصد ابتلاء	درصد پیغامدهای بالاتر
اختلالات عصبی	۵۵	۵۵	۵۵
اختلالات میزبانی	۳۳	۳۳	۳۳
اختلالات تحصیلی	۸	۸	۸
اختلالات جسمی	۴	۴	۴
اختلالات خوب	۰	۰	۰
اختلالات کنسل تکه	۰	۰	۰
اختلالات پویان می	۰	۰	۰
اختلالات انتکورپری	۰	۰	۰

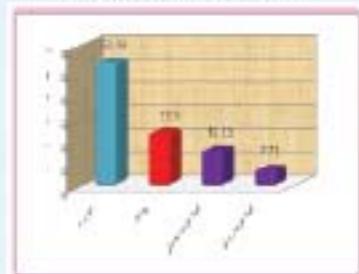
نمودار ۱ اختلالات بزرگسالان



جدول ۱-۵ تناسب وسائل و سرگرمی‌ها با اهداف مختلف

وسایل	اهداف	سلط کم به حوادت	بيان فیزیکی	احساس	تدوین ابراز	مهارت حل مسال	اجتماعی	بالا بردن عزت نفس	پیشگیری از تاباطن	بصیرت	پیشگیری
كتاب ها /قصه ها											
كل											
ساختمان ساری											
نقاشی کنیدن											
نقاشی با انگشت											
بازی ها											
سفر خیالی											
بازی خیالی											
حیوانات کوچک											
ریک کردن و کلاژ											
عروگهای خیمه شب بازی بیب											
سینی شن											
تماد ها / اشکال											
صفحات کار											

توزیع فروایی و درصد هزینه های انجام شده در شهرستان مشهد بر خدمات ارائه شده



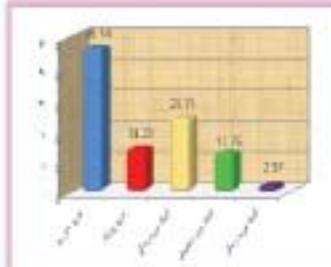
توزیع فروایی و درصد هزینه های انجام شده در شهرستان بندرعباس بر خدمات ارائه شده



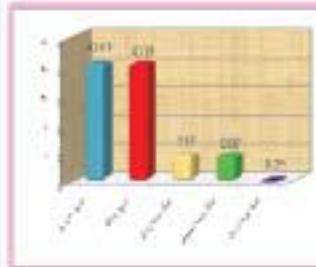
توزیع فروایی و درصد تعداد مخاطبان در شهرستان بندرعباس بر حسب خدمات ارائه شده



توزع فرایانی و درصد تعداد مخاطبان در انجام شده در شهرستان خرم آباد بر حسب خدمات ارائه شده



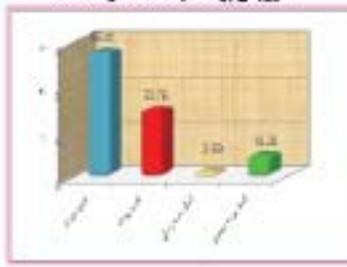
توزع فرایانی و درصد تعداد مخاطبان در شهرستان خرم آباد بر حسب خدمات ارائه شده



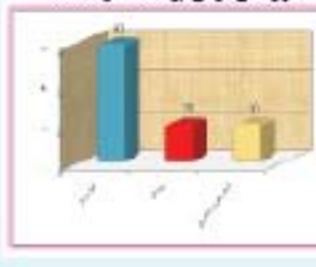
توزع فرایانی و درصد تعداد مخاطبان در شهرستان مشهد بر حسب خدمات ارائه شده



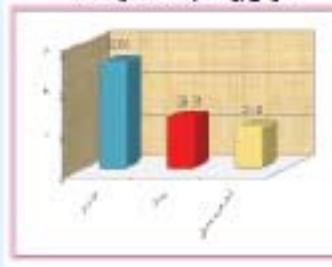
توزع فرایانی و درصد تعداد مخاطبان در شهرستان سیرجان بر حسب خدمات ارائه شده



توزع فرایانی و درصد تعداد مخاطبان در شهرستان کرمان بر حسب خدمات ارائه شده



توزع فرایانی و درصد تعداد مخاطبان در شهرستان کرمان سیرجان بر حسب خدمات ارائه شده



گزارشات عالی تخلیه صندوق

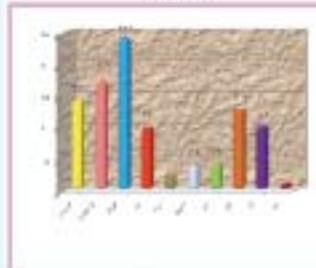
ردیف	نام ماه	تعداد تخلیه	مبلغ تخلیه	درصد
۱	قروردين	۷۱۷	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۷/۱
۲	ازدينهشت	۱۰۳۰	۴۸۰۰۰۰۰۰۰۰	۱-۱۵
۳	خرداد	۹۰۲	۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰	۲
۴	تبر	۸۳۵	۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰	۸/۷
۵	مردانه	۹۱۸	۲۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۸/۷
۶	شهید	۵۱۶	۱۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۲/۱
۷	مهر	۷۷۶	۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۰/۷
۸	آبان	۷۷۶	۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۹/۷
۹	آذر	۹۰۹	۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۲/۷
۱۰	دی	۹۲۱	۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۲/۱
۱۱	جمع کل	۸۲۲۲	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰

نمودار شماره ۹۰۱ توزع فرایانی و درصد مبلغ تخلیه صندوق ها بر حسب ماه کاری

گزارش صندوقهای تحويلی

ردیف	نام ماه	تعداد صندوق	مبلغ صندوق	درصد
۱	قروردين	۳۱۵	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۷/۲۸
۲	ازدينهشت	۴۸۰	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۷/۲۷
۳	خرداد	۵۲۲	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۷/۱۴
۴	تبر	۲۱۹	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۷/۱۹
۵	مردانه	۵۰	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۷/۲۲
۶	شهید	۸۵	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۷/۶۲
۷	مهر	۷۶	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۷/۲۱
۸	آبان	۲۸۲	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۷/۸۷
۹	آذر	۲۲۴	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۷/۶۳
۱۰	دی	۲۴	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۷/۱۱
۱۱	جمع کل	۲۲۰۹	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۷/۱۱۰

توزيع فرایانی و درصد صندوق های تحويلی بر حسب ماه کاری



توزيع فرایانی و درصد صندوق های تحويلی بر حسب ماه کاری



پیامبر(ص)
 قرمود: «من
 به تو چیزی
 می بخشم که
 اگر هر روز آن
 را انجام دهی،
 برای توازن دنیا
 و هر چه در آن
 است، بهتر است
 و اگر یک روز در
 میان آن را انجام
 دهی، خطاهای
 آن روز براحتی
 بخشیده شود»

هدیه‌ای پایدار

عطاء کنم، یا به تو هدیه کنم؟» مردم گمان کردند که پیامبر(ص) می خواهد طلا و یانقره به جمفر هدیه کند، به همین دلیل اجتماع کردند. آنکه پیامبر(ص) به جمفر گفت: «من به تو چیزی می بخشم که اگر هر روز آن را الجام دهی، برای توازن دنیا و هر چه در آن است بهتر است و اگر یک روز در میان آن را الجام دهی، خطاهای آن روز براحتی بخشیده می شود. هر جمهه هر ماه و یا هر سالی که الجام بدهی، خطاهای لفڑش هایی که بین شلن بوده بخشیده می شود و آن هدیه این است چهار رکم نماز: بدلار قرات حمد و سوره ۱۵ مرتبه تسبیحات ازمه می گویند و هنگلی که به رکوع رفتی در رکوع نیز ۱۰ مرتبه تسبیحات ازمه می گویند و بدلار کعب برداشته آن را ۱۰ مرتبه می گویند و در سجده اول نیز ۱۰ مرتبه می گویند و بدلار سرپرداشت از سجده اول برداشته اند. بدلار ۱۰ مرتبه و در سجده دوم ۱۰ مرتبه و بدلار سرپرداشت از سجده دوم در حالی که نشسته اند ۱۰ مرتبه آن ذکر را می گویند. پس در هر رکم ۷۵ مرتبه تسبیحات ازمه خوانده می شود و جماعت ۳۰۰ تسبیح در چهار رکم خوانده می شود که در نتیجه یک هزار و دویست تسبیح، تهلیل، تکبیر و تحمید، گفته شده است. اسلحه بن عمار در این زمینه می گوید: «له لام ملقع (ع) عرض کرد آیا کسی که نماز جمفر (تهلیل) را بخواهد، همان پاداشی را که پیامبر(ص) به چمر و عنده داده برای او هم نیست می شود؟» امام(ع) قرمود: «رای ابه خدا قسم که این چنین است»

جمفرین این طلب به دستور پیامبر(ص)، سرپرستی مهاجران جمشر را بر عهده گرفت و سخنگوی مهاجران شد. لو با بیان شبیه و با استفاده از آیات قرآن کریم توانست بینا پادشاه جمشر را مسلمان کرده و سپس جمع کلیری از مردم آن سرزمین را به اسلام دعوت کند. او موفق شد به همراه همسر فداکارش اسماعیل بنت عباس* به مدت ۱۲ سال اسلام را در سرزمین جمشر بثیغ کند. زملی که به میدنه باز می گشت با پیروی مسلمین در چنگ خیر مقابن شده بود. رسول خدا(ص) فرمود: «عنی تمام از پیروی خیر پیشتر خوشحال باشم و باز دین جفر». اینک پس از ۱۲ سال زمان دیدار یک سردار با رهبری فرا رسیده بود پیامبر(ص) به جمفرین این طلب قرمود: «ایا به تو بخشم،

بخشیده می شود

نزد خود برا

اکنون که رازم قافش شداین زندگی را نمی خواهم، مرایه نزد خود ببر. در زمزمه و مناجات بود که در آتش عبدالله جان به جان افرین سلیمان کرد عبدالله اور ابا همان جانه ای بسیار کهنه دفن کرد همان شب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در خواب دید که با حضرت ابراهیم بر برآقی سوارند و به سوی او می آیند. چون به عبدالله رسیدند فرمودند: چرا آن دوست و محبوب ما را جانمه کهنه به خاک سپرده ای

عطاء نیشابوری می گوید: عبدالله مبارک، قلامی داشت که با لو قرارداد بسته بود اگر قیمت خود را کار کردن به من بپردازی من تو آزاد خواهم کرد. روزی شخصی به عبدالله گفت: قلام تو شباهه نیش قیر می کند و گفتن امots را از بدن امots ببرون می آورد و به فروش می رساند و از فروش کفون درهم و دینار به نومی بپردازد عبدالله از این خبر بسیار تعجب کن شد. شی بدن خبر قلام، دنیال قلام رفت تا به گورستان رسید. دید قلام وارد قبری شد و با پوشیدن جلمه ای بسیار کهنه و الداختن زنجیری به گوردن صورت برخاک گذاشت و یا لیامندی هرچه ا تمام فربه درگاه بی نیاز به مناجات و دعا و گریه و زاری مشغول شد.

عبدالله با دیدن آن حال به گوشه ای خزید و آرام آرام مشغول گریه شد. قلام تا نزدیک سحر مناجات و دعاویش را اقام داد. سپس از قیر بیرون آمد و رو به چالب شهر گذاشت و با رسیدن به شهر به اولین مسجدی که رسید وارد مسجد شد و به نماز صحب ایستاد و پس از نماز گفت ای مولای حقیقی من شب به روز رسید. هم اکنون مولای مجازی من از من درهم و دینار می خواهد خدایا چاره ساز بیچارگان نوبی و سرمایه بخش به مقلسان و گذایان نوبی در آن حال نوبی پدید نشد و از میان نور دیناری نز در نست قلام قرار گرفت. عبدالله بامشاهده این حالی طلاقت شدیه سوی قلام و قدم و سر قلام را به سینه گرفت و گفت: هزار جان چون منی فنای علمی بدان ای کلش تو خواجه بودی و من علم! قلام چون این وضع را دید. گفت: خدایا تا الان کسی جز تو از راز من خیر نداشت

من نیستم
 من اینجانه استم
 من اینجا منتظر نیستم
 من اینجا منتظر دوستی نیستم
 من اینجا منتظر دوستی مهردان نیستم
 من اینجانه ایها منتظر دوستی مهردان نیستم
 من اینجانه ایهاست، منتظر دوستی مهردان نیستم
 من اینجانه ایهاست، منتظر دوستی مهردان هستم
 من اینجانه ایهاست، منتظر دوستی هستم
 من اینجانه ایهاست، منتظر هستم
 من اینجا منتظر هستم
 من اینجا هستم
 من هستم



لبن فست رانا زنده

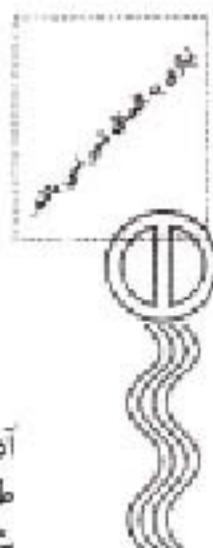
لبن فست رانا زنده



بست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۱۹۳۹۴۸۰۷ پرداخت شد.

آدرس طرف قرارداد (گیرنده): تهران- خیابان آفریقا- چهارراه جهان کودک- برج امیر پروفسور
طبقه هشتم- واحد ۸۲- سویه نیکوکاری شهر آفرين پناه خضر
شماره مستندق پستی تهران ۱۴۲۹۴۸۱۱۷
تلفن: ۸۸۸۷۷۸۹۹



لبن فست رانا زنده

به نام خداوند مهرآفرین

کد عضویت:
تاریخ عضویت:



موسسه نیکوکاری مهرآفرین پناه عصر

هر که در این سرادر آید
آب‌اش دهد و غان‌اش دهد و
از ایمان‌اش نپرسید

شیخ ابوالحسن حرقانی

باور محترم مهرآفرین

اینک که شما داوطلبانه با هدف یاری رساندن به خانواده‌های بی‌بصاعت، یا مؤسسه نیکوکاری مهرآفرین ارتباط برقرار کردید و تابخشنی از توان و وقت خود را صرف توانمندسازی هموطنان خود کنید، مقتخریم تا این فرصت را غیمت شمرده و برای بهبدود بخشیدن زندگی این عزیزان که منبع مالی برای گذراندن زندگی ندارند، اقدامات لازم را فراهم آوریم.

فرم عضویت باوران مهرآفرین

نام پدر:

نام خانوادگی:

میزان تحصیلات:

تاریخ تولد:

نام:

شماره ثناستاوه:

وضعیت تأهل:

نشانی:

تلفن همسراه:

۱- آیا فرصت و تمایل عضو گیری و حذف خبرین برای طرح «توانمندسازی و مشارکت» موسسه مهرآفرین را دارد؟
 خیر
 نه

۲- در صورتیکه خواستار عضویت خود در موسسه مهرآفرین هستید، بفرمایید چگونه و به چه صورت مایل به همکاری هستید؟
پرداخت نقدی کالای غیر نقدی پرداخت حق عضویت ماهانه به مبلغ سالانه مبلغ
توضیحات

۳- حسابه میباشد ملی ۰۰۰۸۰۴۲۰۸۰۰۲ (به نام موسسه مهرآفرین)

۴- آیا به صورت افتخاری مایل به مشارکت‌های مددکاری هستید؟ (دارای مدرک مددکاری، روانشناسی، جامعه‌شناسی و مدارک مربوطه هستید؟)

توضیح روز در هفته در ماه

۵- آیا میتوانید باور یک یا چند فرزند تحت پوشش مهرآفرین باشید و آنها را در امر تحصیل یاری تمایید؟

۶- آیا مایلید باور یک یا چند خانواده تحت پوشش موسسه مهرآفرین باشید؟

تبصره: باوران گرامی میتوانند برای هر نوبت دیدار از خانواده‌های تحت پوشش خود، طبق هماهنگی با موسسه اقدام کنند.

لطفاً نظرات و پیشنهادات خود را برای اجراء توسعه طرح تامین منابع مالی، به آدرس دفتر مرکزی موسسه و قسمت روابط عمومی ارسال فرمایید.
ثانی: تهران، چهارراه جهان کودک، خیابان آفریقا (جردن)، پرج امیرپرویز، طبقه هشتم، واحد ۸۲، واحد مرکزی.
تلفن دفتر مرکزی: ۰۶۷۰۰۸۸۲۰۸ تلفن: ۰۹۹۷۷۷۸۸۸۸

با تشکر

روابط عمومی مؤسسه مهرآفرین